



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ برای ما بریالیم
و نگهای زنجیریش

بهاه ۵۰۰ ریال

فروردین ۶۸ - ۴۴ صفحه

سال چهارم - شماره ۲۵

بمناسبت چهارمین سال انتشار پیام فدائی

بطور کلی در شرایط جامعه ایران، اندکسی در مورد نقش و جایگاه "روزنامه" در ایران از دیدگاه تئوری مبارزه مسلحانه توضیح داده و روی آن تعمق ننشایم. اغلب نیروهای سیاسی مدعی مارکسیسم-لنینیسم در توضیح جرائی انتشار ارگان و درجه ضرورت و اهمیتی که برای آن در صفحه ۶

با انتشار شماره ۲۵ "پیام فدائی" این نشریه بمناسبت ارگان چریکهای فدائی خلق ایران وارد چهارمین سال انتشار خود میگردد، با ما متعین شردن این فرصت در اینجا بی مناسبت نمینیم ضمن برخورد به دیدگاههای انحرافی در مورد نشر ارگان سیاسی و تلقی غیرواقعی از ضرورت و اهمیت "روزنامه"،



پیام چریکهای فدائی خلق بمناسبت نوروز ۶۸

کارگران و خلقهای مبارز ایران! فصل بهار و سال جدید فرامیرسد و کارگران و توده‌های تحت ستم ما میروند تا برغم امکانات بسیار محدودشان زیر چتر حاکمیت فدا خلقی جمهوری اسلامی یعنی یکی از مخوف ترین دیکتاتورهای امپریالیستی تاریخ معاصر میهنمان، عید نوروز را بعنوان یکی از سنن ارزشمند ملی و باستانی خویش گرامی دارند. در صفحه ۲

تشدید تضادهای درونی رژیم و عزل منتظری

در صفحه ۱۳

"در باره روشنفکر"

(نوشته‌ای از چریک فدائی خلق رفیق شهید حمید سومنی)

در صفحه ۱۵



در صفحات دیگر:

- * نکته‌ها و گفته‌ها ۲۵
- * اخبار ۳۷
- * روز شمار فروردین ۴۳
- * شهدای فروردین
- * چریکهای فدائی خلق ایران ۴۳

گزیده‌هایی از رادیوهای چریکها:

- اعدام برخی فرماندهان ارتش امپریالیستی، نمدی از بحران امپریالیستی و رشد تضادهای درونی رژیم
- وعده و وعیدهای تو خالی خمینی در سال نو
- انحراف به اوضاع با سامان اقتصادی در صفحه ۲۷

خاطره اعتصاب ۴۰ هزار کارگر شرکت نفت آبادان گرامی باد

در صفحه ۲۱

گزارشی از تضییقات اخیر دفتر سازمان ملل

در ترکیه بر علیه پناهندگان ایرانی

در صفحه ۲۳

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیام جریکهای فدائی خلق بمناسبت نوروز ۶۸

زحمتکشان انعکاس مبارزه طبقاتی است که بین خلقها از یکسو و امپریالیستهای خنایتکار و غارتگر از سوی دیگر در میهن تحت سلطه ما جریان داشته و دارد.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز با اتکاء به همین واقعیت است که در طول دهسال حیات غارتگرانه خویش همواره کوشیده است که نوروز توده ها را به نوروزهای خونین تبدیل سازد. از جشن و سرور آنها جلوگیری کرده و به اسم "اسلام" و "مذهب" روحیه غم و اندوه و عزا را پر مردم حاکم ساخته و به این ترتیب ضمن سرکوب و تخطئه فرهنگ و سنن ملی خلقها، چشم انداز مبارزه برای تغییر شرایط را از آنها بگیرد. سهجوده نیست که در اکثریت قریب به اتفاق نوروزهای تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، ما شاهد بوده ایم که مراسم جشن و سرور مردم برای بزرگداشت عید ملی و باستانیشان همواره با پوشش "اسلام" و "خدا" تقمیح و سرکوب شده و طی این سالها مردم ما در گوشه و کنار میهنمان در نوروزهای خویش نیز به دست سرکوبگران مزدور جمهوری اسلامی بخاک و خون درغلطیده اند. و این نوروزها توسط رژیم وابسته جمهوری اسلامی به نوروزهای خونین بدل شده است. این واقعات نشان از هرچیز بیانگر هراس و وحشت منسزدوران امپریالیسم از گسترش احساسات ملی و شکل توده ها حول خواسته ها و آرمانهای ملی و ضد امپریالیستی شان میباشد در قاموس امپریالیستها نیز هر انگیزه و موضوعی که بخواهد جنبش انقلابی و رهاشیش توده ها را در جوامع تحت سلطه سرعینه سلطه امپریالیستی تقویت کند باید بهر شکل سرکوب گردد. بنابراین جمهوری اسلامی ضد خلقی نیز با توجه به این حقایق با سرکوب احساسات ملی و انقلابی توده ها میکوشد که ضمن چاره عمل پوشاندن به این مقاصد امپریالیستی، امر سرکوب فرهنگ و سنن ملی توده ها را با پوششهای "اسلامی" و مذهبی به پیش ببرد. و گرنه "اسلام" پناهی خمینی مزدور همانقدر اصالت دارد که ضد امپریالیست بودن او.

با توجه به این واقعات است که در آستانه مال جدید توده های کارگر و زحمتکش و مردم مبارز ما باید با آگاهی به این امر سعی کنند که نوروز را هرچه پرشکوهتر جشن گرفته و آنرا گرمی دارند و به این ترتیب با حفظ و تقویت

خلقهای محروم ورنجدیده ما از مقطع قیام قهرمانانه ۲۲ بهمن ۵۷ تا کنون ۱۱ بهار را زیر حاکمیت فلاکت و سرکوب رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از سر گذرانده اند. و رژیم ضد خلقی در طول این مدت تلاش نموده که هر سال بیورش سازمان یافته تر و سرکوبگرانه تر و آسبه جنبش توده ها سازمان دهد. به حرات میتوان گفت که در اکثر نوروزهای یکده گذشته سالی نبوده است که مردم مبارز ما در گوشه و کنار میهن تحت سلطه مان هنگام برگزاری مراسم ملی و سنتی خود در چهار رشنه سوریها، نوروزها و سیزده بدرها و... با دستگاہای سرکوب رژیم نظیر پاسداران و کمیته های ضد خلقی و... به بهانه های مختلف درگیر نشده باشند. گذشته از این حکومت پیشگمان مزدور رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بنا به نهایت آساک و بیشرمی تا آنجا که توانسته است در طول این سالها از اعمال هیچگونه تضییقات مالی و امکاناتی در حق توده ها برای بزرگداشت نوروز خودداری نکرده اند. بنابراین در آستانه سال جدید و عید نوروز، نخستین سالی که پیش میآید عبارت از این مسئله است که اصولاً چرا دولت مردان ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی با سرگزاری عید نوروز یا چهار رشنه سوری، سیزده بدر و سایر جشنها و سنن ملی توده های ما مخالفند و به انواع شیوه های مستقیم و غیر مستقیم سعی میکنند تا این مناسبتهای فرخنده ملی را به روزهای خونین سرکوب و عزاداری بدل نمایند؟ آیا رژیم حاکم به خاطر "اسلام" و "دیانت" خویش با سنن ملی توده ها مخالفت میورزد؟

در پاسخ به این سوال همانطور که ما بارها در نزد توده های تحت ستم و مبارز میهنمان بدان اشاره کرده ایم پیش از هرچیز علت را باید در ماهیت ضد خلقی و ضد ملی و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی جستجو نمود.

اصولاً سلطه امپریالیستی با گسترش نفوذ ضد خلقی خویش در تمامی شئون جامعه در بندها سعی کرده که ضمن برقراری یک دیکتاتوری سرکوبگرانه و عنان کسبخته و ضمن وابسته ساختن اقتصاد میهن ما و اتمام آن در ارگانیزم جهانی خویش، تمامی فرهنگ و سنن ملی خلقهای ما را نیز از محتوا تهی ساخته و به این ترتیب توده های تحت ستم را هرچه بیشتر به انقیاد خویش در آورد. بنابراین تعرض رژیمهای وابسته به فرهنگ و سنن ملی کارگران و

مردم پر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

سخت ملی خویش نقشه امپریالیستها و مزدورانشان در نابودی ارزشهای ملی و انقلابی موجود در این سنتها را ما شکست زور و سازند .
توده‌های آگاه و مبارز !

سالی که گذشت در طول یک دهه زندگی مشقت‌بار خلقهای ستمدیده‌ما تحت حاکمیت ضد خلقی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی ، یکی از خونبارترین و جنایتکارترین سالیهای حکومت این رژیم وابسته به امپریالیسم بر علیه خلقهای زحمتکش ما بوده است . طی سال گذشته سگان زنجیری حاکم بعد از ۸ سال آتشباری در معرکه جنگ امپریالیستی ایران و عراق محسوس شدند در انتظار توده‌ها با نهایت خواری و خفت و بنانه دستور آریایان امپریالیستان آتش بس در این جنگ را پذیرا شوند . به این ترتیب جنگی که به همت امپریالیسم و سگان زنجیریش در طول سالیان دراز میلیونها کشته و زخمی بر جای گذارد و مادران و بدران بسیاری را در داغ از دست دادن جوانانشان به سوگ نشاند ، جنگی که میهنمان را ویران نمود و میلیونها تن را آواره و در بدر ساخت و با آغوش جنگی که میلیاردها دلار از کیسه تهی زحمتکشسان میهن ما را به حیب گشاد امپریالیستها و سرهایه‌داران وابسته ریخت سرانجام و به یکباره پایان یافت . و غمی جانی و مزدور خاطر " مصالح اسلام " و عبارت دقیقتر مصالح امپریالیسم جهانی خام زهر آنرا نوشید .

اهداف و نتایج و روند ۸ سال آدمکشی و قتل عام در میدانهای این جنگ جنایتبار و جگونگی طرح ناگپانسی آن ، درست هنگامیکه تا چند روز قبل از قطع جنگ ، فریادهای هیستریک دولتمردان جمهوری اسلامی مبنی بر "فتح کربلا" و "قدس" و "جنگ جنگ تا پیروزی" گوش فلک را کر کرده بود ، نیش از همه بیانگر یک واقعیت ، یعنی واقعیت امپریالیستی این جنگ طوانی و جنایت‌بار بود .

امپریالیستهای جنایتکار و جهان‌خوار که این جنگ خانمان برانداز را بر علیه خلقهای منطقه و بخاطر اهداف پلید و غارتگرانه خویش سازمان داده بودند ، توانستند به مدد سگان زنجیریشان در طول سالهای مدید میلیونها تن از جوانان و توده‌های بیگناه را در سطح آن قربانی کنند . میلیتاریزم جنایتکارانه خود را در سطح منطقه گسترش دهند و شمشیرهای آخته ارتشهای مزدور خود را در منطقه بر علیه کارگران و توده‌های ستمدیده هرچه تیزتر نمایند و یورش هرچه گسترده‌تری را بر علیه جنبش انقلابی خلقهای بی‌پایسته سازمان دهند و در جهت تخفیف بحرانهای مرگبار اقتصادی خویش بکوشند ولی برغم این مسائل ۸ سال جنگ خانمان برانداز ، هیچگاه امپریالیستها و رژیم جمهوری اسلامی را در تحقق قطعی و مطلوب تمامی این اهداف غارتگرانه موفق ساخت . بحران اقتصادی درمان ناپذیر نظام حیاولگر آنها چه در سطح بین‌المللی چه در ایران تحت سلطه مهارت شده و با وجود سرکوب مرگبار و بیرحمانه جنبش توده‌ها ، نهضت انقلابی کارگران و خلقهای تحت ستم ما منکوب نگشته است . و سرانجام نیز مجموعه‌ای از تمامی این تضادها و پیچیدگیها بموازات آهنگ داشم‌التزاید رشد

نازغیبتی و اعتراض توده‌ها بر علیه این جنگ جنایتبار ، امپریالیستهای جانی را واداشت تا به حکم منافع کثیف خویش جنگ ضد خلقی ایران و عراق را قطع کنند و رژیم دست‌نشانده جمهوری اسلامی را مفتضح و شکست خورده با دریایی از ادعاهای مذبحخانه و جنگ طلبانه محسوس سازند این بار بنانه منافع آریایان با پوش "اسلامی" مسلح فوق‌الذکر را برای توده‌ها تشریح کند .

ما قبل از این به حکم وظیفه انقلابی خویش به کرات برای کارگران و خلقهای دربند خویش ماهیت بنایست جنایتکارانه و امپریالیستی این جنگ را متذکر شده بودیم . ما توضیح داده بودیم که جنگ ضد خلقی ایران و عراق نه جنگ دولت مستقل بلکه جنگی امپریالیستی است که شعله‌های آن بخاطر مصالح عالیتر بین‌المللی ، در سطح منطقه روشن شده و کنترل و هدایت آن در دست امپریالیستهاست . ما اهداف ضد خلقی و نتایج و منشاء منافع موجود از این جنگ امپریالیستی را توضیح داده بودیم و بخصوص خاطر نشان ساخته بودیم که برخلاف درکهای ابلهانه ساده‌انگاران این فریادهای "جنگ ، جنگ تا پیروزی" و "فتح قدس" و "پیمان اسلام" دار و دسته خمینی نیست که اهداف و مسیر جنگ را تعیین میکند . ما همچنین همواره روشن ساخته بودیم کسه درست به خاطر واقعیات بالا و ماهیت امپریالیستی این جنگ ، تداوم آن تا زمانی که طول خواهد انجامید که در کلیت خود منافع گردانندگان اصلی خویش را تامین سازد و بنا بر این امپریالیستها برخلاف تمامی ظواهر و پوششهای عوام‌فریبانه این جنگ ضد خلقی ، هر لحظه که دیگر تا میسر منافع خود در سطح منطقه را در قطع این جنگ ببینند بلا درنگ به قطع آن اقدام خواهند نمود . امروز روند رویدادها نیز به روشنی تمام محتاج این تحلیل مارکسیستی را در مورد جنگ ایران و عراق به اثبات رساند . این جنگ ضد خلقی قطع شد و در این میان تنها چیزی که اولا اهمیت نداشت فریادهای باصطلاح پان‌اسلامیست سگان زنجیری امپریالیسم در ایران یعنی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بود .

جنگ امپریالیستی ایران و عراق قطع شد ولی منافع امپریالیستی محرک این جنگ همچنان باقی ماند . با قطع جنگ توده‌ها به هیچیک از اهداف صلح خواهانه خویش نرسیدند . فقر و فلاکت و کمبود که تا این زمان بخاطر جنگ فروخورده میشد با پایان آنهم بهیچوجه از بین نرفت . سرکوب مرگبار دیکتاتوری امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی ایجاد وسیع‌تری یافت و مجموعه تمامی عوامل فوق نشان داد که روند " صلح " کنونی نیز ادامه همان روند " جنگ " قبلی یعنی در خدمت تامین منافع رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ، سرمایه‌داران وابسته‌الوصفت و آریایان امپریالیستش خواهد بود . رژیم حاکم قطع جنگ را ، حالیکه حتی در آخرین روزها دهها هزار تن دیگر از جوانان میهنمان را در میدانهای آن سلاخی نمود ، هزاران تن دیگر را به اسارت داد ، با خواری و خفت و به حکم آریایانش پذیرا شد . اما بافاصله پس از آن یورش هرچه گسترده‌تری را بر علیه خلقهای مبارز ما سازمان داد .

که پس از ده سال واندی که از عمر ننگین رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میگذرد، جنحهای محروم مابه هیچک از خواستههای اساسی خویش دست نیافته اند. رژیم جمهوری اسلامی بمثابه یک زنجیری امپریالیستی، از آغاز استقرار حاکمیت سیاه و سنگینش در طول یک دهه اخیر، در تمام شئون زندگی اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی توده ها جز فقر و بدبختی، آوارگی و ویرانی، جنگ و سرکوب و اعدام و شکنجه هیچ تحفه دیگری در نوروزهای خویش برای کارگران و خلقهای ما به ارمغان نیاورده است.

این رژیم جنایتکار به مثابه شکل جدید حاکمیت سلطه امپریالیستی سرمایه‌مدان و پسران آنکه حفظ رژیم ضد خلقی شاه دیگر برای امپریالیستها ممکن نبود، بر سر تریکچران اقتصادی و تمام قهرمانانه توده ها در بهمن ۵۷ توسط امپریالیستهای سرکاز و رده شد، در طول یک دهه گذشته نشان داد الحسین طاموریت سیاه امپریالیستی خویش را بر علیه کارگران و توده های رنج دیده به مطلوبترین نحو به پیش برده است. از سرکست سر دار و دسته ضد خلقی خمینی مزدور و سایر آخوندهای رذل و سرسپرده حاکم و اربابان آمریکا ئیشان، در طول این ده سال بر فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان بیش از پیش افزوده گردیده است. اقتصاد وابسته و بحران زده جامعه هرچه بیشتر فلج گشته، بیگاری و گرانی سرام آور، تورم و کمبود مباحثات اساسی، فحشا و فساد، مرگ و نیستی تحت حاکمیت این دیکتاتور ی خون آشام امپریالیستی به امپور عادی و روزمره جامعه بدل شده اند. کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهر و روستا و سایر اقشار تحت ستم با گسترش سلطه اهریمنی امپریالیستها و تحت رژیم جمهوری اسلامی هر روز فقیرتر و بی چیزتر شده اند و در عوض عیبهای گشاد مثنی آخوند مزدور و سرمایه داران وابسته و زالوصفت و اربابان امپریالیست آنها به قیمت مکیدن خون کارگران و زحمتکشان روز به روز انباشته تر شده است.

امروز با آغاز یازدهمین بهار از عمر ننگین رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، کوچکترین نشانه ای از تخفیف وضع بحرانی نظام امپریالیستی در هیچ عرصه ای از زندگی توده ها به چشم نمیخورد. چرا که سران تسهکار جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستشان بسه هیچ رو نتوانسته اند در طول این یک دهه، به تمامی خواسته های ضد خلقی خویش بر علیه توده ها جامعه عمل بیوشانند. بخصوص که آنها علیرغم تلاشهای بی حد و حصر خویش نتوانسته اند سهن ما را به جزیره ثبات و آرامش مورد دلخواه خویش بدل سازند و این قبل از هر چیز به دلیل مبارزه و مقاومت خله در زنجیری است که در این سوی میدان در برابر دشمنان خویش صفا آرائی کرده است. در کشاکش این سالهای پرتلاطم، در این سوی میدان، کارگران و توده های ستم دیده ای وجود داشته اند که هیچگاه در برابر سرنامهای غارتگرانه و سرکوب ددمنشانه این دیکتاتور ی دهشتناک امپریالیستی تسلیم نشده اند. جنش انقلابی توده ها که با سرنگونی شاه، قطع سلطه امپریالیسم در تمام اشکال و در

اگر جنگ حنایتار امپریالیستی نتوانست توده ها را آنگونه که خواست امپریالیستها بود سرکوب کند، قطع جنگ و روند صلح موقعیتی شده که بیورش هرچه وحشانه تری را بر علیه آنها سازمان دهند. دستگاه غریب و طویل سرکوب امپریالیستی پس از فراغت از جنگ پیش مشغول تجهیز و تسلیم خویش بر علیه جنش توده ها است. امپریالیستها و رژیم جمهوری اسلامی در هراس از نفرت و انزجار ستیان سرافکن توده ها بر علیه این جنگ و مسیان آن حتی به سیاق سایر رژیمهای ضد خلقی هم به توده ها اجازه ندادند که طبق معمول پایان هر جنگ ضد خلقی به خیابانها آمده و صلح آنها را جشن بگیرند. چرا که آنها در شرایط خطر کنونی از تجمع مردم به جان آمده و یکبارگی و اتحاد آنها تحت هر عنوانی شدیداً در هراسند. امپریالیستها و سگان زنجیریشان در ایران با فاصله پس از فراغت از جنگ دهها هزار مهره سرکوب خویش را برای سرکوب مقاومت مسلحانه انقلابی روانه کردستان قهرمان کرده اند آنها مجبور شده اند که در طول چند ماه پس از قطع جنگ و بدبختی قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، با وجود تمامی اعتراضات بین المللی یکبار دیگر جنگال خون آلود خویش را بکار انداخته و به شکلی وحشیانه و گسترده هزاران تن از بهترین انقلابیون کمونیست و مبارز خلق را در ساجا لیا ازم تیغ بگذرانند و با سر به نیستان سازند. آنها از ترس انفجار اعتراض توده ای با تعقیب و بیکرد بی سابقه عمومی، هزاران تن دیگر را دوباره دستگیر و روانه شکنجه گاهای امپریالیستی خود نموده اند.

تمامی حنایات فوق در حالی طرف چند ماه اخیر وقوع بیوسته اند که مزدوران رژیم ردیلانه و در طول سالها همواره کوشیده اند به توده ها اینطور القاء کنند که تمامی "گروهکهای ضد انقلاب" از بین رفته و هیچ مبارزه و چشم اندازی برای تغییر این وضع وحشتناک وجود ندارد. در حالیکه اعمال جنان حنایات وحشیانه از سوی دیگر بیانگ وسعت مقاومت و مبارزه خلق در زنجیری است که بر علیه سلطه امپریالیستها و سگان زنجیریشان بیخاسته اند خود مزدوران برای تحقق مناور ضد خلقی خویش حتی کار را به حائیرانده اند که در سال جاری و پس از قطع جنگ امپریالیستی ایران و عراق و قیحانه اعلام نموده اند که تمامی زندانیان سیاسی را قتل عام خواهند کرد و مسئله ای به اسم زندانیان سیاسی در ایران باقی نخواهند گذارد. ولی با وجود تمامی این ستمگریهای ددمنشانه و سرکوب ددمنشانه، آتش مبارزه حق خواهانه توده ها در تمامی اشکال و حتی مسلحانه در گوشه و کنار مملکت از کردستان گرفته تا بلوچستان و تهران و... زبانه میکشد و اتفاقاً تمامی ددمنشی های یکساله اخیر دولتمردان سرسپرده و حنایتکار جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستشان در سرکوب و قتل عام توده ها، جز حیات فعال جنش انقلابی و آینده روشن آن بر علیه این نظم و حاکمان آن را ترسیم نمیکند.

کارگران و توده های دریندو بیخاسته!

اتصال در شرایطی به استقبال نوروز خویش میرویم

است که حتی سگان زنجیری حاکم نیز باجه یکدیگر را چسبیده و برای جگونگی کنترل وضع انفجاری توده‌ها و تأمین منافع غارتگران اربابان نشان به جان یکدیگر افتاده‌اند. کارگران و خلقهای آگاه و مبارز!

مجموعه تمامی واقعات فوق در شرایط بحرانی کنونی نشان دهنده بی‌ثباتی و عدم چشم‌انداز استراتژیک برای حکومت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است. در عوض به جرات میتوان گفت که جنبش انقلابی هیچگاه چنین زمینه‌ها و چشم‌اندازهای روشنی برای پیشروی به سوی پیروزی در مقابل خویش نداشته است. امپریالیستها و رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی با وجود تمامی تمهیدات سرکوبگرانه ده سال اخیر و بخصوص در سال گذشته، به هیچ رو موفق به سرکوب قطعی مبارزات توده‌ها نگشته‌اند. آینده در دست شماست جنبش انقلابی هر چند بصورت کند و بی‌ثباتی در اعتمالات و اعتراضات پراکنده کارگران و زحمتکشان ما، درخشم فروخته خلقهای در زنجیر ما، در سرودهای پیروزی اعدام شدگان، در آتش‌سوزی‌ها و بشمولگان قهرمان در کردستان و... در اعماق جامعه جریان دارد.

بنا بر این بکوشیم که نوروز به خون نشسته امسال را به نوروزی برای گسترش هر چه وسیعتر مقاومت و اعتراض خویش سر علیه امپریالیستها و سگان زنجیری حاکم تبدیل کنیم! چرا که سرانجام پیروزی‌های در این مبارزه سخت و طولانی متعلق به خلقهاست. این قانون تمامی مبارزات طبقاتی است که در سراسر حوامع طبقاتی جریان دارد.

کارگران و خلقهای تحت‌تأمین نیز سرانجام در مبارزه حاد طبقاتی بردشمنان خویش یعنی امپریالیستها و رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی پیروز خواهند شد و پیروزه امپریالیستها و سگان زنجیریشان را در ایران برای همیشه به خاک خواهند مالید. پس با ایمان به پیروزی محتوم در این راه سرگه، نوروزتان پیروز!

تمام شئون جامعه را آرمان خود قرار داده بود، با وجود آنکه به خاطر سرکوب سیستماتیک و ددمنشانه امپریالیستی، مختنق شده ولی به هیچ رو از حرکت پیونده خویش باز نایستاده است. بزرگترین ادله چنین ادعایی از یک سو صدای مقاومت‌ها و اعتراضاتی است که به اشکال مختلف در گوشه و کنار میهنمان بطور روزمره به چشم میخورد و از سوی دیگر وجود سرکوب غیرقابل تموری است که این رژیم از همان ابتدا تا کنون نسبت به توده‌های مبارز و بی‌خاسته بدان مبادرت ورزیده است. اگر رژیم‌زندانها و شکنجه‌گاهها را انباشته از انقلابیون کمونسست و مبارز خلق کرده، هزاران تن از بهترین فرزندان مردم را تنها بخاطر آرمانهای ملی و ضد امپریالیستی‌شان از دم تیغ گذرانده است، این تصاویر کوچک و محدود از اوضاع بی‌رحم و شکنج توده‌های تحت‌تأمین بش از هر چیز بی‌انگیز این است که خلقهای محروم ما به هیچ رو جمهوری اسلامی فدخلقی را نمیخواهند. زیرا که در تجربه روزمره ده سال زندگی مشقت‌بار خویش به ما هیت وابسته به امپریالیسم و بغایت فدخلقی آن پی برده‌اند. و به همین دلیل است که توده‌های رنج‌دیده و معترض بطور روزمره در همه جا در سطوح و اشکال مختلف با ماشین سرکوب نهادهای ستم امپریالیستی از ارتش و سپاه و کمیته‌های فدخلقی گرفته تا "بنیادهای" و مراکز و مساجد مختلف درگیر مبارزه‌اند. تنفر و انزجار توده‌ای بر علیه جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش به حدی است که حتی خود سرمداران فدخلقی رژیم نیز قادر به کتمان و لاپوشانی آن نیستند. بازتاب همین واقعیت در اعماق جامعه بنوبه خود در میان دولتمردان هار و خونخوار رژیم شکافهای عمیق و تضادهای عدیده‌ای را موجب شده که حتی گاه منجر به تمفیبه فیزیکی دولتمردان فدخلقی و جناحهای متخاصم به توسط یکدیگر شده است. به بیان دیگر اوضاع آنقدر بحرانی

گرامی باد خاطره تمامی شهدای بخون خفته خلق ستمدیده ترکمن که در نوروز خونین سال ۵۸ در جریان جنگ‌گنبد به خاطر دفاع از شوراها و انقلابی و حق حاکمیت خویش توسط ارتش امپریالیستی و سپاه پاسداران مزدور به خاک و خون غلطیدند.

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

پیام فدائی

پیام فدائی



برای تماس با جریکهای فدائی خلق ایران با ناس های زیر مکاتبه کنید

به مناسبت چهارمین سال انتشار پیام فدائی

IM. BOX 5051 LONDON WC1N 1XX ENGLAND

مکان: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، طبقه اول، دفتر انتشارات پیام فدائی

چنگ و نظر

محرران: دکتر علی شریعتی، دکتر سید علی حسینی، دکتر سید محمد باقر صدر، دکتر سید محمد باقر صدر، دکتر سید محمد باقر صدر

از صفحه ۱

طرح ناهماهنگی بود که از طرف لنین در بود که بقول لنین "همه از اهمیت اتحاد پاسخ گویی به یکی از مبرمترین نیازهای و لزوم جمع و متشکل کردن" سخن انقلابی جنبش در روسیه ارائه گرمیدند. پراکندگی افرادی را که این نیاز مبرم پایان دادن به خرده کاری گوئی در ته جاه نشسته اند" و نمی دانند رایج در انقلاب روسیه بود که همچون در روی زمین چه روی می دهد و از که باید مرضی تمامی جنبش سوسیال دموکراسی تعلیم بگیرند و چگونه برای خویش تجربه را فرا گرفته و با ممانعت از تمرکز بدست آورند و چگونه آرزوی خود را برای تمام قوای انقلابیون و اتلاف انرژی آنان یک فعالیت وسیع بر آورده کنند. شدیداً خرابیهای فراوان به انقلاب در حال تحت فشار قرار می داد. (۱) قوای جریان روسیه وارد ساخته و از پیشروی آن جلوگیری می نمود.

فراپست حاکم در روسیه در مقطع مورد بحث چنین بود که بر ساحل وسیع آن ساله مهمی بود که در مقابل انقلاب محفلها، سوسیال دموکراسی بصورت جدا از روسیه در آن مقطع قرار گرفته بود. یکدیگر بوجود آمده و در رابطه با جنبشهای خود بخودی طبقه کارگر که از رشد گسترده قابل توجهی برخوردار بود به فعالیت مشغول بودند این محافل با عناصر پیشرو طبقه کارگر و بخش با توده بزرگی از کارگران ارتباط داشته و عمدتاً به فعالیت اقتصادی می پرداختند. انواع شب نامه ها و نشریات محلی منتشر در حیطه عملکرد این محافل بخش می گردید.

پراکندگی و محدودیت حیطه عمل و مهمتر از همه فعالیت خود بخودی و نه طبق نقشه آگاهانه و معین این محافل که در عین حال اغلب موجب بازماندن دست پلیس در وارد آوردن ضربه به انقلابیون می گشته مانع بزرگی در راه پیشبرد یک جنبش سیاسی همه جانبه در روسیه بود ضعف بزرگی که سوسیال دموکراتها در مجموع به آن اعتراف داشتند و شرایط بگونه ای

قائلند به لنین استفاد می کنند که در مورد ضرورت و نقش بسیار پراهمیت انتشار یک روزنامه برای سراسر روسیه گفته است: "روزنامه نه فقط یک مروج دسته جمعی و مبلغ دسته جمعی است بلکه سازمانده دسته جمعی نیز می باشد." آنها بدون اینکه ترک روشنی از این عبارت داشته باشند و بدانند چرا و چگونه روزنامه در روسیه نقش سازمانده داشته و به چه دلیل و بنا به اقتضای کدام شرایط لنین به ایراد چنان جمع بندی در مورد نقش روزنامه در روسیه پرداخته است. با تکرار این سخن چنین جلوه می دهند که گویا درست همانند لنین که ایسکرا را منتشر می نمود رفتار نموده و با انتشار "ارگان" به همان وظایف انقلابی پاسخ می دهند که لنین با سخگور بود. ولی اگر از آنها پرسیده شود که نقش سازمانده "روزنامه" را در شرایط کنونی ایران توضیح دهید و مصداق عینی آنها ذکر نمائید آنها قادر به پاسخ گوئی نبوده و نمی توانند جز ابطالی که صرفاً ساخته ذهن خود آنهاست ارائه دهند.

چرا "روزنامه" در روسیه نه فقط یک مروج دسته جمعی و مبلغ دسته جمعی بلکه سازمانده دسته جمعی نیز بوده است؟ لنین در جزوه "از چه باید آغاز کرد" (۱۹۰۱) و در اثر جاودانی خویش "چه باید کرد" (۱۹۰۲) به این سوال پاسخ دقیق و روشنی می دهد. اساساً طرح انتشار یک روزنامه برای سراسر روسیه

(۱) لنین "چه باید کرد".

معضلات مطروحه داد و ابورتونسم اتفاقا با طفره رفتن از چنین پاسخگوئسی عقب ماندگی ذاتی خویش را برملا می‌باجت. سوسیال دمکراتها می‌بایست عملا روشن سازند که چگونه و به چه وسیله‌ای می‌توانند محفل‌های پراکنده را در یک کل واحد گرد آورده. ارتباطی منظم فیما بین آنان برقرار ساخت و بر مبنای کار عمومی منظم و مشترک تفکیرات وسیعی را در سراسر روسیه بوجود آورد. آنها می‌بایست پاسخ دهند که چگونه باید جنبه‌های پراکنده محلی را به جنبش متحد سراسری تبدیل نمود و بطور می‌توان با مانع است از ائتلاف انرژی‌های انقلابی در کوره راه‌ها آنها را در جبهتی واحد و در راهی که به سر منزل انقلاب منتهی می‌گردد رهنمون شد.

در چنین اوضاعی و در پاسخ به مسایل مبهم فوق الذکر بود که لنین در حالیکه اجزاء پراکنده جنبش سوسیال دموکراسی را به سنگهای پراکنده و درهم و برهم چیده شده یک عمارت در حال ساختمان تشبیه می‌کند و لزوم ریسمانی عمومی جهت نصب صحیح سنگها و تراسر کردن آنها را یادآوری می‌نماید با این عنوان که ما هم سنگ داریم و هم بنا و چیزی که کسر است همان ریسمانی است که همه بتوانند آنها ببینند و دستا نرا به آن بند کنند. طرح انتشار یک روزنامه را برای سراسر روسیه بهتر می‌کشد و آن را همان ریسمانی تلقی می‌کند که محافل پراکنده سوسیال دموکراسی ضمن کار برای آن (کاری فعال و زنده، از رساندن اخبار مبارزات خود به روزنامه تا همکاری ادبی تا چاپ و توزیع روزنامه و غیره ۰۰۰۰) دست خود را به این ریسمان بند کرده و بیکدیگر وصل می‌گردانند. لنین مطرح می‌کند که تنها وظایف

تکنیکی کار بخودی خود می‌تواند یک رابطه واقعی بین انقلابیون بوجود آورد. دامنه فعالیت تشکیلاتی آنان را گسترش دهد. و موجب وسیعتر و همه جانبه‌تر شدن فعالیت‌های محلی گردد و نشان می‌دهد که چگونه روزنامه در روسیه می‌تواند بمثابة یک "مؤسسه عمومی منظم" عمل نماید و "بیرزمینه کار عمومی منظم" رابطه واقعی بین محافل مختلف سوسیال دموکراسی ایجاد کند. او نشان می‌دهد که چگونه این روزنامه می‌تواند نتایج انواع گوناگون فعالیت را جمع‌بندی نموده و رهنمودهای لازم را جهت پیشبرد هرچه بهتر کار محفل‌ها در اختیار آنان قرار دهد. چگونه به محفل‌های نوپا کمک می‌کند که کار خود را با استفاده از تجارب جمع‌بندی شده محافل پیشین شروع کنند. بواقع محافل مختلف حول روزنامه که دارای خط می‌معبنی است متفکک می‌گردند و روزنامه کمک می‌کند تا خط می‌مزبور با غنا و روشنی بیشتری در بین این محافل مطرح شده و با تقویت نیروی آنان وسیعا در عمل بکار گرفته شود.

لنین روزنامه را در عین حال تربیونی جهت افشای تمام سیستم سرمایه‌داری و رژیم اقتصادی - اجتماعی روسیه و همه اعمال ارتجاعی حکومت تزاری تلقی می‌کند که ضمن بخت ایده‌های انقلابی به تربیت سیاسی طبقه کارگر و جذب همکاران سیاسی از میان دیگر طبقات و اقشار ستم‌دیده خلق می‌پردازد. بالاخره لنین آشکار می‌سازد که حول روزنامه شبکه‌ای از افراد معتمد محلی بوجود می‌آید که استخوان بندی سازمان حزب واحدی را برای سراسر روسیه می‌سازند. تشکیلات سراسری را برای رهبری کل نهضت روسیه.

همانطور که از سطور فوق پیداست آنچه به لنین امکان داد که در مقطع معینی از انقلاب روسیه به صورتی که شرح رفت به معضل بسیار مبهم این انقلاب پاسخ عملی قاطع و روشنی بنده تکیه او بر اصل مارکسیستی تحلیل مشخص از شرایط مشخص وقت و در تحقق اصول عام مارکسیستی در شرایط مشخص جامعه روسیه بود. و درست بر این مبنای بود که لنین با قاطعیت اعلام داشت: "روزنامه نه فقط یک مبلغ ستهجمی و مروج ستهجمی است بلکه سازمانده ستهجمی نیز می‌باشد." حال به جامعه خود بازگردیم و در پیروی از برخورد دیالکتیکی فوق الذکر به کسانی که این سخن لنین را در شرایط جامعه ایران تکرار می‌کنند و چنین جلوه می‌دهند که گویا با انتشار روزنامه به یک لنین عمل می‌کنند و این ترتیب کار را محفل سازماندهی مبارزه طبقاتی و رهبری این مبارزه است. موکدا خاطر نشان سازیم که تعیین نقش و جایگاه روزنامه در ایران قبل از هر چیز با تحلیل مشخص از شرایط مشخص جامعه ما صورت می‌گیرد و نه با استناد به سخنان لنین و ضرورت و اهمیتی که وی به این "ابزار" در روسیه قائل بود.

معیان پیروی از خط لنین که فاقد قدرت برخورد خلق و بویا نسبت به مسایل انقلاب بوده و صرفا به الگوسرداری از انقلاب روسیه می‌پردازند، درک نمی‌کنند که اگر لنین روزنامه را به ریسمانی تشبیه می‌کند که در ساختمان یک بنای عظیم به نصب صحیح سنگها کمک می‌کند اینرا بر زمینه شرایط مادی مشخصی در روسیه می‌گوید. بر زمینه رشد و گسترش جنبشهای خودبخودی کارگران، بر زمینه حسدی از تشکل یافتگی طبقه و ایجاد آرگانهای مبارزاتیش، بر زمینه وجود محافل کارگری و روشنفکری - کارگری و تماس آنان با

توده کارگران و امکان تبلیغ و ترویج در میان آنان. براساس این زمینه که محافل مذکور باید محدود سیاسی اساسا به مبارزه اقتصادی می پرداختند و عدم اربطاتی فعال نهما بین این محافل و عدم انجام کار مشترک عمومی منظم مانع از آن بود که بر مبنای کار همه جانبه سیاسی، جنبش سیاسی همه جانبه ای پا گرفته و پیش رود. در روسیه مجموعه واقعیت های نسوق وضعیت را باعث شده بود که رشد و گسترش انقلاب را در گرو گرد آوردن تمام محافل سوسیال دمکراسی در یک کل واحد و پایان دادن به خرد کاری در گرو پیشبرد کار انقلابی منطبق بر نقشه ای معین جهت رهبری تمام اشکال مبارزه قرار می داد. براساس چنین زمینه مادی بود که لنین می گفت: "ما هم سنگ داریم و هم بنا و چیزی که کم است همان ریسمانی است که همه بتوانند آنها ببینند و دستشان را به آن بند کنند." (۱)

آیا مدعیان پیروی از لنین می توانند ضرورت "ریسمان" را با تخریب زمینه مادی آن در ایران نشان دهند؟ آیا آنها مدعی اند که در مقابل کمونیستهای انقلابی در ایران عینا انجام همان وظایفی قرار دارد که در روسیه قرار داشت و رشد و گسترش انقلاب در ایران منوط به حل همان مسائلی است که در آنجا مطرح بود؟! این واقعیتی است که تحلیل مشخص از شرایط جامعه تحت سلطه ایران پس از سیستم سرمایه داری وابسته حاکم بر آن تفاوت فاحشی را با شرایط جامعه روسیه در مقطع مورد بحث نشان می دهد. حتی نگاهی سطحی به واقعیت محدود و پراکنده

جنبشهای خود بخودی طبقه کارگر در ایران، فقدان محافل کارگری یا روشنفکری - کارگری وسیع تر بین کارگران و عدم امکان کار تبلیغی و ترویجی در میان طبقه حتی برای خود کارگران آگسازه گویای وجود وضعیت و شرایط خاصی در جامعه ماست که از نیکتاتوری امپریالیستی حاصل حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته در ایران ناشی شده است. ما بدون اینکه بخواهیم در اینجا به تشریح این شرایط و تفاوت های اساسی آن با شرایط جامعه روسیه بپردازیم، باید روی این واقعیت تأکید کنیم که بنابه ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه ما، انقلاب ایران در هر پیشروی خویش، حل مسایل کاملا متفاوتی را پیش پای نیروهای انقلابی قرار می دهند و انقلابیون جهت پاسخ به این مسایل و اساسا متناسب با شرایط جامعه جهت پاسخگویی به مساله مهم چگونگی بسر بردن آگاهی انقلابی به میان توده ها و در رأس آنها طبقه کارگر و بسیج و سازماندهی آنان و هدایت انرژی انقلابیشان در مسیر کسب قدرت سیاسی نیازمند ابزار و وسایل و سازمانهایی می باشند که انقلاب روسیه در اساس آنها را نمی طلبیده تشخیص و تعیین این ابزار و اشکال سازمانی بر مبنای شناخت از مسایلی که پیشروی انقلاب ایران منوط به حل آنهاست اولین گام در جهت دادن پاسخهای عملی روشن به معضلات انقلاب ایران بوده و بر این اساس خط مرز معینی بین انقلابیون کمونیست و اهورتونیستها ترسیم می شود.

بطور خلاصه و منحصا باید گفت با توجه به شرایطی که بر جامعه ما حاکم است، انقلاب ایران نه همچون انقلاب روسیه براساس توسل به اشکال مختلف مبارزه سیاسی و افکارگریهای همه جانبه سیاسی بلکه اساسا با توسل به عالیترین نمود

شکل مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه می تواند پیش رفته و به پیروزی محتوم دست یابد و این همان موضوع واقعی و عملی است که نیروهای فرصت طلب در ایران هرگز قادر نبوده اند بطور جدی وارد بحث آن شوند تا دریابند "چرا کار آرام سیاسی" در ایران حتی در شرایطی که توده ها فعالانه در صحنه مبارزه حضور داشته و آماده همه نوع فداکاری بودند، هیچوقت قادر به رهبری و پیشبرد مبارزات آنان در مسیر پیروزی نبوده است و چرا کار سیاسی - نظامی جریکهای فدائی خلق در يك مدت کوتاه توانست چنان تاثیرات شگرفی بر روی طبقه کارگر و دیگر توده های تحت ستم خلق بجسای گذارد که "انبوه کهنسال ترس و خفت" را در ذهن آنان در هم شکسته و اعتقاد تسلیم طلبانه رایج در میان مردم مبنی بر "با این قدرت کاری نمی توان کرد" را به شور و امیدی جدید برای مبارزه و وقوف به قدرت انقلابی خویش تبدیل سازد، تا آنجا که همگان دیدند که چگونه انبوه کارگران و توده های به پا خاسته خلق در جریان قیام دلاورانه بهمن ۵۷ شمسار "ایران را سراسر سياهکل می کنیم" و "تنها ره رهایی ره سرخ فدائی" سر دادند.

محدودیت افق دید این نیروها به آنها اجازه نمی دهد تا با تکیه بر فاکتورهای عینی غیر قابل انکار در دو شرایط متفاوت ایران و روسیه با تکیه بر فاکتورهای اساسی که اشکال مبارزه سازمان در هر شرایطی با توجه بدانها تعیین می شود دریابند که اهمیت و اعتبار "روزنامه" در روسیه در چه بود و چرا در اینجا نمی تواند عینا همان نقشی را ایفا کند که در روسیه ایفا

به آنها شناخت واقعی نداشته باشند. هرچه فعالیت‌های روشنگرانه جهت ارتقا آگاهی بیشتر بتوانند آگاهی خود را نسبت به تجارب انقلابات مختلف و شیوه‌های مبارزه و اشکال سازمانی بکار رفته در این انقلابات افزونتر ساخته و آنرا ارتقاء دهند بهمان درجه موفقیت آنان در پیشبرد امر انقلاب و به ثمر رساندن آن بیشتر خواهد بود.

درست است که آگاهی اساسا زائیده به براتیک می‌باشد و این نیز حقیقتی است که توده‌ها در تجربه زندگی خود به کسب آگاهی در مورد بسیاری از امور نایل می‌آیند ولی این دیدی انحرافی و سیاسی بلکه افشاگرهای همه جانبه در غلتیدن به امپریسم خواهد بود راهگاه اهمیت عظیم کار روشنگری جهت آگاهی دادن به توده‌ها و ~~توسعه~~ متن خود جملات نشان میدهد بهیچوجه ~~توسعه~~ از نظر دور گردد. بواقع اگر عمیقا دقت شود معلوم میشود که روشنگری بد ندارد. تئوری مبارزه مسلحانه و توده‌ها کاری نیست جز عمل انتقال جریکهای فدائی خلق بمفهوم معتقدین به تجارب و حاصل براتیک یا براتیک‌های مبارزاتی بصورت جمع بندی شده به توده‌ها و انگیز توده‌ها همیشه و در همه موارد قادر به کسب آگاهی انقلابی نمی‌باشند. سیاسی را عملی غیر لازم و یادارای ارزش همچنانکه طبقه کارگر در طی جنبش‌های خودبخودی خویش حتی اگر این جنبش‌ها بطور مدام و در طول سال‌ها نیز جریان داشته باشد مرکز بخودی خود نمیتواند به کسب آگاهی سوسیالیستی دست یابد و بردن آگاهی سوسیالیستی بمیان کارگران وظیفه‌ای است که مشخصا و با برجستگی هرچه تمامتر بر دوش پیمانهنگ کمونیست قرار دارد.

چنین است که دست زدن به افشاگرهای همه جانبه سیاسی، کار تبلیغی و ترویجی در میان توده‌ها و انجام همه موضوع

اگر به کنه بحث فوق توجه شود معلوم می‌گردد که در اینجا موضوع نقضی متفاوت "روزنامه" در دو شرایط اساسا متفاوت مطرح است. ولی طرح بحث بدین صورت با همه صراحت خوبیش مانع از آن نشده است که نیروهای فرصت طلب مدافع کار آرام سیاسی در نقد نظرات ما اینطور جلو دهند که گویا ما هیچ نقض مبارزاتی به روزنامه در شرایط جامعه ایران قائل نیستیم و گویا در تئوری ما اساسا کار نظامی در نقطه مقابل کار سیاسی قرار داشته و نافی آن می‌باشد و گویا ما معتقدیم که اهداف انقلاب ایران را با صرف انجام فعالیت‌های نظامی می‌توان متحقق ساخت. در اینجا است که باید ضمن تکذیب این ادعاهای واهی ~~توسعه~~ که ما برای ~~توسعه~~ فدائی" قائلیم و از ترک خود ~~توسعه~~ ضرورت و اهمیت انتشار "روزنامه" بطور کلی در ایران سخن بگوئیم.

بگذارید موضوع را از اساس مورد توجه قرار دهیم: انقلاب کار توده‌هاست. این حقیقتی است انکارناپذیر و بسی بلافاصله باید اضافه نمود که انقلاب کار توده‌هایی است که آگاهی انقلابی آنان را فرا گرفته است. هرچقدر درجه آگاهی انقلابی توده‌ها بیشتر باشد هرچه شناخت آنان از دشمن و از ممالک بسیاری که در حقتان روا میشود صحیح‌تر و واقعی‌تر باشد هرچه آنان بیشتر و بطور همه جانبه‌تر به برنامه‌ها و عملکردهای ضد انقلاب، به قانونمندیهای انقلاب و بطور کلی به همه واقعیت‌های حال و گذشته و چشم اندازهای آینده آگاه بوده و نسبت

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها

وقوف کامل بر ضرورت و اهمیت نفوذ
 ایده‌های انقلابی بر توده‌ها ایده‌هایی
 که بر زمینه شرایط مادی زندگی آنان به
 نیروی مادی عظیم در جهت دگرگون‌سازی
 جامعه تبدیل می‌گردد. وظیفه بردن آگاهی
 انقلابی بمیان توده‌ها و نقب‌زنی به
 قدرت تاریخی آنان را رسالتی میدانند که
 تاریخ برعهده پيشاهنگ انقلابی قرار
 داده است و سپس این تئوری با اشاره به
 "نقش روزافزون عامل آگاه ضدانقلاب" با
 خاطر نشان ساختن "هشیاری روزافزون
 ارتجاع" و تکیه هرچه بیشتر اوبه "نیروی
 سرکوب‌کننده بعنوان عمده‌ترین حافظ
 بقای سلطه ارتجاع" با یا ناوری حقیقت
 گذار انقلاب از غرب به شرق" با واقع‌بینی
 کامل مطرح می‌کند که پیشتر اولان آگاه در
 انجام "رسالت" خویش در اجرای عمل
 نقب‌زنی هر روز با شرایط پیچیده‌تر
 و دشوارتری مواجه می‌گردند. واضحست که
 دشواری و پیچیدگی شرایط نه فقط
 از رسالت پيشاهنگی نمیکاهد و در نتیجه
 خللی در انجام فعالیت‌های آگاه‌گرانه،
 کار تبلیغی و ترویجی او ایجاد نکرده و
 بار چنین وظایفی را از نو بر نمیدارد
 بلکه برعکس ضرورت پیشبرد آن رسالت و
 درجه اهمیت و اعتبار انجام چنین
 وظایفی را با برجستگی هرچه بیشتری
 مطرح مینماید. دشواری و پیچیدگی
 شرایط آشکار می‌سازد که اگر پيشاهنگ در
 گذشته با توسل به شکل و اشکالی از
 عمل موفق به بردن آگاهی انقلابی بمیان
 توده‌ها و سازماندهی انرژی انقلابی آنان
 میگفت امروز دیگر صرف توسل به آن
 اشکال بمنظور فوق کافی نیست و برچین
 اساسی است که مثلا در چین یا ویتنام
 ارتش سرخی لازم می‌آید که به کار تبلیغ
 و ترویج در میان توده‌ها در حین توسل
 به عمل مسلحانه طولانی و پیشبرد جنگی
 انقلابی می‌پردازد و چنین است که در
 تئوری مبارزه مسلحانه بر "نقش آگاهانه و
 عمل فعال پیشرو انقلابی" تاکید می‌گردد و
 عنوان میشود که ضرورت این نقش نسبت به
 قبل نه کمتر بلکه بیشتر شده است. در
 اینجا در شرایط اختناق و سلطه دیکتاتوری
 لجام گسیخته امپریالیستی در شرایط
 تکیه عمده ارتجاع به زور سرنیزه و فقدان
 هیچگونه امکانات علنی مبارزه در شرایطی
 که مبارزه کارگران حتی برای درخواستهای
 ضعیف بجا و خون‌کفیده میشود زندان و
 شکنجه و اعدام نیروهای مبارز و انقلابی
 در نزد حکومت به امری عادی و روزمره
 درآمده است و خلاصه در شرایطی که دشمن
 به قدرت سرکوب‌دهنده منبثانه مبارزات توده‌ها
 همراه با تبلیغات ضدانقلابی همواره
 کوشیده است ضمن قدرت نشان دادن خود
 فضای رعب و وحشت دائمی در بین توده‌ها
 بوجود آورد و پیشرو انقلابی
 اساسا باید با استزادن به عمل نظامی، با
 جاری ساختن جریان مبارزه مسلحانه در
 جامعه، آگاهی انقلابی را بمیان
 توده‌ها برده آنان را به قدرت لایزال
 خود واقف و به بیروزی محتوم مبارزاتشان
 در اینجا درحالی که عمل
 مسلحانه خود دارای نقش تبلیغی است و
 با برجستگی هرچه بیشتر پیشرو
 با نشان دادن قدرت انقلابی از خود که
 قدرت سرکوب‌کننده دشمن را به صاف‌البیده و
 توده‌ها را بتدریج به سوی آن میکشاند
 اینحال این واقعیت نه فقط هرگز پیشرو
 انقلابی را از تبلیغات مجزای سیاسی
 بی نیاز نمیکند نه فقط هرگز باعث
 کمزور کردن اهمیت کار سیاسی و آگاه‌گرانه
 پیشرو انقلابی در میان توده‌ها
 نمیکردد بلکه انجام هدایت و نظارت

را با جدیت هرچه بیشتری برای وی
 مطرح می‌سازد. برایین مبنا چریک‌های
 فدائی خلق برخلاف آنچه کوتاه‌اندیشان
 مزورانه سعی کرده‌اند به آنها نسبت
 دهند نه به ارتقاء آگاهی انقلابی توده‌ها
 و تربیت سیاسی آنان بی‌توجهی کرده و
 خواهان انقلاب بجای توده‌ها بوده‌اند و نه
 هرگز "ترور" را بجای افشاگری‌های
 سیاسی نشانده و از ارزش و اهمیت وافر
 این افشاگریها غافل مانده‌اند. برعکس
 آنها با طرح این شعار متهورانه که:
 "اگر خونبهای ما آگاهی انقلابی خلق
 است بگذار از خون ما رودخانه‌ای جاری
 شود" نشان داده‌اند که پرداختن به همه
 نوع فعالیت‌های آگاه‌گرانه را لازم و ضروری
 دانسته و در این راه با پاکبختگی تمام
 حتی از فدای جان خویش نیز دریغ نمیکند.
 چنین است که تئوری مبارزه مسلحانه
 با انعان بر ضرورت افشاگری‌های سیاسی و
 لزوم کار تبلیغی و ترویجی در میان
 توده‌ها آنها وظیفه‌ای برعهده پيشاهنگان
 انقلابی میدانند که در همه حال و تحت هر
 شرایطی باید صورت پذیرد. براین
 مبناست که میتوان نقش و جایگاه
 "روزنامه" را از دیدگاه این تئوری
 در شرایط جامعه ایران دریاقت و آنرا
 معین و مشخص نمود.

* اشاره‌ای است به یکی از آنها مسات
 اپورتونیستی بر علیه تئوری مبارزه مسلحانه
 باید متذکر شویم که با توجه به تشابه‌های
 با تکتیک‌های مبارزه مسلحانه چریک‌های فدائی
 با اعمال تروریستی که در دوره‌ای از انقلاب
 آنجا رواج داشت، اپورتونیستها کوشیده‌اند
 بطور نجویده از مطالبی که لنین در "ترور" و
 "تروریسم" گفته است ضمن تخریب تئوری
 مبارزه مسلحانه بر علیه آن استفاده نمایند.

خود را در خدمت غنا بخشیدن به تئوری
اگر در شرایط جامعه ایران ایمن
مبارزه مسلحانه به مثابه شکل اصلی
مبارزه است که قادر به بسیج سازماندهی
توده‌ها و بکارگیری انرژی انقلابی آنان
در مسیر سرنگونی امپریالیسم و سگهای
زنجیرش و دستیابی به پیروزی میباشد
روزنامه قبل از هر چیز در خدمت توضیح و
تشریح اهداف این مبارزه قرار دارد
انقلابیون از طریق روزنامه میکوشند بنا
توضیح ضرورت مبارزه مسلحانه به دفاع
تئوریک از حقانیت این مبارزه برخیزند و
با کشیدن خط و مرزی روشن بین ایده‌های
تابناک کمونیستی و ایده‌های انحرافی
اپورتونیسم و فرصت طلبانی را که به
صور مختلف در راه پیشبرد خط مشی
پرولتری انقلاب سنگ اندازی میکنند به
لحاظ نظری افشا ساخته و در جریان
مبارزه ایدئولوژیک با آنها بوی اعتباری
و عدم حقانیت تئوریهای خود ساختنشان
را نشان دهند. با تبلیغ اخبار مبارزاتی
توده‌ها و اخبار فعالیت‌های مختلف انقلابی
در روزنامه منعکس میگردد و ایمن
روزنامه میکوشد با قراردادن جمعیت‌سندی
تجارب این مبارزات در اختیار توده‌های
مبارز و فعالین انقلابی آنها را در کار
مبارزاتی خود راهنمایی کرده و به
ارتقا سطح این مبارزات کمک نماید
روزنامه به همه فعالیت‌های مبارزاتی در
جهت تقویت مبارزه مسلحانه سمت و سو
می‌دهد و با جمعیت‌سندی دائمی از همه
فعالیت‌های مبارزاتی جاری در جامعه و در
راس آنها پراتیک مبارزه مسلحانه ضمن
قرار دادن رهنمودهای مشخص مبارزاتی در
هر موقعیت مقتضی در اختیار انقلابیون

مبارزه مسلحانه به مثابه شکل اصلی
مبارزه است که قادر به بسیج سازماندهی
توده‌ها و بکارگیری انرژی انقلابی آنان
در مسیر سرنگونی امپریالیسم و سگهای
زنجیرش و دستیابی به پیروزی میباشد
روزنامه قبل از هر چیز در خدمت توضیح و
تشریح اهداف این مبارزه قرار دارد
انقلابیون از طریق روزنامه میکوشند بنا
توضیح ضرورت مبارزه مسلحانه به دفاع
تئوریک از حقانیت این مبارزه برخیزند و
با کشیدن خط و مرزی روشن بین ایده‌های
تابناک کمونیستی و ایده‌های انحرافی
اپورتونیسم و فرصت طلبانی را که به
صور مختلف در راه پیشبرد خط مشی
پرولتری انقلاب سنگ اندازی میکنند به
لحاظ نظری افشا ساخته و در جریان
مبارزه ایدئولوژیک با آنها بوی اعتباری
و عدم حقانیت تئوریهای خود ساختنشان
را نشان دهند. با تبلیغ اخبار مبارزاتی
توده‌ها و اخبار فعالیت‌های مختلف انقلابی
در روزنامه منعکس میگردد و ایمن
روزنامه میکوشد با قراردادن جمعیت‌سندی
تجارب این مبارزات در اختیار توده‌های
مبارز و فعالین انقلابی آنها را در کار
مبارزاتی خود راهنمایی کرده و به
ارتقا سطح این مبارزات کمک نماید
روزنامه به همه فعالیت‌های مبارزاتی در
جهت تقویت مبارزه مسلحانه سمت و سو
می‌دهد و با جمعیت‌سندی دائمی از همه
فعالیت‌های مبارزاتی جاری در جامعه و در
راس آنها پراتیک مبارزه مسلحانه ضمن
قرار دادن رهنمودهای مشخص مبارزاتی در
هر موقعیت مقتضی در اختیار انقلابیون

خود را در خدمت غنا بخشیدن به تئوری
اگر در شرایط جامعه ایران ایمن
مبارزه مسلحانه به مثابه شکل اصلی
مبارزه است که قادر به بسیج سازماندهی
توده‌ها و بکارگیری انرژی انقلابی آنان
در مسیر سرنگونی امپریالیسم و سگهای
زنجیرش و دستیابی به پیروزی میباشد
روزنامه قبل از هر چیز در خدمت توضیح و
تشریح اهداف این مبارزه قرار دارد
انقلابیون از طریق روزنامه میکوشند بنا
توضیح ضرورت مبارزه مسلحانه به دفاع
تئوریک از حقانیت این مبارزه برخیزند و
با کشیدن خط و مرزی روشن بین ایده‌های
تابناک کمونیستی و ایده‌های انحرافی
اپورتونیسم و فرصت طلبانی را که به
صور مختلف در راه پیشبرد خط مشی
پرولتری انقلاب سنگ اندازی میکنند به
لحاظ نظری افشا ساخته و در جریان
مبارزه ایدئولوژیک با آنها بوی اعتباری
و عدم حقانیت تئوریهای خود ساختنشان
را نشان دهند. با تبلیغ اخبار مبارزاتی
توده‌ها و اخبار فعالیت‌های مختلف انقلابی
در روزنامه منعکس میگردد و ایمن
روزنامه میکوشد با قراردادن جمعیت‌سندی
تجارب این مبارزات در اختیار توده‌های
مبارز و فعالین انقلابی آنها را در کار
مبارزاتی خود راهنمایی کرده و به
ارتقا سطح این مبارزات کمک نماید
روزنامه به همه فعالیت‌های مبارزاتی در
جهت تقویت مبارزه مسلحانه سمت و سو
می‌دهد و با جمعیت‌سندی دائمی از همه
فعالیت‌های مبارزاتی جاری در جامعه و در
راس آنها پراتیک مبارزه مسلحانه ضمن
قرار دادن رهنمودهای مشخص مبارزاتی در
هر موقعیت مقتضی در اختیار انقلابیون

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

دفاع نظری از این تئوری بمنزله دفاع از مارکسیسم-لنینیسم زنده و پویا و دفاع از زراخانه پرولتاریا خواهد بود. هم از اینرو صرف انرژی هرچه بیشتر در این جهت و پیگیری آن انجام قاطعانه این امر از اهمیت بسزائی برخوردار بوده و ارج و ارزش مبارزاتی خاصی را داراست امری که در دستور کار "پیام فدائی" قرار دارد.

البته واضح است که امر دفاع نظری از تئوری مبارزه مسلحانه صرفا بسبب مبارزه ایدئولوژیک با جریسات عملیات فرصت طلب محدود نمی شود کوشش "پیام فدائی" در فضای چهره امپریالیسم و عملکردهای ارتجاعی آن در افضای سیاستهای ضد خلقی جمهوری اسلامی در توضیح مسایل مختلفی که توده های تحت ستم ما با آن دست به گریبانند، در برخورد به مسایل سیاسی روز و غیره همه در خدمت این امر قرار دارد. پیام فدائی خواهد کوشید در این راه و در انجام همه وظایف مبارزاتی با جدیت هرچه بیشتری گام بردارد و خواهد کوشید با تقویت نقطه قوتهای خویش و مرتفع ساختن ضعفهایش کیفیت کار خود را بهبود بخشد و آنرا ارتقا دهد. مسلما برای این منظور ما به کمک رفقای هموار سازمان متکی هستیم چرا که بسندون برخورد فعال و نقادانه این رفقا و همه خوانندگان "پیام فدائی" پیشبرد موفقیت آمیز این نثریه ممکن نیست. با ایمان به پیروزی راهمان.



نیگری نمی توان و نباید انجام مبارزه ایدئولوژیک با نیروهای غیرپرولتاری و افشای تفکرات و اعمال غیرانقلابی آنان و نشان دادن کذب ادعاهایشان را بسبب تعویق انداختن و مثلا آنرا منوط به رشد و گسترش پراتیک معینی نمود. حتی امروز علی رغم محدودیت دامنه قدرت این نیروها در بخش ایده ها و نظرات خویش در بیرون توده ها و بخصوص در میان کارگران و زحمتکشان جامعه و علی رغم اینکه در سنجش میزان اثر بخشی ایده ها و نظرات گوناگون در جامعه وسعت بخش آن ایده ها و نظرات در میان توده ها از اهمیت زیادی برخوردار است. باز این واقعیت است بهیچوجه نمی تواند موجب کم رنگ شدن اهمیت مبارزه ایدئولوژیک در نزد کمونیستها و بی توجهی نسبت به انجام آن گردد.

وظیفه کمونیستی ایجاب میکند که در همه حال در راه پیشبرد مبارزه طبقاتی پرولتاریا به افشای نظرات گوناگون انقلابی برداخت و تبلیغ و ترویج کمونیستی را بمناب و وظیفه دائمی و همیشگی خود محسوب نمود.

امروز در شرایط تشدید کارزار ضد مارکسیستی انواع فرصت طلبان برعلیه تئوری طفرنمون پرولتاریا یعنی تئوری مبارزه مسلحانه در حالیکه باید بسبب برداشتن گامهای عملی در جهت تحقق این تئوری و گسترش پراتیک انقلابی به مقابله با فرصت طلبان برخاست ولی در هر حال باید دانست که در مقابل کوشش نیروهای فرصت طلب جهت تخداه تئوری مبارزه مسلحانه بمنظور خلق سلاح طبقه کارگره

کمونیستی با عده به مقابله با نظرات نیروهای فرصت طلب برخیزد و با تکیه بر اصول مارکسیسم-لنینیسم و تئوری پرولتاری انقلاب ایران و بر مبنای واقعیت های مادی و عینی موجود به پالایش ایده های انقلابی کمونیستی از ایده های که پوشش کمونیستی به خود گرفته اند بپردازد. در عین حال پیام فدائی کاملا به این حقیقت آگاه است که صرف مبارزه ایدئولوژیک جهت تضعیف نیروهای غیر-پرولتاری و طرد اپورتونیسم از جنبش کمونیستی به هیچ وجه کافی نیست و بسبب این اصل که اساسا رشد و گسترش جنبش انقلابی در گرو تحقق ایده های کمونیستی در عمل و منوط به جریان پراتیک انقلابی وسیع می باشد و قوف کامل دارد. ولی این حقایق و اعتقاد به چنین اصول تردیدناپذیری که گاه بعضی فرصت طلبان با استناد به آنها می کوشند کمبود انرژی خود را در تداوم مبارزه جدی توجیه نموده بهیچوجه نافی ضرورت و اهمیت وافر انجام یکی از مهمترین وظایف کمونیستی یعنی مبارزه ایدئولوژیک در همه حال و در هر شرایطی با نیروهای غیرپرولتاری و بخصوص اپورتونیست های درون جنبش کمونیستی نمی باشد.

اگر این حقیقتی است که اصلی ترین تیشه به ریشه اپورتونیسم هنگامی وارد می آید که فعالیت های عملی کمونیستی در سطح وسیع در جامعه جریان داشته و کمونیست ها فعالانه در پراتیک مبارزاتی شرکت داشته باشند. ولی در این نیز شکی نیست که نه امروز و نه در هیچ شرایط

زنده باد خلق رزمنده گرد که برای آزادی می جنگد

تشدید تضادهای درونی رژیم و عزل منتظری

عزل منتظری و یابختاریت دیگر قبول باصطلاح استعفای او از مقام ولیعهدی رژیم جمهوری اسلامی از سوی خمینی یکی از بارزترین بازتابهای اوجگیری تضادهای جناحهای درونی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی طی ماههای اخیر میباشد. در جریان حاکمیت سیاه یک دهه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ما شاهد عزل و نصبها و درگیریهای خونینی در درون صفوف هیئت حاکمه جمهوری اسلامی بوده ایم که نمونه های بازرگان، قطب زاده، یزدی و بنی صدر در گذشته و تصفیه هائی در پوشش استعفا از ریحانی، محلاتی و بالاخره "امید" امام است و "حاصل عمر" او یعنی منتظری جنایتکار طی ماه اخیر از آن جمله بوده اند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی طی گذران عمر سنگین خویش همواره اراکه کشمکشها و تضادهای درونیش را دنبال خویش کشیده است. گرچه این رژیم ضد خلقی همواره سعی نموده تا دلائل واقعی تضادهای درونی خویش را از انتظار عمومی پنهان داشته و آنها را با تمسک به اراجیف و پوششهای گوناگونی لاپوشانی نماید، اما شدت گیری این تضادها همراه با افشاگریهای جناحهای درونی رژیم بر علیه یکدیگر بخشی از واقعیات موجود این تضادها را بعینه آشکار نموده است. خمینی مزدور طی پاسخ خویش به نامه استعفاگونه منتظری یکبار دیگر دلیل تصفیه بزرگ درونی رژیم یعنی عزل منتظری را "حفظ مصالح نظام" بعنوان بالاترین چیزی که میباشد از سوی تمامی سگان زنجیری مدنظر قرار گیرد، عنوان نمود. دلیلی که دیگر مزدوران و جناحهای هیئت حاکمه نیز در شرایط اوجگیری تضادها روی آن تکیه نموده و خبازات ناشی از رشد تضادهای فیما بین خویش را بعنوان زنگ خطر برای رقبا و همپالکیهایشان تحت پوششهای مختلفی به صدا در میآوردند و آنها را به یکدیگر گوشزد مینمودند.

اما بیان خمینی اینبار واضح تر و آشکارتر از پیش بود او که بمشابه سردسته سگان زنجیری حاکم بخوشی نسبت به ابعاد وخامت بار گسترش رقابتهای درونی هیئت حاکمه و نتایج شوم آن برای دولتمردان جمهوری اسلامی و مناسباتی که حافظ آن میباشند، واقف و آگاه میباشند. لازم دیده بود سخنان خود را هرچه صریحتر بیان نماید.

هئدار در مورد سرانجام شوم حاکمین جمهوری اسلامی که چیزی جز سرنگونی و نابودی آنان و مناسبات حاکم نمیباشد گاها از سوی مهره های گوناگون رژیم نیز مطرح گشته و آنان بدین نحو میکوشند از تشدید تضادهای فیما بین خود جلوگیری نمایند؛ اما علیرغم این هئدارها بررسی پرونده تضادهای درونی جمهوری اسلامی نشان دهنده تصفیه ها و عزل و نصبها اعداها و پرتاب کردن رقبا از گردونه حکومتی و استعفا های منتظری گونه بوده و می باشد و اینگونه نصیحتها و هئدارهای سگان زنجیری به یکدیگر اثری نداشته و ندارد.

شدت تضادها و درگیریهای جناحهای هیئت حاکمه جمهوری اسلامی با بحران دائم التزاید مناسبات سرمایه داری وابسته حاکم کسه این مهره گان حثیربارگاه امپریالیسم سک نگرسان آن میباشند، دارای ارتباط ناگسستنی است. گسترش بحران در درون مناسبات سرمایه داری وابسته حاکم برجامعه مئابه جزئی ارگانیک از کلیت مناسبات امپریالیستی جهانی، خود منتج از بحران شدیدی است که سالها مناسبات جهانسی امپریالیستی را فرا گرفته است. سرشکن نمودن بار این بحران از سوی کشورهای مترویل برگرده جوامع تحت سلطه شان همگون ایران شرایط بس وخامت باری را در شئون مختلف اقتصادی و اجتماعی بوجود آورده است که زمینه آن خود اوجگیری مبارزات رهاشبخش خلقها است. اوضاع وخامت بار اقتصادی و اختلالات شدید در مناسبات حاکم در ایران که خود را در رشد تورم، گرانی، بیکاری و فقر و سکنت میلیونها کارگر و زحمتکش آشکار میسازد، ورشکستگی اقتصادی و ازکار افتادن بیش از پیش چرخ های صنایع وابسته از سویی و برچینن زمینه مادی اوجگیری اعتراضات توده ای طی سالهای گذشته و تداوم جنگ انقلابی بر علیه حاکمین وقت و بالاخره ناتوانی دولتمردان ضد خلقی جمهوری اسلامی در به تسلیم و آداشتن توده ها و درهم شکستن روحیه انقلابی و مبارزه جوبانه آنها از سوی دیگر، مجموعا شرایطی را بوجود آورده اند که طی آن بحران شدیدی صفوف حاکمین جمهوری اسلامی را فرا گرفته و شکافهای موجود فیما بین جناحان متخاصم درون حاکمیت هر روز ژرفتر از گذشته میگردد. بزیرترین واقعیاتی است که زد و بندها و بگیر و ببندها و تصفیه ها و خونریزی دولتمردان جمهوری اسلامی در درون کشتی درهم شکسته هیات حاکمه هر دم افزونتر گشته و آنان را در دریای طوفانی و بحران زده نظام سرمایه داری وابسته در شرایط بیخیم تری قرار داده است. عزل منتظری این بقیه عالیقدر بارگاه خمینی تا این تاریخ آخرین بازتاب و یکسری از بزرگترین نموده های اوجگیری دعواهای سگان هاری است که برای بقای خویش و مناسبات سرمایه داری وابسته حتی از دریدن یکدیگر نیز اباشی ندارند. با اینکه با اصطلاح استعفای منتظری از مقام ولیعهدی خمینی جنایتکار از مدتها پیش وبخصوص از مفتح اعدام داماد او یعنی مهدی هاشمی، انتظارش میرفت و همچنین یک دوره غیبت او در فعدسل و انفعالات مربوط به تحولات سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی بر این فکر دامن میزد، با این وجود اقدام اخیر منتظری و جوابیه خمینی به او بیانگر و بازتاب تشدید دور تسازه تضادهای درونی و نبرد قدرت در بین سران حاکم برای بدست گیری اهرمهای حکومتی و تثبیت آلترناتیوهای برنامه های خویش جهت راهبری نظام سرمایه داری وابسته و تخفیف و مهار بحران دائم التزاید آن و سرگویی مبارزات ضد امپریالیستی در جامعه می باشد. بیوژه اینکه با اصطلاح کناره گیری منتظری ابله درست چند روز پس از تحولاتی نظیر پیغام نوروزی خمینی جنایتکار که در آن برخی از جریانات درون حکومت مورد انتقاد قرار گرفته بودند، استعفا از ریحانی معاون وزارت خارجه در بخش اروپا، استعفا محلاتی نماینده

واقعیست درگیریهای خونی طرفداران منتظری که بلافاصله پس از چند روز از عزل و برکناری وی در شهر نجف آباد روی داد و در جریان مقابله نیروهای بسیج شده جناحهای متخاصم بسیاری کشته، زخمی و دستگیر شدند. بیان آشکار حکم فوق و نشان دهنده آنست که عزل منتظری و برکناری وی به معنای بسته شدن پرونده تضادهای جناحهای درونی هیأت حاکمه جمهوری اسلامی نمیباشد. و این وقایع بوضوح نشان میدهد که جناحهای متخاصم جمهوری اسلامی به این راحتی از رقابت با یکدیگر و زد و بند برعلیه طسرف مقابل دست برنداشته و تا آنجائی که توان نیرویشان برای به کرسی نشاندن مقاصد و برنامههای خود و عملی ساختن نسخه‌های نه‌زعم خویش درمان گننده بیماری بحران نظام سرمایه‌داری وابسته، اجازه دهد به مبارزه برعلیه رقبایشان تداوم خواهند داد. در این پروسه‌ها منظور که نشان داده شده از دست‌یازیدن به خونریزی و حذف یکدیگر بطریق گوناگون چه به شکل وادار کردن طرف مقابل به بیان توبه‌نامه و یا بسته ماندن مهدی هاشمی و یا مدل دکترا سامی از حذف فیزیکی یکدیگر نیز اما نسی نداشته و ندارند. کسب شناخت نسبت به تضاد و اختلافات بین دولتمردان جمهوری اسلامی و اهدافی که آنان در این مسیر تعقیب می‌کنند از سوی توده‌های تحت تسلط ماباعت می‌گردد تا آنان در مبارزاتشان برعلیه شما میت این رژیم ضد خلقی مرزبندی قاطع و دقیقی کشیده و به هیچ رو نگذارند تا جناحهای متخاصم جمهوری اسلامی برای حذف رقبایشان از موج ناراضی و اعتراضات توده‌ها سود استفاده نموده و با فرصت طلبی آنها در جهت منافع خویش سمت سو دهند و یا از آن بعنوان اهرم فشاری بفع خویش در دعواهای درونیشان برعلیه یکدیگر سود جویند.

حدا از حار و جناحهای دروغین و هیاهوهای بلندگوهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی که سعی در درگونگی جلوه دادن ریشه اصلی تضامات درونی رژیم را دارند و جدا از تبلیغات پراز مکر و حیل رسانه‌های گروهی امپریالیستی که با نمایش تصویر غیر واقعی از منتظری و اعوان و انصارش مینی بر اینکوهی میانه‌رو" و یا سردمدار "معتدلین" موجود در جمهوری اسلامی میباشد، واقعیست اینست که تک تک عناصر شکست‌پس دهنده حاکمیت جمهوری اسلامی جزء خادمین بارگاه امپریالیسم و حافظین نظام غارتگرانه و جایزانه سرمایه‌داری وابسته حاکم به مین چیز دیگری نبوده و نیستند. توددهای مبارز و داور ما باید به این موضوع کاملاً آگاه گردند و بدانند که این تبلیغات رباکارانه و عوامفریبانه تنها بمنظور مخدوش نمودن واقعیات موجود و برای انحراف افکار و اذهان توده‌های رنجبر و ستمکش ما سازمان داده شده است.

گرفتن چهره باصلاح معتدل و نق زدنهای گاه به گاه منتظری مزدور و مخالفت‌های آنجانی او و ایفای نقش سویا پ اطمینان در رژیم جمهوری اسلامی بهیچوجه نمی‌بایست مانع از آن گردد که واقعیست وجود ضد خلقی او که دستا نسی همچون همیا لگیهای دیگرش تا مرفق به خون انقلابی ترین فرزندان جامعه آغشته است، پنهان گردد. کشمکشهای درونی

مزدور رژیم در سازمان ملل و ... صورت می‌گیرد. هم منتظری و هم خمینی جنایتکار هر دو طی رد و بدل کردن نامه‌های مربوط به باصلاح استعفا سعی کردند در انتظار توده‌های تحت تسلط و به جان آمده و برای عوامفریبی، وجود منحوس و جنایت پیشه یکدیگر را با تعریف و تمجیدهای بوشالین واقع به شخصیت طرف مقابل بپوشانند. اما با وجود این اظهارات منتظری که اعلام می‌کند از اول هم با این انتخاب "حدا" مخالف بوده و طی نامه‌ای به مجلس خبرگان هم نوشته که تعیین او به "مصلحت" نبوده، از یکسو و جوابیه خمینی که به از گوشزد می‌کند، این مسئولیت "تحلی" بیستش از "طلاقت" شما می‌خواهد" و به همین جهت هم شما و هم من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودیم و در این زمینه هر دو مثل هم فکر می‌کردیم" از سوی دیگر، نشان میدهد که در پس پرده و در بین دولتمردان جمهوری اسلامی این مساله زیاد هم به خوبی و خوشی و به یکباره برگزار نشده است. ادای این نکته از سوی خمینی در جوابیه خویش به متن نامه استعفا منتظری که عنوان می‌کند: "من این تذکر را در قضیه مهدی هاشمی هم به شما دادم" نیز خود بیان پوشیده سابقه طرفیست در رابطه با جنگ و دعواهای درونیشان بوده و می‌باشد. واقعیست اینست که برکناری منتظری و نمونه‌های مشابه طی سالهای گذشته امری اتفاقی نبوده و فقط واقعه اخیر نقطه‌های برجسته در روند پروسه تداوم تضادهای درونی جناحهای متخاصم جمهوری اسلامی را نشان میدهد. در ضمن باید توجه داشت از آنجا که در نزد خمینی مزدور همانند دیگر کسان زنجیری امپریالیسم مصلحت‌شما میت نظام سرمایه‌داری وابسته و منافع امپریالیستی آن مقدم بر منافع هر سبک زنجیری می‌باشد و خود وی نیز این موضوع را در جوابیه خویش به نامه استعفا منتظری با این عنوان که "در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر همه چیز است و همه باید تابع آن باشیم" تهریح نموده است و از آنجا که جناحهای متخاصم درون هیأت حاکمه جمهوری اسلامی هر کدام حفظ و تداوم این مناسبات غارتگرانه را در پیشبرد نظرات و برنامه‌های خویش می‌دانند و برای تحقق آن کوشش می‌ورند، و این امر موجب بروز تضامات فی مابین آن جناحها می‌شود. پس می‌بایست بدین واقعیست اشراف داشت که عزل منتظری آخرین تصفیه درونی نبوده و نیست و با چنین اعمالی تضادهای فی مابین عناصر متشکله هیأت حاکمه سرمایه‌داری وابسته ایران یعنی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی تضعیف نگشته و از شدت آنها کاسته نمی‌گردد. بواقع مادام که این نظام پابرجاست بخصوص در شرایطی که گریبانگیر بحران مرکباری است ما بایستی شاهد درگونگی‌هایی باشیم که شاید عزل منتظری ابله در مقایسه با آن‌ها بسیار کوچک بنماید. برای این اساس و با توجه به این واقعیست است که همانطور که خمینی برسر قضیه مهدی هاشمی از قبل به ولیعهد خویش تذکر داده بود اینبار نیز با آگاهی از تداوم این تضادهای "برای اینکه اشتباهات گذشته تکرار نگردد" به منتظری نصیحت می‌کند و به بیان دقیقتر هشدار می‌دهد "که میت خود را از افراد نامالح پاک" نماید.

"درباره روشنفکر" عنوان مقاله ایست که چریک فدائی خلق رفیق شهید حمید مومنی آنرا در سال ۵۲ در مناقشه با یکی از مبارزین علید رژیم شاه بنام "مصطفی شجاعیان" که بمدت محدودی در ارتباط با جریکهای فدائی خلق قرار گرفته بوده به رشته تحریر درآورده است. ما ضمن انتشار مقاله مذکور در این شماره از "پیام فدائی" مقاله "یک لایه" نوشته مصطفی شجاعیان را نیز در کنار آن چاپ می‌کنیم. بنظر ما قرار گرفتن این دو نوشته در کنار یکدیگر در حالیکه عمق کمونیستی و ارزش والای مقاله "درباره روشنفکر" را با برجستگی هرچه بیشتری نمایان می‌سازد به درک هرچه عینی‌تر "معنی روشنفکر" نیز کمک شایانی می‌کند. این دو مقاله خود معرف خوبی می‌باشند، یکی معرف روشنفکر پرولتاریا که با نیندی ماتریالیستی و با برخوردی دیالکتیکی به بررسی بنیادهای مختلف می‌پردازد و دیگری معرف روشنفکر خرده بورژوازی که غرق در توهمات ایده‌آلیستی درست‌عکس آن عمل می‌کند لازم به تذکر است که مقاله "درباره روشنفکر" قبلاً در نشریه‌ای بنام "چشم انداز" بدون ذکر نام نویسنده آن، چریک فدائی خلق رفیق شهید حمید مومنی و تحت نام "رفیق مجید" به چاپ رسیده.

درباره روشنفکر

بدنی مخصوص برده‌ها میشود و کار فکری مخصوص برده‌داران (الیه عده‌ای از برده‌داران). در جامعه فئودالی نیز کار فکری فقط در انحصار فئودالهاست و کار بدنی هم مخصوص رعیتها. در جامعه سرمایه‌داری، کار فکری را یک قشر مخصوص از طبقه بورژوازی انجام می‌دهد که اگر چه افراد این قشر از طبقات مختلف آمده‌اند اما به هر حال اکنون جزء بورژوازی به حساب می‌آیند. کار بدنی هم که در جامعه سرمایه‌داری مخصوص کارگران است. در جامعه سوسیالیستی نیز کار فکری از کار بدنی جداست. کار فکری را گروه عظیم دانشمندان و هنرمندان و تکنوکراتها و بوروکراتها که چنانکه بعداً شرح خواهیم داد آخرین بقایای بورژوازی هستند، انجام می‌دهند. اما در جامعه کمونیستی کار فکری و کار بدنی در یکدیگر تلفیق می‌شوند؛ کارهای ساده، تکراری و الگوار به ما عین داده می‌شود و فقط کار همراه با خلاقیت برای انسان باقی می‌ماند و دیگر تقسیم کار فکری و بدنی معنی ندارد. کار همراه با نوآوری‌های راکه انسان انجام می‌دهد هم فکری است و هم بدنی.

در بحثی که بین من و رفیق ظاهر درباره معنی روشنفکر درگرفت چکیده نظر من این بود: در مطبوعات بازاری فارسی روشنفکر بمعنی آدمی است که سطح آگاهی او از دیگران کما بیش بالاتر است. البته واژه "روشنفکر" هم در زبان فارسی از نظر معنی لفظی و ظاهری به این معنی نزدیک است اما باید به یاد داشت که کلمه روشنفکر فارسی معادل کلمه "انٹلکٹوئل" اروپایی است و در نوشته‌ها و مباحثات مارکسیستی به این معنی به کار رفته است. کلمه "انٹلکٹوئل" نیز از نظر مارکسیسم دارای معنی مشخص و دقیقی است که اینک شرح می‌دهم:

مارکسیسم معتقد است که در جامعه اشتراکی نخستین (کار) منظور کار از نظر فیزیکی یا به عبارت دیگر عمل نیست، بلکه منظور کار از نظر اقتصادی است. فکری از کار بدنی جدا نبوده. بنابراین طبیعی است که تقسیم کاری هم در این مورد (کار فکری و کار بدنی) نمی‌توانسته وجود داشته باشد. اما در جامعه برده‌داری، کار فکری از کار بدنی جدا می‌شود و تقسیم کار نیز در این زمینه به وجود می‌آید؛ کار

تکنیسینهای مبرز انقلاب پرولتاریا تبدیل می‌شوند.

روشنفکران انقلابی از نظر زندگی فکری و معنوی به طبقه کارگر و ایدئولوژی او بسیار نزدیک می‌شوند. ولی از نظر اقتصادی (رابطه با وسایل تولید) هرگز به کارگر تبدیل نمی‌شوند. بدین جهت است که همیشه زندگی فکری آنها در خطر انحراف به سوی سوبژکتیویسم قرار دارد. باید سخت از خود مواظبت کنند. آمیزش هرچه بیشتر با توده‌ها و آموختن هرچه بیشتر از توده‌ها تنها وسیله جلوگیری و نیز درمان ایمن انحراف است. روشنفکران انقلابی باید از توده‌ها بیاموزند. آنها را جمع‌بندی کنند و باز به توده‌ها برگردانند و باز از توده‌ها بیاموزند. و بهمین ترتیب. می‌گویند تاریخ آزمایشگاه جامعه‌شناسی است. توده‌ها ماده اصلی سازنده تاریخند و وظیفه روشنفکر انقلابی کار با آنهاست. اگر روشنفکران انقلابی از توده‌ها بیاموزند آنچه می‌اندیشند نهنگری (سوبژکتیویسم) صرف خواهد بوده درست مانند شیعی-دانی که نتیجه یک آزمایش جدید و مطلقا انجام نشده را حدس بزند و یا تجزیه و ترکیب عناصر را در خواب ببیند و غیره. البته باید به یاد داشت که آموزش از توده‌ها فقط آموزش از توده‌های موجود و زنده نیست. آموزش از توده‌ها در سراسر تاریخ و آموزش از توده‌های سایر کشورها برای روشنفکر انقلابی حتی اساسی‌تر است.

در جامعه سوسیالیستی نیز روشنفکران وجود دارند. البته در آغاز بنای سوسیالیسم اقشار دیگر خرده‌بورژوازی (تولیدکنندگان مستقل کوچک از جمله دهقانان) نیز وجود دارند ولی این اقشار بزودی از بین می‌روند و روشنفکران به عنوان آخرین بقایای بورژوازی باقی می‌مانند. دولتی سوسیالیستی باید سعی کند که با اتوماتیزه کردن هرچه بیشتر تولید و بالا بردن سطح آگاهی و تخصص کارگران از طرفی و کشیدن علم به میدان عمل، بیرون کشیدن روشنفکران از پشت میزبان به داخل آزمایشگاه و کارگاه، باز کردن درهای مدرسه به سوی کارگاه و کارخانه و تلفیق آموزش و کار از طرف دیگر، کار فکری و بدنی را به هم هرچه بیشتر نزدیک کند و زمینه را برای از بین بردن روشنفکران فراهم نماید. البته لازم به یادآوری است که سوسیالیسم چون یک مرحله تاریخی نیست بلکه خود جزو دوران انقلاب و برای رسیدن به کمونیسم است همیشه قابل برگشت به سرمایه‌داری می‌باشد.

روشنفکر یا "انتلکتوئل" یعنی همین کسانی که از نظر تقسیم کار اجتماعی در نظامهای مختلف برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و نیز جامعه سوسیالیستی کارهای فکری را انجام می‌دهند. بنابراین از نظر مارکسیسم روشنفکران در جامعه برده‌داری به وجود می‌آیند و جزو طبقه برده‌داران هستند. در جامعه فئودالی روشنفکران خود فئودال هستند. در جامعه سرمایه‌داری روشنفکران قشر مخصوص از طبقه بورژوازی را تشکیل می‌دهند که از معلم ساده و دفترنویس گرفته تا رئیس جمهور را شامل می‌شوند. در جامعه سوسیالیستی روشنفکران آخرین بقایای بورژوازی هستند که باید از بین بروند. و در جامعه کمونیستی روشنفکران از بین می‌روند.

در نظام سرمایه‌داری اقشار بائین روشنفکران از سطح زندگی بسیار بائینی برخوردارند. در برخی جوامع وضع زندگی مثلا معلم حتی از وضع زندگی کارگران هم بدتر است. اما به هر حال در این نظام اجتماعی، روشنفکران از نظر رابطه‌ای که با وسایل تولید دارند، جزو طبقه بورژوازی به حساب می‌آیند.

در جامعه سرمایه‌داری، روشنفکران چرخ نظام را می‌چرخانند. اقشاری از این روشنفکران (اقشار بائینی آن) هم از نظر اقتصادی و هم از نظر فرهنگی با سرمایه‌داری تضاد پیدا می‌کنند. سرمایه‌داری می‌خواهد آنها را به اطاعت کامل خود برآورد و استعدادشان را مهار کند. در نتیجه آنها گذشته از اینکه با سرمایه‌داری تضاد اقتصادی دارند (سطح بائین زندگیشان)، سرمایه‌داری خلاقیتشان را نیز سخت محدود می‌کند. از طرفی هم آنها از نظر فکری و معنوی تحت تأثیر واقعیت بزرگ زمان خود یعنی طبقه کارگر و مبارزاتش قرار می‌گیرند. در نتیجه علم عیان بر علیه سرمایه‌داری را بر می‌دارند. به طرق مختلف به سرمایه‌داری اعتراض می‌کنند. گروهی از آنان مایوس و سرخورده همه چیز زندگی را نفی می‌کنند. گروهی فقط به سرمایه‌داری فحش می‌دهند و گروهی دیگر به زندگی و مبارزات توده‌ها خود را پیوند می‌زنند. این دسته اخیر را "روشنفکر انقلابی" یا "روشنفکر پرولتاریا" می‌گویند. روشنفکران انقلابی به بزرگترین خدمتگزاران پرولتاریا تبدیل می‌شوند. آنها حتی رهبری تکنیکی انقلاب پرولتاریا را به دست می‌گیرند. علم و فلسفه‌ای را که حاصل برخورد تاریخی پرولتاریا با زندگی است جمع‌بندی می‌کنند. دانش و تجربه پرولتاریا را فرموله می‌کنند و خلاصه، به

خود ویژگیهایی نسبت به طبقه است که بدان نمود ویژه‌ای

می‌بخشد. نمودی که انگیزه مشخص شدن آن در طبقه می‌شود.

۶- خود ویژگی لایه روشنگر طبقه در چیست؟

خود ویژگی لایه روشنگر طبقه از طبقه بر رویهم در دو

زمینه است: الف- در زمینه تولیدی. ب- در زمینه سیاسی.

به زرفترین و گسترده‌ترین معانی: از فرهنگ گرفته تا عورش.

۷- خود ویژگیهای لایه روشنگر طبقه از طبقه در زمینه

تولیدی در چیست؟

خود ویژگی لایه روشنگر طبقه از طبقه در زمینه تولیدی

در این است که لایه روشنگر در امر تولید شرکت مستقیم ندارد

و طبقه با شرکت مستقیمش در امر تولید است که طبقه میشود.

یعنی ریشه تعریف طبقه در پیوستگی و شرکت مستقیم آن است

در امر تولید. و ریشه تعریف لایه - هر لایه‌ای که می‌خواهد

باشد - که گواه خود ویژگی لایه از طبقه است، در همین

است که لایه در امر تولید شرکت مستقیم ندارد. و پس لایه

روشنگر نیز همچون هر لایه دیگری خود ویژگی تولیدی، از

طبقه در همین نداشتن شرکت مستقیم آنست در امر تولید.

۸- ولی خود ویژگی لایه روشنگر طبقه از طبقه در زمینه

سیاسی.

در این زمینه می‌توان لایه روشنگر را به مانند آموزگار

طبقه تعریف کرد. یعنی لایه روشنگر به طبقه می‌آموزد که

برای رستگاری و بهروزی خود در ستهزه طبقاتی به کدامین

فرهنگ مسلح شود یا تعوده از کدامین راه رود یا نرسوده

کدامین شیوه را برگزیند یا نگزیند....

۹- آیا لایه روشنگر خود بی‌نیاز از آموزش است؟ رآبیا

روشنگران نوات برگزیده‌ای هستند که دم خدایی در نهاد آنها

دانش و خردی آسمانی را فرومیدند و آنها به پشتوانه این

"فیض روح القدس" که همواره "مدد می‌فرماید" است که توان

آموزگاری طبقه را ندارند؟

نه. خاستگاه لایه روشنگر خود طبقه، زندگی طبقاتی و

ریشه‌های مادی تاریخ و جهان طبقاتی است. روشنگران

فرآورده‌های خود طبقه و زندگی طبقاتی‌اند. طبقه و زندگی

طبقاتی، خود روشنگر خود را می‌آفریند. منتها روشنگران آن

عناصری - آن لایه‌ای - هستند که در میان انبوه طبقه بهتر و

زودتر به سود و زیان، و به سرشت و راه رستگاری طبقه پی

می‌برند. پس از این آموزش از طبقه و زندگی طبقاتی است که

روشنگران است که تنها بقایای بورژوازی در جامعه

سوسیالیستی هستند. بدینجهت لیکناتوری پرولتاریا باید

همیشه آنها را در کنترل خود داشته باشد و انقلابهای مداوم

فرهنگی باید کاخهای برافراشته‌ای را که آنان از آثار مخدر

بورژواگرایانه ادبیات و هنر و غیره برای خود می‌سازند

ویران سازد. دولت سوسیالیستی نیز باید زمینه مادی را

- چنانکه گفتیم - برای از بین رفتن روشنگران هرچه بیشتر

مهما نماید.

البته آنچه در مورد روشنگران در جامعه سرمایه‌داری

گفتیم فقط در یک جامعه تپیک سرمایه‌داری بود. در جامعه‌های

موجود روشنگر انتقال دهنده فرهنگ نیز هست. اقشار مختلف

روشنگران فرهنگ متضاد (انقلابی و ضدانقلابی) جامعه‌های

سرمایه‌داری دیگر را به کشور خود منتقل می‌کنند (بویژه نقش

روشنگران جامعه‌های عقب مانده از این نظر خیلی قابل توجه

است). روشنگران خدمتگزار بورژوازی فرهنگ منحن بورژوازی

جوامع دیگر را اشاعه می‌نهند و روشنگران انقلابی، فرهنگ

انقلابی توده‌های پیشرو را. انقلابی‌ترین روشنگران (گروههای

انقلابی بیستاز) تجربه‌های انقلابی خلقهای دیگر جهان را بسر

زمینه تضادهای موجود جامعه خود به توده‌ها انتقال می‌نهند

(بپایه می‌کنند).

حمید مؤمنی

"یک لایه"

یکم

۱- هر جامعه کشوری، و همه جامعه جهانی به طبقات بخش

می‌شوند: طبقات.

۲- لایه (فخر) بخشی از طبقه است.

۳- روشنگران لایه‌اند: لایه روشنگران.

۴- پس روشنگران بخشی از طبقه‌اند. پس روشنگران لایه‌ای

از طبقه‌اند. روشنگران طبقه.

۵- هر لایه‌ای نسبت به طبقه ویژه خود دارای خود ویژگیهایی

است. و به شوند همین خود ویژگیهاست که از طبقه تمیز داده

می‌شود. به گفتاری دیگر: هر نمودی بشوند بودی است. و پس

هیچ چیز نمی‌تواند نمودی ویژه داشته باشد. هر آینده بسودی

ویژه نداشته باشد. و از آنجا که لایه روشنگر نمودی ویژه

- نمودی لایه‌ای - دارد به ناچار دارای بودی ویژه ویا دارای

کنده‌شد و به ترون طبقه‌ای دیگر گام نهاد و زندگی و راه آن طبقه را پیموده، آنگاه چنان عنصری، عنصری از آن طبقه‌ای خواهد شد که هم اینک زندگی و راه آنرا می‌پیماید.

۱۱- برای طبقه کارگر تهنه داستان به همین سان است. بایستگی (ضرورت) ندارد که روشنگر طبقه کارگر در خانواده‌ای کارگری نیز زاده شده باشد. روشنگر طبقه کارگر می‌تواند زادگان خانواده‌ای نا کارگری باشد، ولی خود خردمندانه به سوی طبقه کارگر رو آورده باشد و روشنگر طبقه کارگر شده باشد. در چنین صورتی، چنین عنصری دیگر عنصر طبقه‌ای نیست که در آن زاده شده، عنصر طبقه کارگر است. عنصر روشنگر.

سوم

۱۲- به هنگام جستجو و ساختن "تعریف" برای پدیده‌ها نمی‌شود زیرا درست نیست. که همواره به دنبال تعریفهایی گشت که با همه پدیده‌ها خوانا باشد مگر اینکه آن تعریف درباره پدیده‌های هم نهاد باشد و نه هم واژه.

۱۸- در تعریفهای طبقاتی نیز داستان به همین گون است. در تعریفهای طبقاتی نیز نمی‌شود. زیرا درست نیست. که همواره به دنبال تعریفهایی گشت که درباره همه طبقات خوانا باشد مگر این که آن طبقات خود هم نهاد باشند و نه هم واژه.

۱۹- نهاد و گوهر طبقه کارگر از نهاد و گوهر دیگر طبقات به یکباره جداست.

۲۰- پس نمی‌شود. زیرا درست نیست. که برای طبقه کارگر و روشنگر آن چنان تعریفی را یافت که درست همان تعریفی باشد که با دیگر طبقات و لایه‌های روشنگر آنها خوانا است بدین ستاویز که طبقه کارگر نیز به هر دو "طبقه" است و لایه روشنگر آن نیز به هر دو "لایه" است. این همانندسی و همانندی واژه‌بی است. و نه همانندی گوهرین.

۲۱- در شماره ۶ که سخن درباره خود ویژگیهای لایه روشنگر طبقه بود این خود ویژگی در دو زمینه یاد شد: تالیسی و سیاسی. در زمینه تولیدی گفته شد که خود ویژگی لایه روشنگر از طبقه در شرکت مستقیم نداشتن این لایه در امر تولید است. و در زمینه سیاسی در آموزگاری روشنگر. این هر دو خود ویژگی درباره همگی طبقات بهره‌کش به یکباره درست است. در آغاز زندگی‌شان کما بیش. ولی درباره طبقه کارگر برای همیشه درست نیست. در دوره‌های آغازین زندگی طبقه کارگر درست. و

لایه روشنگر بایستگی آموزگاری طبقه را به دست می‌آورد و همین است یکی از خود ویژگیهای روشنگر طبقه از طبقه.

۱۰- این را هم بیفزاییم که روشنگر- همانگون که خود طبقه - چنان پدیده‌ای نیست که میزان دانش و آموزش از طبقه همواره بایا (ثابت) و به یک اندازه باشد. لایه روشنگر نیز لایه‌ای پویاست؛ همراه تاریخ و زندگی طبقه گام برمی‌دارد و درست از همین روست که روشنگران طبقه در زمانها و شرایط گوناگون تاریخی و مادی بسته به نیازها و آزمونهای تاریخی طبقه، شیوه‌های گوناگونی را برای رستگاری طبقه به طبقه می‌آموزند. بدینسان لایه روشنگر نیز پدیده‌ای تاریخی است. چنین نیست که روشنگر همواره کامل و بدون اندکی کاستی باشد و درست به وارونه آن است: چنین است که لایه روشنگر نیز نیازمند تکامل است. و از همین روست که فرهنگ طبقه یکبار برای همیشه ساخته و کامل نمی‌شود.

دوم

۱۱- آیا جابجایی انفرادی از طبقه‌ای به طبقه‌ای دیگر شدنی یا ناعدنی، کدامیک است؟

جابجایی انفرادی از طبقه‌ای به طبقه‌ای دیگر شدنیست و نه ناعدنی.

۱۲- جابجایی انفرادی از طبقه‌ای به طبقه‌ای دیگر خود به خود گواه آن است که سرشت طبقاتی را زاده شدن در این یا آن خانواده تعیین نمی‌کند.

۱۳- پس پرسیدنی است که سرشت طبقاتی را چه چیز تعیین می‌کنند؟

سرشت طبقاتی را زندگی طبقاتی تعیین می‌کند. زیرا اگر درست است که آدمی بداندان می‌اندیشد که می‌زیده، آنگاه این هم درست است که زندگی طبقاتی، و نه زاد جای خانواده‌گسی، اینست آنچه سازنده نهاد طبقاتی آدمی است.

- اگر نگرانی نبود نمی‌افزودم که نهادها نیز طبقاتی-انده‌وپس همراه با طبقات زاده می‌شوند، همراه با طبقات زندگی می‌کنند و همراه با طبقات می‌میرند.

۱۴- پس روشنگر این یا آن طبقه، بایستگی ندارد که خاستگاه خانوادگی نیز همان طبقه بوده باشد. روشنگر این یا آن طبقه می‌تواند خاستگاهی خانوادگی بیرون از طبقه‌ای که اینک روشنگر آن است داشته باشد.

۱۵- ولی همین که عنصری به هر دلیل، به هر دو از طبقه‌ای

طبقه شود. ولی پوئیدن این هر دو راه به بن بست می‌کشد. زیرا اگر طبقه موبه مو همگی خودویژگیهای روشنگر خویش را بپذیرد پس پیوستگی از تولید گسته می‌شود. و این نشانی است. و اگر روشنگر موبه مو طبقه شده به ناچار جایگاه آموزگاریش را از دست می‌دهد. و اینهم نشانی است. راه سومی هست که طبقه کارگر آن راه را می‌پوید: طبقه خودویژگیهای روشنگرش را می‌گیرد بی آنکه خودویژگیهای خود را رها کند. و لایه روشنگر نیز خودویژگیهای طبقه را می‌گیرد بی آنکه خودویژگیهای خود را از کف بدهد. بدینسان طبقه و روشنگری می‌شوند. و بدینسان است که فراز روشنگری طبقه کارگر ~~فراز~~ طبقه ~~آن نیست~~ فراز روشنگر طبقه کارگر فرازی است که طبقه کارگر خودویژگیهای روشنگری را نیز به خود پیوست می‌دهد.

رفیق

۱۳۵۲/۵/۱۴



یا کما بیش درست است. و در دوره فرجامین زندگی طبقه کارگر به یکباره نادرست است. دوره میانه دوره‌ای است که ایسن دگرپرسی (استحاله) پویه تاریخی خود را می‌گذراند تا به یکباره تاریخش به سرآید. و چرا؟

۲۲- در شماره ۵ گفته شد که لایه طبقه را بشوند خودویژگیهایش می‌توان از طبقه تمیز داد. ولی خودویژگی چیزی در ترون چیزی دیگر، خودگواه ناهماهنگی و نایکپارچگی ناب آن چیز است. و طبقه کارگر بشوند پاکیزگی از خودستیزی طبقاتی به ناچار طبقه‌ای یکپارچه ناب نیز بایستی باشد. و پس بایستی دارد که خودویژگیهای ترون طبقاتش به یکپارچگی ناب دگرسان شود. و طبقه کارگر به چنین یکپارچگی نابی خواهد رسید. به چه سان؟ بدینسان که:

۲۳- در نگاه نخست چنین به چشم می‌آید که دو راه بیشتر در پیش پای طبقه کارگر نیست: یا طبقه به یکباره روشنگر - با همه خودویژگیهایش - خویش شود و یا روشنگر به یکباره

تشدید تضادهای درونی رژیم و عزل منتظری

از صفحه ۱۴

حناچه‌های متخاصم جمهوری اسلامی و مخالفت‌های آنچنانسی منتظری و امثالهم بهیچوجه در رابطه با تامین کمترین منافع توده‌ها نمی‌باشد. مثلاً مخالفت منتظری جنایتکار پیرامون اعدام وسیع زندانیان سیاسی نه از باصلت اصلاح آزادیخواه بودن وی و نه از مدافع "مستضعفین" بودنش و نه از خصلت معتدل او ناشی می‌شود بلکه این امر تنهایی وجود اختلاف نظر در درون هیئت حاکمه بر سر چگونگی سرکوب جنبش عادلانه توده‌هاست. و منتظری درست در جهت حفظ و تداوم نظام سرمایه‌داری وابسته ایران و مقابله با مبارزات فدائیمپریالیستی توده‌ها از آنجا که شدیداً از انتقام توده‌ها در هراس می‌باشد و کشت و کشتار در وسعت و ابعاد بیسابقه اخیر را به نفع نظام تلقی نمی‌نماید به مخالفت آنچنانسی برخاسته است.

بواقع دعوای گمگان‌ها در جمهوری اسلامی بر سر برنامه‌هایی است که بتوانند زمینه غارت بیشتر و به گردش درآوردن سهلتر چرخهای استثمارگر نظام سرمایه‌داری وابسته و نتیجتاً بهبود اوضاع وخیم آن را برآورده نمایند و اختلافشان بر سر کاربرد شیوه‌هایی از سرکوب و بکارگیری قهرضد انقلابی است که کمترین مقاومت و اعتراضات توده‌ها را برانگیزد.

اما اگر می‌بینیم که این دولت مردان ضد خلقی جمهوری اسلامی که در نهایت در امر سرکوب و استثمار و غارت دسترنج خلقها با یکدیگر اتفاق نظر دارند اینچنین به

یکدیگر تاخته و رقبایشان را از صحنه بدرمی‌افکنند این دقیقاً ناشی از مجموعه شرایط وخیمی است که حیطه ناسور بیشتر را برای جناحهای درونی رژیم محدود و تنگ نموده است؛ و به همین دلیل هر جناح سعی دارد به هر طریق ممکن هرچه زودتر به مخاصمات به نفع خویش پایان داده و قضیه را به اتمام برساند. زیرا سران جمهوری اسلامی نسیک میدانند که در شرایط اوجگیری نفرت بیحد توده‌ها نسبت به این رژیم و در حالیکه شرایط معیشت ناسامان توده‌ها و فشارها و احکافات گوناگون بیش از پیش باعث نارضایتی آنان شده، وجود بحران و اختلافات در میان هیئت حاکمه امکان انفجار نارضایتی‌های موجود در جامعه را افزایش داده و پایه‌های حاکمیت کنونی را لرزانتر از پیش خواهد نمود. این واقعیات باعث آن میگردد که مزدوران به یکدیگر دانه‌ها هشدار داده و خواهان پیروی از "رهبری عالیقدر" بشوند. آنچه در این میان به توده‌های ما مربوط است این نکته می‌باشد که بایره‌گیری از تضادهای درونی این رژیم ضد خلقی نتوان که کوشش بسیار در قدر قدرت نشان دادن خویش را دارد، به مبارزات خود ابعاد بیشتری داده و تمام نیروی انقلابی خویش را در جهت نابودی تمامیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و حناچه‌های رنگارنگش، حاکمیت مناسبات سرمایه داری وابسته معطوف دارند.



جمهوری اسلامی مسبب اصلی

بی‌خانمانی اهالی سیل‌زده سیستان

از صفحه ۴۴

رژیم وقوع سیل و زلزله و غیره راهمواره موهبتی تلقی نموده است تا طی آن چرخهای دستگاه غارت و جباول خود را بیکسردش درآورده و سفره کدائی را در هرکسوی و برزنی بگسرد.

مسلمانان سیل و زلزله و نظایر آنها حوادث طبیعی هستند که وقوع آنهاست با بهیچوجه اموری غیر عادی نمیباشند و از اینرو رشد تکنیک و دانش بشر تاکنون نتوانسته است به چاره حوثی هاشی - در مواردی کاملاً موثر - در این زمینه‌ها تلیل آمده و ضمن مقابله موجب کاهش خسارات و ضایعات ناشی از این حوادث طبیعی گردد. بر چنین اساسی است که میتوان میزان مسئولیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در رابطه با خسارات وارده به توده‌های محروم سیستان باز شناخت. علیرغم اینکه استان سیستان و بلوچستان و برخی از استان های دیگر میهنان از حمله سیل خیزترین مناطق کشورند، این رژیم وابسته تاکنون در جهت پیشگیری و کنترل سوانح و ضایعات ناشی از سیل زدگی اقدامی ننکرده است. از حمله در استان سیستان، به‌عای ساختن سدهای مناسب، کانالها و ابزار متناسب و لازم برای مهار این حادثه طبیعی و رها نندن زیانهای آن به حداقل ممکن، تا نتوانسته است تا صرف بودجه‌های کلان، مراکز و دستگاههای جهمی سرکوب خویش را در این استان گسترش داده است. مبالغ هنگفتی را صرف به خدمت گرفتن جوانین مزدور و نیروهای ارتعاعی دیگر و مسلح نمودن آنان بر علیه توده‌های تحت ستم این منطقه نموده و در حالیکه بیشتر از آن بودجه عمومی را که به قیمت مکیده شدن شیره جان کارگران و توده‌های زحمتکش کسب شده، به تنور جنگ امپریالیستی و دستگاههای سرکوب خویش در خدمت حراست از نظام سرمایه داری وابسته اختصاص داده است، کوچکترین خواست توده‌ها را برآورده ننموده و بالطبع هیچوقت ب فکر انجام اقداماتی در جهت مقابله با حوادثی نظیر سیل و پیشگیری

خود را مستقلاً و خارج از شبکه روابط ضد خلقی مراکز غارت رژیم، بدست توده‌های سیل زده برسانند تا به این ترتیب کمکهای آنها به حای رسیدن به توده‌های نیازمند، به حیبهای گشاد مزدوران رژیم سرازیر نگردد. تحریک نشان داده است تحت رژیم جمهوری اسلامی اگر هم ندرتا قطره‌ای از دریای کمکهای مردمی، احیاناً به توده‌های مصیبت زده رسیده و آنان را از برگ و نیستی آنی نجات داده است، سردمداران ضد خلقی پس از خوابیدن سروصداها این توده‌ها را آواره و بی‌خانمان و غارت شده رها کرده‌اند تا در ایامی سایر بلاهای خانمانسوز نظام سرمایه‌داری وابسته و زیر چرخهای این نظام بتدریج له شوند.

و در آخر باید گفت که اگر چه سیل مرگبار اخیر منتهای یک حادثه ناگوار طبیعی مصائب زیادی برای مردم رنجیده سیستان به بار آورده است ولی واقعیت آنست که مسئول اصلی تمام بدبختیها و خانه‌خوابیها و آوارگیها و سایر خسارات مادی و معنوی که در اثر امواج خانه‌خواب کن این سیل بر زندگی مردم شهرها و روستاهای سیستان مستولی گشته است رژیم منفور و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میباشد. سرگ و نیستی بر این رژیم باد!

از مصائب ناشی از آن نبوده است. دروچهی دیگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در حالیکه در سوق و کرناهای تلسیفاتی خویش در رابطه با سیل اخیر استان سیستان مدام از لزوم رساندن کمک به سیل زدگان این استان دم میزند، تنها یک میلیون تومان برای اسکان و امداد و مهار آب و غیره اختصاص داده است که با توجه به ابعاد مصائبی که سیل اخیر برای مردم رنجیده این منطقه بیار آورده است تازه اگر بفرض محال همه این مبلغ از دالانهای بوروکراسی رژیم سالم و بی‌هیچ گزندی (؟) عبور کند، بسیار ناچیز است. در عوض این رژیم غارتگر بسا استفاده از احساسات پاک توده‌ها و همدردی آنان نسبت به یکدیگر، برای کمک به سیل زدگان استعداد طلبیده و کوشیده است تحت عنوان یاری مردم به سیل زدگان سیستان از زندگی بخور و نمیر آنها مبالغ هر چه افزونتری را اخاذی نماید. در این رابطه اگر چه توده‌های آگاه و مبارز ما در سایر نقاط در حد امکان باید به کمک مردم رنجیده و سیل زده در سیستان بشتابند و به هر شکل ممکن کمکهای خود را در اختیار هم وطنان مصیبت زده‌مان در روستاها و مناطق سیل زده این استان قرار دهند. ولی آنها باید بکوشند که راه سابه این کار اقدام نموده و سعی کنند که کمکهای



نبروز:

ن ۱۰۰ فرانك فرانسه
ج ۱۰۰ كرون نبروز

انگلستان:

۵۰ كرون
آزاده ۱۰ پوند

امريكا:

۵۰ مارك آلمان
رفیق شهید هدایتی ۱۰۰ دلار
رفیق شهید هدایتی

بقیه کمک مالی

از صفحه ۴۳

پویان - گوتنبرگ

نهنا - کریستین بری

احمدزاده - ابدالا

چه‌گوارا - شارلون بری

فلاج - وستروس

آلمان غربی:

۲۰ مارک

۲۰ مارک

سعید



خاطره اعتصاب ۴۰ هزار کارگر شرکت نفت آبادان گواهی باد

اسفناک و شرایط زیستی کارگران نفت آبادان، شرایط آب و هوایی توانفرسا و... کار آنان را به مراتب دشوارتر از سایر نقاط ایران میساخت. فقط هزینه یخی که کارگران خوزستان بدون آن نمی توانستند کار و زندگی کنند، بخش بزرگی از دستمزد آنان را میبلعید. تحت مجموعه چنین شرایطی بود که غلیرغم تمامی فشارها و سرکوبها، صدای اعتراض و خشم کارگران ستم دیده بلند می شد و این توده محروم و غارت شده دیگر نمیتوانست سیدادگریهای امپریالیستها و مزدورانشان در تحمیل این مصائب را ببیند. این تحمل کننده سرانجام حرکت و اعتصاب کارگران در ۲۹ اسفند ماه از بندر ماهشهر و در نتیجه خوداری شرکت از پرداخت اضافه حقوقی که برای این ناحیه به علت شرایط دشوار کار تعیین شده بود، آغاز گردید. دامنه آن گمابیش و پس از مدتی همه جا را فرا گرفت و نهایتا به یک اعتصاب عمومی مبدل گشت.

در اثر گسترش دامنه حرکت قهرمانانه کارگران اعتصابی، ارتش مزدور و نیروهای سرکوبگر بنا به ماهیت خود، در دفاع از منافع امپریالیستها و مزدورانشان وارد عمل شدند. ولی کارگران معترض و به جان آمده تقریبا همه جا در مقابل واحدهای ارتش و شهریانی مقاومت می کردند. در کناکش اعتصاب و در نقطه اوج آن سرانجام در ۲۳ فروردین ۱۳۳۰ در بندر ماهشهر حوادث خونینی رخ داد و در نتیجه درگیری بین کارگران قهرمان و نیروهای سرکوبگر عده ای کشته و زخمی شدند. در همین روز در آبادان نیز میان کارگران و سربازان مزدوری که میخواستند عده ای از رهبران اعتصاب را دستگیر کنند نیز زد و خورد روی داد که منجر به مجروح شدن یک کارگر قهرمان گشت. این حادثه موجب شدت یابی خشم و غلیان توده های کارگر و معترض گردید. در اعتراض به این اقدام وحشیانه حاکمین مزدور ایران، کارگران قهرمان میتینگ عظیمی در برابر کلوب کارگران و کارمندان در آبادان تشکیل دادند. ارتش سرکوبگر بار دیگر با شدت عمل بیش از پیش برای از هم پاشیدن این میتینگ، با گشودن آتش بر روی کارگران خشمگین و معترض، ۶ تن از آنان را به شهادت رسانده و حدود ۳۰ نفر را زخمی نمود. این عمل جنایتکارانه بر شدت انزجار و تنفر کارگران به جان آمده افزود. اکنون دیگر ۴۰ هزار تن از کارگران ستم دیده در اعتصاب و اعتراض به سر می بردند. مزدوران امپریالیسم نیز در حالیکه از این حرکت عظیم به وحشت افتاده بودند برای سرکوب هرچه بیشتر و جلوگیری از رشد دامنه های آن با اعلام حکومت نظامی، واحدهای بزرگ ارتش مزدور را در شهر متمرکز ساختند و دارودسته های سرکوبگر شروع به قلع و قمع کارگران مبارز و دستگیری های گسترده کردند. جنایتکاران حاکم با تشکیل دادگاههای نظامی آهیم برای کارگرانی که صرفا برای طبیعی ترین حقوق عادلانه خویش به اعتراض و اعتصاب برخاسته بودند، کارگران بیگناه را بازداشت و محاکمه می کردند. اعتصاب

۲۳ فروردین ماه مصادف با سی و هشتمین سالگرد اعتصاب پرشکوه ۴۰ هزار کارگر شرکت نفت بر علیه سلطه امپریالیستی و استثمار و سیدادگری امپریالیستها از جمله انگلیس، غارتگر کهن و حکومت مزدور وابسته به آنان در میهنمان می باشد.

ضمن گرامیداشت این روز تاریخی که جلوه ای از قدرت عظیم کارگران ستم دیده میهنمان، این طبقه تابه آخر انقلابی است، باید گفت که در تاریخ درخشان مبارزات انقلابی کارگران، اعتصاب دهها هزار کارگر صنعت نفت یک حرکت مهم و برجسته از سوی پرولتاریای به پا خاسته بر علیه امپریالیستها و استثمارگران می باشد. اهمیت و نقش این حرکت هنگامی روشن می شود که شرایط تاریخی آن برهه از جامعه که اعتصاب قهرمانانه کارگران در آن صورت گرفت را کمی توضیح دهیم.

در دهه های ۳۰ و ۴۰ قرن بیستم که ایران بعنوان یکی از غنی ترین کشورهای تولید کننده نفت به حساب می آمد، با توافق حاکمین سرسپرده ایران و دولت انگلیس، شرکت نفت ایران و انگلیس در ایران پایه گذاری شد.

شرکت نفت ایران و انگلیس در چهار رجب سیاستهای غارتگرانه امپریالیستی و بر پایه استثمار و سرکوب شدید کارگران و جباول منابع چشمگیر نفت ایران تاسیس گردیده. این شرکت با استفاده از خوان یغمای گسترده شده و با استثمار و خشنودی بیش از حد توده های محروم کارگر و با پرداخت حداقل دستمزد به آنان، هزینه تولید را به پایین ترین حد ممکن و نرخ سودهای خود را به بالاترین مقدار ممکن رسانیده بود بطوریکه طی سالها، شرایط معیشت و کار کارگران محروم هر چه وخیم تر و هزینه زندگی سخت و توانفرسای آنها مرتبا افزایش می یافت. و این در حالی بود که امپریالیسم انگلیس و مزدوران وابسته به آن اربابیت فقر و فلاکت و غارت و سرکوب کارگران بیش از پیش بر نرخ سودهای خویش می افزودند. بنابراین روشن بود که شرکت امپریالیستی ایران و انگلیس باید از تمام ابزار و وسایل فذخلقی موجود برای حفظ موقعیت خویش و تحکیم و تداوم چنین وضعی که حذر جهت منافع غارتگرانه امپریالیستها نبود استفاده کنند. از همین رو شرکت مزبور، به منظور تسهیل سودهای هر چه افزونتر و حفاظت از منابع سودآور و در حوزة جباول خود عملا دولتی از خود دارای پلیس، فرودگاه و بندر و... ترتیب داده بود. ضمنا تمامی دستگاها ای اداری ای که در رابطه با این شرکت بودند میبایست در کارهای خود تمایلات و منافع کمپانی را به حساب آورند و طبق دستور آن عمل کنند. در عین حال که شرکت از هیچگونه دسیسه و فتنه انگیزی ای در جهت سرکوب افزونتر کارگران و خفه نمودن صدای اعتراض آنان خودداری نمی نمود.

در این شرایط وضع زندگی کارگران محروم شرکت بینهایت وحشت آور بود. این توده عظیم فاقد مسکن و سرپناهی برای زندگی سراسر رنج و تیدختی خویش بودند. وضعیت

نظامی شد. در بندرماه شهر نیز بازداشتها با این مضمون در بین سربازان انجام گرفت. در اصفهان یک پاسبان که از تیراندازی به تظاهر کنندگان خودداری کرده بود با گلوله یک افسر مزدور شهربانی از پای درآمد. همچنین ملوانان در آبادان از تیراندازی به سوی کارگران معترض سرباز زدند.

این اعتصاب قهرمانانه پرشکوه تا ۲۳ فروردین ۱۳۳۰ قریب به یکماه به طول انجامید و سرانجام به کارگران قهرمان که عمدتاً خواستار افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار بودند، از سوی دولت مزدور وعده و وعیدهایی داده شد و اعتصاب در چنین موقعیتی فروکش نمود. اما کارگران قهرمان نفت با این نمایش عظیم قدرت بار دیگر بر ضرورت وحدت و همبستگی هرچه بیشتر طبقه کارگر در مبارزه نادمندان طبقاتی مهرتائید زدند. این حرکت پرشکوه نشان داد که صفوف فشرده کارگران ستمدیده چه رعب و وحشتی را در دل امپریالیستها و ایادیشان ایجاد میکند. خاطره همبستگی و وحدت مبارزاتی کارگران قهرمان نفت تجارب مبارزاتی ارزشمندی را برای نسلهای آینده برجای گذارد. راز جمله یکبار دیگر بر ضرورت قرار گرفتن یک رهبر، حده و سرالشرقی در راس این حرکات برای سازماندهی و شکل هرچه وسیعتر آن و جهت دهی و ارتقاء این مبارزات در راستای اهداف استراتژیک مبارزه تاکید گذارد. ضمن آنکه تحریر جنبش عظیم کارگران قهرمان نفت و تحریکات متعدد دیگر کارگران آگاه ما یکبار دیگر بر این واقعیت مسلم مهرتائید زدند که تا زمانیکه سلطه امپریالیستی برقرار باشد هیچیک از حقوق کارگران از سوی امپریالیسم و سگان زنجیرش برسمیت شناخته نخواهد شد و تثبیت کمترین حقی از حقوق عادلانه کارگران ستمدیده منتهمان منوط به نابودی سلطه امپریالیستی و حاکمیت وابسته به آن میباشد.

کارگران نفت جنوب به حادثه سیاسی بزرگی بدل شده بود که تمام کشور را به هجان درآورده و آبادان به مرکز این جنبش قهرمانانه تبدیل گشته بود. بزودی حرکت اعتراضی کارگران اعتصابی و جنبش فدائیالیستی آنان همبستگی وسیعی را به دنبال خود آورد و اهالی مناطقی که کارگران در آنجا دست به اعتصاب زده بودند، با اعلام همبستگی با کارگران قهرمانان و بوسیله رساندن آذوقه به آنان، به یاری کارگران اعتصابی شتافتند. بدنبال این موج حمایت چشمگیر کلیه اقدامات و نقشه های مزدوران شرکت نفت که میخواستند با بستن مغازه های کمپانی و نرساندن آذوقه به کارگران آنها را تحت فشار قرار دهند و مقاومتشان را درهم بشکنند نقش بر آب شده از سوی دیگر دامنه های جنبش قهرمانانه کارگران نفت همچنان گسترش می یافت. طی واقعه ای دیگر در ۲۳ فروردین دانشجویان دانشگاه تهران نیز به عنوان همبستگی با کارگران قهرمان شرکت نفت اعلام اعتصاب عمومی کردند. روز بعد میتینگ همگانی عظیمی در تهران برگزار شد که این میتینگ با وجود تمامی اقدامات پیشگیرنده ارتش سرکوبگر و مزدوران امپریالیسم، به صحنه تجمع ۴۰ هزارتن از زحمتکشان تبدیل شد و ۲/۵ ساعت به طول انجامید. در پایان این میتینگ پرشکوه نمایندگان کارگران نفت و راه آهن نیز سخنرانی و همبستگی و پشتیبانی خویش را از کارگران قهرمان خوزستان اعلام و قطعنامه های را نیز در این رابطه قرائت کرده و به تمویب رساندند در این قطعنامه اجرای فوری تقاضاهای حق کارگران اعتصابی، دادن آزادیهای دمکراتیک و لغو حکومت نظامی در خوزستان مطالبه شده بود. علاوه بر تمام اینها در این روزهای پرتلاطم دربرخی موارد حتی سربازان نیز از دستسور فرماندهان خویش سربیزی کرده و از تیراندازی به سوی کارگران اعتصابی سرباز زدند. در همین رابطه در آبادان یکی از سربازان که از دستور تیراندازی به کارگران قهرمان امتناع ورزیده بود بازداشت و تحویل دادگاه

با ما مکاتبه کنید!

خوانندگان مبارز "پیام فدائی"

برای غنابخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید با مکاتبه با نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به مجموعه هوادارانش متکی باشد.

گزارشی از

تضییقات اخیر دفتر سازمان ملل
در ترکیه بر علیه پناهندگان ایرانی

اخیرا دفتر امور پناهندگان سازمان ملل در ترکیه با اعلام مقررات جدیدی موانع و تضییقات بیشتری در مقابل پناهنجویان و پناهندگان ایرانی قرار داده است که بدون شک با توجه به تعداد زیاد آوارگان ایرانی در ترکیه بر سر نوشت مده قابل توجهی از هموطنان آواره مائشیرات نامطلوب غیر قابل انکاری بر جای خواهد گذاشت.

پس از سفرهای اخیر سردمداران حنایتکار جمهوری اسلامی به ترکیه و بندوبستهای آنها با مقامات ترکیه و سازمان ملل برای فشار به ایرانیان آواره، اخیرا دفتر امور پناهندگی سازمان ملل در ترکیه به پناهندگانی که با تحمل هزاران خطر در هر صورت خود را به ترکیه رسانده اند و در حال حاضر قانوناً اجازه اقامت موقت دولت ترکیه را دارند اعلام کرده است که از این پس این دفتر به کسانی که در مصاحبه دوم پناهندگی شان پذیرفته نشوند کمک هزینه ماهانه پرداخت نخواهد کرد و این افراد بنا به نظر مسئولین دفتر سازمان ملل "باید فکری به حال خودشان بکنند".

این مقررات جدید آنهم در شرایطی که هزینه زندگی در ترکیه هر روز بیشتر و سرسام آورتر میشود و پناهندگان و پناهنجویان ایرانی نه امکاناتی جهت خروج از کشور ترکیه در اختیار دارند و نه امکان تهیه هزینه کمر شکن زندگی در این کشور را دقیقاً با خواست جمهوری اسلامی منطبق است که میکوشد با فشار به پناهنجویان آنها را مجبور به مراجعه به سفارت خود در ترکیه نماید، و مراجعه به لانه جاسوسی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی نیز داستانی است که نتیجه اش از قبل بر همه روشن میباشد.

در شرایطی که خارج شدن از ترکیه مستلزم داشتن چند هزار دلار میباشد و با چند ماه زندگی در این کشور برای کسی که خانه و کاشانه خود را رها کرده و بصورت آواره در این کشور بسر میبرد مستلزم درآمدی است که تهیه اش امر ساده ای نیست ندادن هزینه زندگی به آوارگان ایرانی از سوی دفتر سازمان ملل از یک سیاست ارتجاعی نشأت میگیرد که تاثیر شدیداً ناگوار بر زندگی بخشی از آوارگان ایرانی در ترکیه بر جای خواهد گذاشت.

در چهار چوب همین تضییقات است که می بینیم دفتر سازمان ملل از اول سال میلادی جدید روش مصاحبه های خود را نیز تغییر میدهد و برای نمونه در گذشته پناهنجوی پاسپورتنسی با مراجعه به دفتر سازمان ملل وقت مصاحبه میگردفت - که این زمان معمولاً بین ۴۵ تا ۵۰ روز بود - و هنگامیکه زمان

مصاحبه فرامیرسید با مراجعه به دفتر سازمان ملل با یکی از کمیسره های این دفتر مصاحبه کرده و نتیجه مصاحبه چه مثبت و چه منفی در همان روز به او ابلاغ میگردد و در صورتیکه جواب مثبت بود همان روز - یا طی چند روز آینده - فرسهای کمک هزینه و فرم پناهندگی را بر کرده و در جالبیکه رسماً پناهندگی او پذیرفته میشد پرونده اش را جهت چاپگرتنسی به قسمت اعزام میفرستادند. اما اکنون مصاحبه پناهجو را به بهانه های مختلف عقب می اندازند و وقتیکه پناهجوسوی پاسپورتنسی به دفتر سازمان ملل مراجعه می کند و وقت مصاحبه میگیرد اگر ظاهراً زمان دادن ملاقات برای مصاحبه تغییر نکرده باشد ولی خود مصاحبه را گاه ۲۵ روز تا یکماه و حتی دو ماه به عقب می اندازند و خلاصه آنقدر زمان برگزاری این مصاحبه را طول میدهند تا پناهجو خسته و ناامید شود. و تازه زمانی هم که مصاحبه بعمل می آید دیگر جواب مثبت یا منفی را کمیسرها سازمان ملل همان روز به پناهجو نمی دهند تا امکان برگردن فرم هزینه زندگی فوراً بدست آید بلکه پاسخ موقوف میشود به نظر شورای کمیسره های سازمان ملل که خود این امر نیز به زمان زیادی احتیاج دارد و دادن پاسخ را طوانی تر میسازد. در نتیجه بر اساس مقررات جدید دو تا سه ماه و گاه بیشتر گرفتن پاسخ مثبت یا منفی طول میکشد و با توجه به اینکه تا جواب مثبت داده نشود از کمک هزینه زندگی خبری نخواهد بود پناهنجویان ایرانی با بسد مدتها بدون هیچگونه کمکی از طرف سازمان ملل زندگی خود را تا مین کنند که با در نظر گرفتن وضعیت نامسا مان اقتصادی پناهنجویان ایرانی این امر مشکلات بزرگی برای آنها بوجود می آورد. سازمان ملل به این وسیله بدون اینکه رسماً تغییر در روش کار خود داده باشد عملاً به کثیف ترین شیوه ها دو راه پیش روی پناهنجویان قرار میدهد یا بازگشت به ایران و یا تحمل شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی آوارگی بدون دریافت هیچگونه کمکی از طرف سازمان ملل.

حالب است بدانیم که در گذشته اگر پاسخ مصاحبه پناهنجویی منفی بود روال کار به این صورت بود که در همان روز وقت دیگری برای مصاحبه به متقاضی پناهندگی داده میشد و در صورت عدم موفقیت پناهجو در مصاحبه دوم، مصاحبه سوم به عنوان آخرین شانس از طرف به اصطلاح طرفداران حقوق بشر در اختیار متقاضی قرار میگرفت و در مواردی حتی امکان مصاحبه چهارمین بار وجود داشت ولی اکنون دفتر سازمان ملل به انحاء مختلف میکوشد کسانی که در مصاحبه اول پاسخ منفی گرفته اند را سر بدواند و رسماً اعلام کرده است که کسانی که در مصاحبه دوم قبول نشوند کمک هزینه زندگی تعلق نخواهد گرفت و به این وسیله عده زیادی از آوارگان ایرانی در ترکیه بدون هیچگونه احساس مسئولیتی از سوی این دفتر در شرایط سخت زندگی آوارگی در ترکیه رها میشوند.

یکی دیگر از مقررات جدید دفتر سازمان ملل اینست میباشد که به بهانه پایان یافتن جنگ از پذیرش پناهنجویان

جاودان باد خاطرۀ تمامی شهدای بخون خفته خلق!

دوستان جمهوری اسلامی نمایند، سراسری سازمان ملل و دیگر
مجامع مدعی دفاع از حقوق بشر که عنوان برطمطبیس عراق
"شردوسنی" را با خود بدک می‌کنند در مقابل این پناهنده‌ها که
ند امکانات مادی خروج از ترکیه را در اختیار دارند و نه
امکانات مادی ۴ با ۵ سال زندگی در شرایط دهشتناک آوارگی
در ترکیه را، حزن دادن به یک عمل خفت‌بار، چه راهی
قرار می‌دهند؟

سراسری مقررات جدید پناهندگان با کیس سرب‌زی دیگر
هیچ امیدی به پذیرش پناهندگی شان در سازمان ملل نمی‌تواند
داشته باشند و پناهندگانی هم که برای بار دوم درصاحب‌شان
پذیرفته نشوند، تکلیف بدون تعلق کمترین هزینه زندگی
به آنها از طرف UN در ترکیه را می‌شوند و در همان حال دفتر
سازمان ملل با توانی تر کردن مدت پاسخگویی به درخواست
پناهنده‌ها پاسپورتی که در شرایطی بسومی‌برند که توانایی
تامین هزینه زندگی در ترکیه را ندارند مشکل بزرگی برای
آنها ایجاد می‌نماید.

مقررات فوق‌الذکر دفتر سازمان ملل در ترکیه با توجه
به سفرهای اخیر سردمداران جمهوری اسلامی به این کشور و
زد و بندهائی که دولت ترکیه داشته‌اند و چشم‌پوشایی و
سکوت دفتر سازمان ملل نسبت به اخراجهای وحشیانه
پناهندگان ایرانی از سوی دولت ترکیه یار دیگر ماهیست
مجامع بین‌المللی به اصطلاح حامی حقوق بشر را با وضوح تمام
آشکار ساخته و همسوی محسوس سیاستهای دفتر سازمان ملل در ترکیه
با رژیمهای ترکیه و ایران را به اثبات میرساند، واقعیتی که
وظیفه اعتراض برعایه این سیاستها را با برجستگی بیشنوی
در مقابل شیروهای انقلابی قرار میدهد.

فراری خودداری می‌کنند، در این رابطه دفتر سازمان ملل
شروع بسته رسیدگی بسته پرونده‌های پناهنده‌گانی
نموده است که در مخالفت با جنگ ایران و عراق و از آنجاکه
نمی‌خواستند به مثابه نیروهای یکبار مصرف در مسلخ ایمن
جنگ لعنتی قربانی شوند از ایران گریخته و به ترکیه
آمده‌اند.

اخیرا یکی از مسئولان این سازمان بنام آقای نومان
طی سفرهائی به شهرهای مختلف ترکیه به پناهندگانی کسه
دارای "کیس سربازی هستند (کسانی که قبلا سرباز بودند) گفته
است: "ما شما را در زمان جنگ به عنوان پناهنده پذیرفته‌ایم
و حالا که جنگ خاتمه پیدا کرده است، دیگر کاری از دست
ما ساخته نیست چراکه کشورهای پناهنده پذیر از پذیرش شماها
امتناع می‌ورزند و انتظار شما در اینجا ممکن است ۴ تا ۵
سال طول بیاورد".

مسئولان سازمان ملل در شرایطی جنسی
سخنائی را بر زبان رانده‌به اتخاذ سیاست جدید در مورد
بخشی از پناهندگان پرداخته‌اند، که بخوبی میدانند بر خورد
جمهوری اسلامی با کسانی که به جردلیل از زیر سلطه ایمن
رژیم به خارج گریخته‌اند چگونه است، آنها بخوبی می‌دانند
که اگر جنگ هم پایان یافته است اما جمهوری اسلامی رژیم
است که برای فرار از سربازی نیز محازات اعدام قائل
گردیده است. پس ایجاد تضحیقات در مورد کسانی که به علت
فرار از سربازی و جنگ آنها جنگی که ۸ سال تمسأ م‌آدامه
داشته است و آنها طی این مدت به سازمان ملل پناهنده
شده‌اند چه مفهومی جز این دارد که این پناهنده‌ها را در شرایطی
قرار دهند که علیرغم خواست خویش و با اجبار خود را تسلیم

گرامی با ذخیره رفقای شهیدی که در تپه‌های اوین بدست جلادان شاه مزدور اعدام شدند



حسن ضیائی



محمدجوینزاده



امیر سورش



امیر خاتمی



مهدی خاتمی (مهدی کلانتری)



امیر سورش



امیر خاتمی



کیهان
شماره ۲۸ اسفند ۱۳۴۷

اطلاعات - چهارشنبه سوم اسفند ۱۳۴۷ رطب ۱

عکس سال

خود را بسج کنید و... جلوی گرفتاریهای
بگیرید نه... در هر کشور
- یعنی رطبها را که خریدند. منع
رطب بفرمایند.

کیهان - ۲۸ اسفند ۶۷

جدول قیمت کالاها

با آخرین تغییرات

کالا	قیمت	توضیحات
شیر	۲۰۰۰	برای هر لیتر
کره	۱۸۰۰	برای هر پونز
سنگ	۱۷۰۰	برای هر کیلو
سبزی	۱۶۰۰	برای هر کیلو
مغز	۱۵۰۰	برای هر کیلو
حبوبات	۱۴۰۰	برای هر کیلو
برنج	۱۳۰۰	برای هر کیلو
گندم	۱۲۰۰	برای هر کیلو
قند	۱۱۰۰	برای هر کیلو
شکر	۱۰۰۰	برای هر کیلو
نمک	۹۰۰	برای هر کیلو
آرد	۸۰۰	برای هر کیلو
روغن	۷۰۰	برای هر کیلو
صابون	۶۰۰	برای هر کیلو
پنبه	۵۰۰	برای هر کیلو
پشم	۴۰۰	برای هر کیلو
پارچه	۳۰۰	برای هر کیلو
کفش	۲۰۰	برای هر جفت
کلاه	۱۰۰	برای هر عدد

کیهان - ۱۴ اسفند ۶۷

ارومیه قطع شد

اتکشت دست

ارومیه - خبرنگار کیهان:
حکم قطع اتکشت دست
سارق در ارومیه در ملاع عیام
اجرا شد.
سارق که از روز بازارده نام
دارد به انجام ۳۷ فقره سرقت
در سال ۱۳۵۲ تاکنون اعتراف
کرده است.
حکم صادره روز شنبه در
جنوب ارومیه مردم در یکی از
میله‌های شهر به مرحله اجرا
برآمد.
یگانه یکی از مسئولین
نظامی ارومیه وی هنوز بعد
از ایلان حکم صادره از کرده
خوبش پشیمان نشده بود و
اظهار مرادش با دست دیگر
بود به سرقت‌خواهد پرداخت.

سازمان تعاون

سازمان تعاون
فروردین ۶۸

۲ تن از کارکنان بنیاد مسکن گرمسار به اتهام اختلاس و سوء استفاده دستگیر شدند

اطلاعات

توسعه ۲۸ فروردین
به اتهام اختلاس در بنیاد مسکن
سوء استفاده
چند تن از مدیران و کارکنان
کارخانجات صنعتی شهید باهنر بندر
ترکمن به اتهام سوء استفاده
دستگیر شدند

کیهان - ۲۳ اسفند ۶۷
در پی کمک خیر خواهانه یک مرد خیر
پرواحت ودیعه بیمارستان مانع از قطع شدن پای
یک مصدوم گردید
هر گی تهران!

کیهان - ۱۷ اسفند ۶۷
پژوهشگرهای تهران اعلام کردند که حرکت شهر
تهران توسط معرکه فسیلشنی است - جراید امروز -

اطلاعات

دوشنبه بیست و دوم اسفند ۱۳۶۷ از تولید به مصرف

باگر مبلغ بسیار کمی به شکر، تخم مرغ و یا گوشت اضافه شده، این حمایت از تولید کننده است که متأسفانه تاکنون نداشتیم و همیشه از مصرف کننده حمایت می‌کردیم (۱).

- ضمیمه موافق
 (در بحث بودجه)

- کار بسیار باقیمانده می‌فرمائید. این مصرف کننده‌ها بسته مورد حمایت واقع شده و احساس را به خرج آوران خریدار بودند هم‌روشان زیاد شده بودیم حقوقشان روی دستشان می‌ماند نوبتی هم باشد بودت حمایت از تولید کنندگان بود که متأسفانه تاکنون نداشتیم و خوشبختانه فرار شده از این به بعد داشته باشیم!

مکاتبات

مجلس

دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۸
 نماینده شماره آنکه به عنوان یک استفاده به قانون جدید تعزیرات کت: لازم بود اجرای این قانون را به دست یک مرجع، یعنی دادسراها زوده گانهایی انقلاب اسلامی می‌دادند. بطور خاص، شاید بیش از ۹۰ درصد ریشه‌های گران و گران‌فروشی به شرکتهای پخشها و پخشهای دولتی برمی‌گردد.
 روی افزود: پای کارخانه روغن نباتی ۱۰۰۰ تن روغن نباتی را کار می‌پوش از ۱۲۰ تومان به یک نفر که معلوم نیست کی است و نادر انتظایش چه معیارهایی در نظر گرفته شده است. عرضه می‌کند و بعد همین روغن در بازار آزاد به قیمت هر کیلو ۱۸۰ و ۲۰۰ تومان به فروش می‌رسد. یعنی در یک مورد، ملاحظه می‌کنیم سود کلانی تا ۸۰ میلیون تومان نصیب دلال و واسطه می‌شود.

اطلاعات

اسناد "کوچک" دیگری از جنایات "بزرگ" جمهوری اسلامی کودکان بیگناهی که والدینشان به خاطر معائب بیشمار و توانفرسای اجتماعی، به خاطر فقر و فلاکت کمبود و گسوانی و بیکاری... توانایی نگهداری آنها را ندارند دورها ایشان ساخته اند. از این نمونه‌ها در جمهوری اسلامی ضد خلقی بسیارند

پدر و مادر به گناهین گناه‌رهایی



در تاریخ ۱۷/۷/۶۷ دختر سجاد حدوداً یکساله به نام حضرت در پیشت پنجره قفله حضرت رخاها گردیده است. از کسانی که از نامبرده و یا از خانواده وی اطلاعی در دست دارید خواهشمندیم با شماره تلفن ۲۸۳۳۶۲ و یا با صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۳۶۲ تهران تماس بگیرید. ش ۲۸۷۱



پدر و مادر نیازمند آموزش گرم شما هستیم
 در تاریخ ۱۷/۱۰/۶۷ دختر سجاد حدوداً یک ساله به نام سحر شادی از طریق خادمای سبزوین و سبزه شهر خورگه مشهد منتقل گردیده است از کسانی که از نامبرده و یا از خانواده وی اطلاعی در دست دارید خواهشمندیم با شماره تلفن ۲۸۳۳۶۲ و یا صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۳۶۲ تهران تماس بگیرید.



آقوش گرم خانواده‌م کامیست؟
 در تاریخ ۱۵/۱۰/۶۷ دختر سجاد حدوداً دو ساله به نام سحر در داخل چنین جرم مظهر امام زمان(عج) میگردد از کسانی که از نامبرده و یا از خانواده وی اطلاعی در دست دارید خواهشمندیم با شماره تلفن ۲۸۳۳۶۲ و یا با صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۳۶۲ تهران تماس بگیرید. ش ۲۸۷۱



ظلم و ستم گستر گسود گاهم را شکست
 در تاریخ ۱۳/۱۱/۶۷ دختر سجاد حدوداً سه ساله به نام سحر به اتفاق برادر ۵ سالگی به نام حمید به نام قوت‌الدین به شهر خورگه مشهد سرود شد از کسانی که از نامبرده و یا از خانواده وی اطلاعی در دست دارید خواهشمندیم با شماره تلفن ۲۸۳۳۶۲ و یا با صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۳۶۲ تهران تماس بگیرید.

گزیده هائیک از رادیو صداک چریکها

اعدام برخی فرماندهان ارتش امپریالیستی،

نمادی از بهران امپریالیستی و رشد

تضادهای درونی رژیم

۶۸/۱/۲۷

وعده و وعیدهای توخالی

خمینی در سال نو

۶۸/۱/۲۳

اعتراف به اوضاع نابسامان

اقتصادی

۶۸/۱/۲۷

روزنامه کیهان هوایی رژیم در یکی از شماره‌های اخیر خود به تداوم بحران نظام سرمایه‌داری وابسته میهنمان و رشد روزافزون آن، به مثابه انعکاس و بازتابی از بحران دائم‌التزاید سرمایه‌داری جهانی اشاره نموده و پس از ست و پا زدنهای مذبحخانه با زبان بی‌زبانی اعتراف می‌نماید که اگر به وضعیت اقتصاد بحران زده رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی رسیدگی نشود و یا اگر سردمداران مزدور رژیم شل بجنبند حاکمیت جمهوری اسلامی بنست توانای خلقهای زرمزنده ماسرنگون خواهد شد.

این روزنامه طی مقاله‌ای با عنوان "اقتصاد بیمار کشور را چگونه درمان کنیم"، در اشاره به اقتصاد ورشکسته رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که طی ۱۱ سال گذشته مردم برابعد و خامت بار آن افزوده شده و با اشاره به تاثیرات مخرب بحران‌های اقتصادی که بار آن همواره بر نوبت زحمتکشان سرعکس گردیده، در شرایطی که این وضعیت با زور و سرنیزه و سرکوب‌های وحشیانه رژیم توأم بوده و باعث گردیده که حاکمین وقت در انمان توده‌های مبارز و آگاه ما

در صفحه ۳۱

روز گذشته خمینی مزدور دومیسن پیام خویش را در سال جدید و آن هم خطاب به مهاجرین جنگی صادر نمود. اولین نکته‌ای که در این مورد قابل توجه است فعال شدن شخص خمینی مزدور طی دوسه ماه اخیر و مانع کردن پیامهای مختلف به مناسبت‌های گوناگون می‌باشد. بی‌شک حضور خمینی بدینگونه در عرصه سیاسی قبل از هر چیز بیانگر ضعف و ناتوانی و اوضاع وخامت بار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی می‌باشد. اوضاع وخامت‌باری که ضروری ساخته تا خمینی مزدور به عنوان فرمانده کل در اس تمامی سگهای زنجیری امپریالیسم افسار بقیسه را در دست گرفته و آنان را در چهارچوب منقض‌سیاستهای معین شده امپریالیستی بر حسب موقعیت کنونی در جهت مطلوب اربابان امپریالیست هدایت نمایند. و همچنین نقش کنترلی فعالتری در نواهای گرگها و جناحهای ترونی جمهوری اسلامی ایفا کند. پیام روز گذشته خمینی مزدور خطاب به مهاجرین جنگی و به بیان دقیقتر خطاب به میلیونها کارگر و زحمتکش بود که بر اثر تداوم چندین ساله جنگ امپریالیستی، آواره روستاها و شهرهای

در صفحه ۳۵

اوج گیری تضادهای ترونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی طی ماهها و هفته‌های اخیر به چنان حدی رسیده است که دولتمردان وابسته به امپریالیسم حاکم برای رسیدگی به اوضاع پهنه‌تنگ و معضلات نظام سرمایه‌داری وابسته و هیات حاکمه خود که از یکسو نمایانگر تشدید بحران دائم‌التزاید نظام سرمایه‌داری جهانی و از سوی دیگر نشان‌دهنده رشد و گسترش مبارزات خلقهای بجان آمده است، مجبور شده‌اند به تصفیه‌های خونینی در میان مزدوران خویش دست بزنند. همان گونه که توده‌های مبارز ما می‌دانند موج اخیر رشد تضادهای ترونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که اخیرا باعث حذف و عزل مزدوران عمده‌دار و بی‌عنامه رژیم از منتظری‌ابله‌ولیمهد خمینی مزدور گرفته تا لاریجانی و محلاتی شده، طی روزهای گذشته، در سرگیریهای نجف‌آباد به چنان حدی رسید که سران حاکم برای حفظ مصالح نظام، مجبور به ریختن خون عناصر و مزدوران خود که تا دیروز در اجرای سیاستهای امپریالیستی و سرکوب و غارت روزافزون توده‌های ستمدیده میهنمان نستشان با یکدیگر در

◀

درماندگی امپریالیستها و جناحهای متعارض رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در پیشبرد امور حاکمیت ضد خلقی خبر میدهد.

بدنبال حذف و تصفیه عناصر و کارگزاران رژیم اخبار منتشره حاکی از آنست که فرمانده کمیته فارس و فرمانده کمیته ساوجبلاغ و فرمانده کمیته سرکوبگر گرمسار نیز از سمتهای ضد خلقی خود عزل گردیده و عناصر مزدور و جنایتکار دیگری به جای آنها گمارده شده اند. روند عزل و نصبها، اعدامها و قلع و قمعهای اخیر در دم و دستگاه حکومتی رژیم که انعکاسی از تنشها و اوضاع بی و خرامت بار رژیم ضد خلقی و وابسته جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستی است یکبار دیگر صحت این ادعا را نشان میدهد که هر قدر سلسله امپریالیستی و نظام استثمارگر سرمایه داری وابسته به پرتگاه سقوط و نابودی نزدیکتر شده و از طرف توده های کارگر و زحمتکش و مبارز و بجان آمده ها می رود که مورد تهدیدات جدی قرار بگیرد، سگان زنجیری امپریالیسم به جان یکدیگر افتاده و برای جلوگیری از تهدید منافع کل نظام از ریختن خون یکدیگر نیز ابائی نداشته و ندارند.

آنچه که در اوضاع آشفته کنونی برای امپریالیستها و دولتمردان رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی مهم میباشد حراست از منافع غارتگرانه امپریالیستها یعنی حفظ نظام غارتگر سرمایه داری وابسته و تمام دم و دستگاههای سرکوبگر امپریالیستی در میهنمان میباشد و از اینرو آنها شدیداً مواظبند که سیاستها و به خطا در پیش گرفته نشود که در پیسن برای گسترش مبارزات در پائین و در پیسن محرکین انقلاب بنیان کن رها نشود یعنی

سرکوبگر و وابسته به امپریالیسم رژیم جمهوری اسلامی قربانی گردیده اند. البته همانگونه که در اخبار امروز صدای چریکها نیز شنیدید اعدام فرماندهان رده بالای ارتش امپریالیستی رابطه مستقیم با کودتائی دارد که قرار بود در نخستین روزهای سال نو بر علیه بخشی از حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی انجام شود. در ضمن شنیده شده که گویا رفسنجانی مزدور از وقوع چنین کودتائی اطلاع نداشته و قرار بوده که حمایت خویش را از آن اعلام کند. ولی پس از کشف قضیه و اعدامها و تصفیه های خونینی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در همین رابطه در بعضی از سطوح ارتش امپریالیستی و کمیته های ضد خلقی و سایر زواید سرکوبگر ارتش در روزهای اخیر صورت داده، او پای خود را از قضیه بیرون کشیده و هرگونه ارتباط خویش را با آن منکر شده است. گر چه در جریان اعدامها و تصفیه های اخیر بطور پراکنده از سوی بوقهای تبلیغاتی امپریالیستی برای توجیه قضایای اخیر به متمسک های پوشارینی همچون ارتباط مددومان ضد خلقی با بیگانگان و غیره توسل جسته شد، ولی برخلاف چنین ادعاهای عوام فریبانه ای روشن است که در نرجه اول و پیش از هر چیز تحولات فوق مشخصاً در چارچوب رشد بحران اقتصادی سیاسی مرگبار امپریالیستی و انعکاس مستقیم آن در هیئت حاکمه جمهوری اسلامی قابل تبیین است. و اگر مجموعه تضادهای نارونده های امپریالیستی و مزدورانشان در چگونگی مهار و تخفیف این بحران در میهن تحت سلطه ما امروزه به چنین شکل حاد و خونینی ارتقا پیدا کرده است، این امر بیانگر عمق و ژرفای هولناک بحران و تضادهای مزبور بوده و از فلاکت و

یک کاسه بوده شده اند. در ادامه این درگیریها اخبار منتشره حاکی از آنست که هیات حاکمه امپریالیستی جمهوری اسلامی که بحران سراپای وجود کثیف و پوسیده اش را فرا گرفته است، عاجز و ناتوان از سروسامان دادن به وضعیت بی و خرامت بار خویش و باز هم مذبح خانه دست به کشتار برخی دیگر از مزدوران شناخته شده در دم و دستگاههای سرکوبگر و ضد خلقی سیستم زده اند. قربانیان این بشار مخاصمات درونی رژیم مغلوک و درمانده خمینی، ۳ تن از فرماندهان ارتش امپریالیستی در نیروی دریائی سرکوبگرش می باشند. در جریان کشفها و تلافیهای درونی رژیم فاسد گردیده است که سگان هار و زنجیری حاکم میانرت به اعدام ۳ تن از فرماندهان سرکوبگر و ضد خلقی رژیمشان در نیروی دریائی نموده اند. ضد خلقیون معدوم که تا دیروز عمربان و همگام با سران و مزدوران حاکم دستگاه تا مرفق به خون توده های کارگر و زحمتکش و فرزندان انقلابی شان آلوده بوده امروزه در طی رشد اختلافات درونی و بدنبال حذف و تصفیه های خونین رژیم ضد انقلابی و وابسته جمهوری اسلامی گفته و به ترک واصل می شوند. در این رابطه اخبار منتشره از اعدام دریا دار کیانوش حکیمی رئیس ارتباطات نیروی دریائی سرکوبگر رژیم و عهده دار عملیات مشترک نیروی ضد خلقی دریائی با نیروی هوائی سرکوبگر غیر می دهد. همچنین دریا دار ملک زاده مزدور نماینده نیروی دریائی در دفتر رئیس کل قوای ضد خلقی رژیم و دریا دار ریاحی مسئول واحدهای ضربت هواپرد از دیگر فرماندهان نیروی سرکوبگر دریائی رژیم در تهران و بندرعباس می باشند که در طی درگیریها و مخاصمات درونی سران

توده‌های کارگر و زحمتکش ما مساعد نماید. همانطور که در رابطه با تحولات اخیر اشاره کرده‌ایم در پی رشد بحران و نابسامانیهای نظام امپریالیستی حاکم و بویژه پس از آتش‌بس در جنگ امپریالیستی ایران و عراق، امرچگونگی هدایت نظام سرمایه‌داری وابسته ایران که غرق در بحران و مشکلات فراوانی است معضل اصلی امپریالیستها و مزدورانشان در هیئت حاکمه میباشد. در این رابطه است که جناحهای متعارض نرون حاکمیت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی راه‌حلهای متضاد و مختلف امپریالیستی برای ادامه رتق و فتق اوضاع و امور ارائه میکنند. رقابت و کشمکش بی‌پایان این راه‌حلهای که بنوبه خود بر رونق بحران مرگبار امپریالیستی تأثیر می‌گذارد و در عرصه‌های متفاوتی و از جمله در چگونگی مهار و تخفیف بحران اقتصادی و سیاسی رژیم مفلوک جمهوری اسلامی و همچنین چگونگی پیشبرد امر سرکوب جنبش انقلابی توده‌های ستمدیده و بردن سهم بیشتری از سترنج چپاول‌شده کارگران و زحمتکشان ما و غیره تجلی یافته است. مجموعه این اوضاع رژیم را در چنان مخممه‌ای قرار داده که همانطوریکه توده‌های ما شاهدند دولتمردان حاکم بطور کم سابقه‌ای در طول ماههای اخیر به هر عملی بر علیه یکدیگر دست می‌زنند. از افشاگریهای جناحهای متفاوت هیئت حاکمه در مساجد و سخنرانی‌هایشان در مجلس و نماز جمعه گرفته تا حذف و کنار گذاردن مزدوران مختلف و حتی مثل نمونه‌های اخیر اعدام و کشتار و عسول

فرماندهان و عناصر دست‌اول رژیم. همگی این اعمال در چارچوب فوق قابسل ترک میباشد. امروزه اگر میبینیم که تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبه نیروی دریائی رژیم ظاهراً در پی کشف کودتائی اعدام‌میکردنده اگر مشاهده میکنیم که منتظری ابله که تا نیروز نورچشم و ولیعهد سفید خمینی جلاد بود و یا مهدی‌هاشمی ها و محلاتی ها و لاریجانی‌ها تیکه مبلغ و پیش‌برنده سیاستهای امپریالیستی رژیم جنایتکار و وابسته جمهوری اسلامی بودند، امروزه عزل‌حذف و... گاه‌ا اعدام می‌گردند، اینها همه بر اثر رشد بحران گریبانگیر نظام امپریالیستی و حدت‌یابی کشمکشها و تضادهای نرونی دولتمردان ضد خلقی رژیم میباشد.

در این بین بهمان نکته دیگری نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گرچه بوقهای ضد خلقی رژیم بنا بر مصالح نظام و اوضاع بغرنج کنونی هنوز هیچ پاسخی به شایعات مربوط به کودتای اخیر و دست داشتن رفسنجانی مودور بر آن نکرده‌اند اما در رابطه با اعدام اخیر سه تن از فرماندهان نیروی ضد خلقی و سرکوبگر دریائی رژیم یعنی حکیمی، ریاحی و ملک‌زاده از فرماندهان ضد خلقی نیروی دریائی رسانه‌های خبری امپریالیستی و همچنین بلندگوهای نیروی غیراکنی رژیم به شکلی مبنا برت به پخش این خبر نموده‌اند که گویا معدومین به خاطر ایجاد شبکه‌ها و محافل از افسران ارتش که طرفدار غرب میباشدند به سزای خود رسیده و معدوم شده‌اند.

رسانه‌های خبری امپریالیستی بنا به

پیش‌پسوی تشکیل ارتش خلق

ارتش امپریالیستی نیز اعدام می‌گردند جنایتکارانه یاد شده که جوهرش تحمیل همانطوریکه گفته شده آنرا بایسد در فقر و مسکنت و تشدید سرکوب‌توده‌های چارچوب رشد اختلافات و کوششهای راه‌حلهای مبارز و آگاه ما و چگونگی حفظ و حراست امپریالیستی برای ادامه بقا و حیات از مناسبات استثمارگرانه حاکم در سلطه امپریالیستها و سگان زنجیریشان مینمان می‌باشد مورد بررسی قرار در ایران که به منظور غارت و سرکوب دهند؛ و ارا بیف و لجن پراکنی‌های هرچه افزونتر توده‌های محروم و ستم‌کشیده رسانه‌ها و بوی‌های تبلیغاتی دولتی ما صورت می‌گیرد مد نظر داشت. و اگر امپریالیستی و رژیم مزدور جمهوری امروزه سران جنایتکار رژیم ضد خلقی اسلامی تنها به این کار می‌آیند که جمهوری اسلامی برای لایق‌نشانی ماهیت وابسته رژیمشان و همچنین پنهان نمودن اهداف واقعی کشمکشها و اقدامات کنونی-شان به اعدام برخی فرماندهان مزدور ارتش امپریالیستی با مارک نمک‌سرات و کمونیست و یا اینکه آنها سعی در گرفتن تماس با شیطانهای کوچک و بزرگ یعنی امپریالیستهایی که در واقع اربابان و فرشته‌های نجات جمهوری اسلامی می‌باشند و رژیم حافظ آن و همچنین ارتش سرکوبگر دست می‌زنند، توده‌های آگاه و مبارز ما باید همچون گذشته تمامی تصفیه‌های نیروی اخیر رژیم را در راستای اهداف

آن یعنی جمهوری اسلامی را شناخته و با گوشت و پوست خود لمس کرده و می‌دانند که رژیم وابسته جمهوری اسلامی بعنوان سگان ناز به نوران رسیده این نظام امپریالیستی تنها با توسل به سرکوب و کشتار توده‌های زحمتکش مینمان توسط ارتش امپریالیستی و دیگر ارگانهای رنگارنگ سرکوب خود توانسته است سلطه شوم و سیاه اربابان امپریالیست را بر مینمان با برجا نگه دارد. امروزه کیست که نداند، ارتش دست سوار امپریالیستها در ایران، از بنسبت بوتیقت تا فرماندهان ضد خلقی این همچون حکیمی‌ها، ریاحی‌ها، ملک زاده‌ها، صیاد شیرازی‌ها، حنیف سعیدی‌ها و ملک زادگانها و غیره به امپریالیستها وابسته‌اند. پس اگر ما می‌بینیم که در جریان کشمکشها نیروی نظام بحران زده امپریالیستی و رژیم جنایت‌پیشه و وابسته جمهوری اسلامی عناصری از فرماندهان



اسلامی که توده‌های مبارز ما از جمله میلیونها کارگر و زحمتکش آواره شاهد عملکردهای ارتجاعی مربوط به آن بوده‌اند، همواره مملو از شمارهایی بود که انجام نداده و اعمالی که شعاری تر رابله بسا آن ناده شده است. مثلاً جمهوری اسلامی بارهای بار در رابله با بهیچود شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان و حل مشکلات و معضلات اجتماعی به بخش شمارهای دروغین مبارزت ورزیده، لیکن بسا هیچکدام از آنها نره‌ای هم که شده عمل ندموده است. اما به عوض طی سالهای گذشته بدون آنکه سخنی از سرکوب زحمتکشان به میان آورده تا امکان فراهم بوده و توان ضد انقلابی رژیم اجازه

داده است در سرکوب کارگران و زحمتکشان کوتاهی ننموده است. لذا بر اساس این تجربیات از پیش می‌توان قاطعانه این حکم را ناده که سخنان خمینی مزدور و وعده و وعینهای آن اساسا با وعده و وعینهای نمونه‌های مشابه که از سوی نوجه‌گانش ادا شده هیچگونه تفاوتی نداشته و ندارد. و همه آنها ریاکاری بیش نمی‌باشد که برای متوهم ساختن انان آوارگان جنگ سوره بیان آنها ضروری شده است. مشاهده روز زندگی زحمتکشان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بخصوص پس از برقراری آتش بس که قضا مملو از شمارهای دروغین بازسازی

وعده و وعیندهای توخالی

خمینی در سال نو

از صفحه ۲۷

مختلف مینموده‌اند، خمینی مزدور در پیام روز گذشته خویش پس از بیان سخنانی که آوارگان جنگی متحمل آن شده اند ریاکارانه عنوان کرد که: "انالله جمهوری اسلامی در آبنده‌ای نه چندان دور شهرها و روستاهای شما را بهتر از قبل در اختیار شما خواهد گذاشت. ولی باید خود بسد کمک مسئولان آمده و در نوسازی و مهیا سازی شهر و روستاهایتان آنان را یاری نمائید." پرونده چند ساله جمهوری



شده بوده، بیانگر آنست که ابعاد و خامت و فقر و محنتناک حاکم بر زندگی توده‌های ستم‌دیده تنها گسترده‌تر و شدیدتر از پیش شده است و در چنین شرایطی است که خمینی مزدور و قبحانه و با توسل به ریا وعده شهرها و روستاهای بهتر از قبیل را می‌دهد.

توده‌های مبارز ما در حالیکه به خوبی مشاهده می‌نمایند که تحت حاکمیت این رژیم ددمنش، اندک دارائیهای خود را نیز نره نره از دست داده و فقر و مسکنت بیشتری بر زندگی آنان حاکم می‌گردد، با شنیدن وعده‌های توخالی خمینی مزدور تنها نفرشان نسبت به این رژیم بیشتر خواهد شد. توده‌های آگاه و مبارز ما بخوبی دریافته‌اند که حتی اگر کوچکترین حرکتی به اسم مردم و یا به قول سران مزدور جمهوری اسلامی تحت عنوان "ستضعفین" آغاز گردد تنها کسانی که از آن خیر و برکتی نخواهند برد همانا محرومان می‌باشند و اساسا هر گونه عملکرد رژیم از دیدگاه مردم ستم‌دیده ما بحق بیانگر اعمال سیاستی ضد خلقی و عوام‌فریبانه است که تنها نتایج آن برای توده‌ها اخاذی و سرکوب و غیره در خدمت تامین منافع سرمایه‌داران وابسته ز الوصف است. همانطوریکه خمینی ضد خلق نیز در پیام اخیر خویش خطاب به آوارگان جنگی تاکید می‌کند که: "ولی باید خود (یعنی آوارگان جنگی) به کمک مسئولان آمده و در نوسازی و مهباسازی شهر و روستاها تان آنان را یاری نمائید." یاری رساندن به مسئولین در فرهنگ ز الوصفان جمهوری اسلامی هم یعنی تحمل اخاذی بیشتر از سوی توده‌های ستم‌دیده.

لذا توده‌های آگاه و مبارز ما و

آوارگان جنگی می‌بایست بدانند که وعده و وعیدهای بوج خمینی مزدور تنها در خدمت تخفیف مبارزات بحق آنان قرار داشته و این مزدور جنایتکار بدین نحو کوشیده است تا آهنگ مبارزات توده‌ها را برای رسیدن به خانه و کاشانه خود و سایر نیازمندیهای زندگانی‌شان کند نماید.

نظام حاکم و رژیم جمهوری اسلامی بنابه سگ زنجیری امپریالیستها باعث و بانی تمام مآائب بیشماری است که آوارگان جنگی رنج‌دیده ما طی سالیان پر درد و رنج گذشته متحمل شده‌اند.

لذا تامین احتیاجات زندگی آنها از جمله مسکن برعهده این نژخیمان ز الوصف می‌باشد. بنابراین باید به این رنج‌دیدگان بگوئیم شما ضمن اینک هوشیارانه برای رسیدن به اینگونه خواستهای خویش مبارزه می‌نمائید می‌بایست آگاه باشید که جمهوری اسلامی رژیم حامی سرمایه‌داران وابسته و کارگران و زحمتکشان و همه اقشار و طبقات خلق می‌باشند. بی‌شک‌هایی از بار مآائب و مشکلات و هزاران معضل اجتماعی که چون هیولای وحشتناکی بر زندگی شما جنگ انداخته و همچنین رسیدن به خواسته‌های عادلانه‌تان جدا از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و مناسبات ظالمانه حاکم بر جامعه نمی‌باشد. پس می‌بایست متحدانه در این راستا حرکت کرده و با گسترش اعتراضات خویش ضمن خنثی نمودن توطئه‌های رژیم ضد خلقی و خمینی مزدور ضربات کاری تری بر پیکر این جان‌نیان وارد آورید.



اعتراف به اوضاع نابسامان اقتصادی

از صفحه ۲۷

هرچه بیشتر مورد تنفر و انزجار قرار گیرند، می‌نویسد: "وقایع مصالعه کشور خودمان، تخریب همه جانبه کشور، اضمحلال فرهنگی، ورشکستگی اقتصادی، رکود صنایع و نابودی کشاورزی، حضور بیش از چندین میلیون نفر بیکار و افزایش صدها هزار به بیکاران سالهای قبل، تورم و افزایش سرسام آور قیمت‌ها، آیا حاصلی جز کاهش سریع تعداد معتقدین به انقلاب اسلامی و جدائی همراه آنرا داشته‌است؟" این روزنامه جیره‌خوار همچنین در ادامه اعترافات خود در رابطه با فروغین بودن وعده‌های رژیم مبنی بر از بین بردن بیکاری بعنوان یکی از دستاوردهای نظام سرمایه‌داری وابسته در میهنمان اضافه می‌کند که: "علیرغم تمامی وعده و وعیدهایی که در گذشته داده شده است، عملا نه تنها مشکل بیکاری رفع نشده بلکه چندین میلیون تن بر تعداد بیکاران افزوده شده‌است." اعترافات روزی نامه کیهان هوائی که بدون تردید بیانگر تمامی واقعیات موجود در مین تحسنت حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نمی‌باشد، بخوبی افشاگر چهره رژیم است که طی ۱۱ سال حاکمیت سیاه و ننگین‌اش با تحمیل فقر و مسکنت به توده‌ها، به بازسازی و ترمیم بنیادهای این نظام استثمارگرانه پرداخته تا بتواند هرچه بیشتر منافع سرمایه‌داران وابسته و اربابان امپریالیستش را تامین نماید.



یعنی ترمیم و بازسازی نظامی که برای زحمتکشان ارمغانی جز بیکاری و آوارگی، گرانی و تورم، سرکوب و استثمار، جنگ و آدمکشی و اعدام و شکنجه چیز دیگری در بر نداشته است.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که بعد از بقدرت رسیدنش توسط امپریالیستهای ساکن در جدید نظام سرمایه داری وابسته در میهنمان شده، بنا بر ماهیت ضد خلقی و وابسته اش از حل کوچکترین خواست توده ها و معضلات اجتماعی جاری در میهنمان عاجز می باشد و درست به خاطر همین ناتوانیش در حل مشکلات که بر اثر رشد بحران این نظام ستمگر هر دم بر ابعاد آن افزوده می گردد است که جواب توده های بیباخته ما را همواره با سرکوب عنان گسیخته و عربان می دهد و ضمن سرکوب و حذب توده ها به دادن وعده و وعیدهای کاذب نیز می پردازد. جالب اینجاست که این رژیم ددمنش در اوایل حاکمیت سیاهش به زحمتکشان ما می گفت که وضعیت و حاکمیت بار فعلی نتیجه ۵۰ سال حاکمیت دودمان پهلوی است و یکسبه حل نمی گردد و بسه منظور لاپوشانی ناتوانی خویش از حل مشکلات توده ها که هر دم بر ابعاد آن افزوده می گشت، جنایتکارانه از رنجبران می خواست که بیشتر کار بکنند و کمتر اعتراض کنند. صبر و متانت نداشته باشند و خزیلات فریبکارانه ای از این قبیل و یا اینکه با شروع جنگ امپریالیستی ایران و عراق، اوضاع کشنده و زجرآور اقتصادی دوران جنگ را با شرایط جنگی توجیه کرده و دغلاکارانه می گفت که: "اوضاع جنگی است و انشاء الله در شرایط بعد از جنگ همه چیز درست می شود." اکنون که جنگی در میان نیست و به اصطلاح دوران

بازسازی بعد از جنگ آغاز شده، رژیم برای پنهان نمودن ناتوانی اش در پاسخگویی به خواستهای برحق توده ها با مستمسک قرار دادن بازسازی، بازم به عوامفریبی های ضد خلقی خود ادامه می دهد تا فرصت های بیشتری را به منظور استثمار و غارت هرچه بیشتر توده های تحت ستم برای خود بوجود آورد و بتواند ضمن تشدید استثمار و غارت هرچه بیشتر دسترنج کارگران و توده های رنج دیده ما بر اوضاع وخیم اقتصادی خود و اربابان امپریالیست سر و سامانی بخشد. در همین رابطه است که رژیم ضد خلقی از زحمتکشان ما می خواهد کمتر توقع داشته باشند و در عوض بیشتر کار کنند، چرا که نظام استثمارگری که رژیم جمهوری اسلامی حافظ و سگ نگهبان آنست برای تأمین منافع سرمایه داران وابسته و اربابان امپریالیستشان اجبارا باید به تشدید استثمار و غارت توده ها ابعاد و حداثا کتری ببخشد. و از آنجایی که سراسر این نظام فاسد و پوسیده را بحرانی ژرف فرا گرفته و این بحران چون بختک بر تمامی پیکر گنبدیده نظام امپریالیستی و بالذبح بر جمهوری اسلامی سلطه افکنده است، باید با وحشیانه ترین دیکتاتوری ممکن این اقدامات و سیاستهای ضد خلقی عملی گردد. از اینرو اگر امروزه ما می بینیم که رژیم در جرایم و روزنامه های جیره خوار خود و یا در سخنرانیها و صحابه های سردمداران به اوضاع نابسامان و بحران زده اقتصادی خود اعتراف می نماید - که البته باید گفت رشد تضادهای ترونی نیز در این رابطه در حالت دارد - بدین منظور ضد خلقی است که ضمن اقرار به این وضعیت زمینده مقبولیت هرچه بیشتری را برای سرشکن

نمودن بار این بحران دائم التزایید و مداوم نظام استثمارگرانه سرمایه داری وابسته همچون گذشته بر دوش زحمتکشان بر آورده و در ابعاد وحشتناکتری فراهم آورد و از این طریق به اوضاع وخامتبار خود سر و سامانی بخشد.

ببینیم کیهان هوایی چگونه بسه اعتراف خود در رابطه با اوضاع فلاکتبار رژیم در حوزه اقتصاد اعتراف می کند: "اقتصاد کشور بیمار است، تورم وجود دارد، گرانی هست، کمبود درمان و پزشکی هست، کشاورزی دارد نابود می شود، صنایع در حالت رکود است و غیره." بدین ترتیب این روزی نامه جیره خوار بخشی از واقعیات هولناک اقتصادی جامعه را بدون اشاره به علت اصلی آنها یعنی سلطه رژیم غارتگر جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش بیان می کند تا تداوم وضع موجود را در انار توده های معترض امری طبیعی و مقبول جلوه دهد و از خشم آنها بر علیه مناسبات موجود بکاهد. علاوه بر این سردمداران رژیم نیک می دانند تداوم وضعیت فعلی که به معنای فقر و مسکنت روز افزون زحمتکشان است، هرچه بیشتر باعث تنفر و انزجار توده های مبارز ما نسبت به رژیم مزدور جمهوری اسلامی می گردد و ادامه این اوضاع که اساسا و در بخش عمده خود خارج از اراده سران دزد و استثمارگر رژیم می باشد، عواقب بس خطرناکی را برای حاکمیت در برداشته و خواهد داشت. و به همین منظور است که در رابطه با شرایط حساس کنونی و با اعتراف به شرایط بحرانی که جامعه ما را فرا گرفته و هرچه بیشتر رژیم منفور جمهوری اسلامی را به پرتگاه سقوط و نابودی نزدیکتر می نماید.

روزنامه کیهان هوائی می نویسد: "بایسد از هم اکنون زنگ خطر بصدت تواخته شوده زیرا اگر امروزه که اندک وقتی باقی مانده است به فکر چاره یافتن راه خروج از این بن بستى که بسرعت بسوى آن روانم، نباشیم، لحظه‌ای خواهد رسید که نیر است و نتیجه محتوم نهایی شکست انقلاب اسلامی است."

بله سردمداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی که بخوبی از میزان تنفر و انزجار کارگران و زحمتکشان ما که خود محصول سیاستهای ضد خلقی سرکوبگرانه آنان و تداوم حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته بمنابعه عامل تمامی اذیاب و مآثرات زندگی توده‌ها می‌باشده آگاهند و می‌دانند که در شرایط فعلی که در زندگی توده‌های مبارز ما بیشترین زمینه حرکت و اعتراض بر علیه حاکمیت امپریالیسم تر میهنمان

وجود دارده به دیگر همپالگهایشان همدار می‌نهند که باید زنگ خطر بشدت نواخته شوده چرا که این دوران سرنگونی حاکمیت ضد خلقی شان می‌باشده به قول معروف آتش آندتر شور شده که خان هم خبردار شده است. اما دیگر به قول خود ورق پاره کیهان هوائی نیر است. چرا که اگر سران رژیم ضد خلقی حاکم با این توطئه‌ها قصد فریب توده‌ها را به منظور حفظ و تداوم حاکمیت سیاهان دارند، توده‌های ما به خوبی دریافته‌اند که تمامی مآثرات حاکم بر زندگی زحمتکشان پایان نخواهد یافت مگر با نابودی نظام سرمایه داری وابسته جبار تر میهنمان و تمامی ستاندرکاران و مجربان آن و توده‌های زحمتکش ما با آگاهی به این امر است که رسیدن به این مهم را سرنگونی رژیم حافظ این نظام پوسیده یعنی جمهوری اسلامی می‌دانند و نیر

بست روزی که توده‌های زحمتکش ما بسر پیرانه‌های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی حاکمیت کارگران و زحمتکشان را برقرار نمایند و با رهبری طبقه کارگر قهرمانان برار، بیسته به تمامی مآثرات حاکم بر زندگی رنجبران و با بهره‌مندان پایان نهند. همان آرمانی که انقلاب رها توی بخش خلقهای قهرمان ما در طول سالیان متمادی تا بحال صدعا هزار شهید و زخمی نثار آن نموده است. همان آرمانی که هم اینک فرزندان آهنین عزم توده‌های ستم دیده ما با ایمان به تحقق آن بر زیر شکنجه‌های وحشیانه سگان زنجیری امپریالیسم مقاومت و مبارزه می‌کنند.



گرامی باد یاد شهدای نوروزهای خونین در کردستان

در تاریخ جنبش ضد امپریالیسم و دمکراتیک کارگران و خلقهای تحت ستم ایران در دهه اخیر، فروردین ماه یادآور نوروزهای خونین و بیانتگرانه تهاویر سیاه دیگری از چهره بی‌فایست جنایتکار و سرکوبگر رژیم وابسته بسه امپریالیسم جمهوری اسلامی بر علیه خلقهای محروم و بویژه خلق قهرمان کرد است. جنایتها و بیدادگریهای رژیم که درست از همان فردای به قدرت رسیدنش توسط امپریالیستها یورش همه جانبه و تبهکارانه‌ای را به مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم سازمان داد.

در اولین واقعه خونین، در تاریخ ۵ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بعنوان مزدور حدیسه امپریالیسم با ددمنشی خاص رژیمهای حیره‌خوار و سرکوبگر به مردم بیدفاع و بیگناه سنج یورش برده و با به شهادت رساندن تعدادی از اهالی مبارز این شهر دست خود را به رذالت و جنایتی

دیگر آلوده ساخت. یورش عنان گسیخته دیگر رژیم جمهوری اسلامی در ۳۰ فروردین همین سال، به سردمداری ماحسنی مزدور، مداح شناخته شده رژیم شاه بر علیه مردم بیگناه نطقه صورت گرفت و دهها تن از توده‌های بیگناه این شهر نیز توسط ایادی و دارودسته‌های قدره‌بند جمهوری اسلامی و تحت نظر این آخوند جنایتکار به خون غلبدند.

یکسال پس از این وقایع خونین، در چارچوب تشدید جنگ سیاسی و ضد خلقی‌ای که امپریالیسم و سگان زنجیریش بسوی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلق محروم و بی‌باخته کرد سازماندهی کرده بودند بار دیگر نوروز توده‌های محروم کردستان به خون نشست و در تاریخ ۵ فروردین سال ۵۹ در جریان یک عملیات وحشیانه دیگر، پاسداران حیره‌خوار ضمن یورش به روستای قلعه‌تان مه‌یاد، تعداد زیادی از اهالی بیدفاع این روستا از بین و مرد گرنشته تا کودک و پیر و جوان را قهاسی کرده و به رذیانه‌ترین وجهی از دم تیغ گذراندند و برگ دیگری را بسه

کارنامه ننگین و سراسر جنایت جمهوری اسلامی اضافه نمودند. سرانجام در آخرین روزهای فروردین ۵۹ یعنی ۲۹ فروردین ماه ۵۹ اوج قساوت و وحشیگری مزدوران حیره‌خوار امپریالیسم در سرکوب مبارزات حق طلبانه خلق کسرد بنمایش گذارده شد. در این روز سیاه خانیان جکمه‌لین امپریالیسم در ایران یعنی جمهوری اسلامی ضد خلقی بمدت ۲۸ روز بطور مداوم شهر سنج را توسط فانتومهای آمریکائی به وحشیانه‌ترین شکلی بمباران نمودند.

در سالگرد جنایتهای وحشیانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در کردستان یاد تمامی شهدای انقلابی خلق رزمنده کرد را گرامی میداریم و ایمان داریم که خلق بی‌باخته و دلیر کرد تا تحقق آرمان شهدای خویش در نوروزهای خونین در سنج و نطقه و قلعه‌تان و ... یعنی محو کامل نفوذ امپریالیسم از ایران و دستیابی به آزادی و حق تعیین سرنوشت از پای نخواهد نشست.



حمله به جاسوخانه جمهوری اسلامی در هلند

در تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۶۷ مطابق با ۷ فوریه سال میلادی جاری، و در حالیکه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با قتل عام و کشتار وحشیانه استیلا را کمونیست و مبارز خلق در شکنجهگاههای امپریالیستی خویش، دهمین سال حاکمیت منحوس را بر مبنی تحت سلطه مان جشن می گرفت، رفقای هوادار چریکهای فدائی خلق در هلند به همراه برخی دیگر از نیروها و حیوانات متروقی و مریز، در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی و سایر جنایات ضد خلقی جمهوری اسلامی اقدام به برپائی یک آکسیون تعرضی و افشاگرانه در این کشور کردند. رفقا در این آکسیون ضمن یک عمل متهورانه و انقلابی، با حمله به جاسوخانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در آله که تحت نام سفارت خانه در هلند مستقر شده است خساراتی به آن وارد آوردند.

در جریان این عمل انقلابی، رفقای هوادار سازمان و برخی دیگر از نیروها و حیوانات انقلابی ضمن نکستن پنجره های سفارت ضد خلقی ایران در آله هلند، و بر تپاختم مرغهای رنگی، دیوارهای سفارتخانه را حمله از شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی" به دو زبان فارسی و هلندی کردند. و پس از اجرای عملیات فوق با موفقیت محوطه سفارتخانه را ترک کردند.

پلیس امپریالیستی دولت هلند نیز مدتی پس از انجام این اقدام، وارد عمل شد و در خیابانهای اطراف سفارتخانه ضد خلقی جمهوری اسلامی، ۳ تن از رفقای عمل کننده را دستگیر نمود؛ که ۲ تن از آنها که ایرانی بودند بلافاصله آزاد و نفر سوم که اهل هلند بود بعد از مدتی رخصت شد.

این عمل تعرضی رفقای هوادار سازمان و سایر نیروهای انقلابی در هلند که در افشای چهره کریه رژیم جمهوری اسلامی انجام گرفت، بلافاصله انعکاس وسیعی از خود به جای گذارد و بسیاری از خبرگزاریها و رسانه های گروهی در چند کشور به پخش اخبار آن پرداختند.

بطور نمونه در روز ۷ فوریه یعنی روز برپائی آکسیون انقلابی فوق، رادیوی هلند در بخشهای مختلف خبری خود بین ساعتی ۸ صبح تا ۲ بعد از ظهر، اخباری از تعرض انقلابی به سفارتخانه ضد خلقی جمهوری اسلامی در آله را پخش کردند.

همچنین در همین روز تلویزیون هلند و شبکه تلویزیونی kabel nieuws در ساعتی ۵/۳۰ و ۷ و ۸ بعد از ظهر اخبار این اقدام انقلابی را به همراه تصاویر مربوط به آن پخش کردند.

علاوه بر این در روزهای ۷ و ۸ فوریه اخبار مربوط به تعرض قهرمانانه به سفارتخانه ضد خلقی جمهوری اسلامی در آله در بخش فارسی صدای اسرائیل و آمریکا نیز بدون اینکه اسمی از سازمانهای انقلابی آورده شود انعکاس یافت.

به جز اینها روزنامه های volkskrant و algemeer dagblad

فیلمی دیگر از جنبش خلق کرد

در کوشش جهت شناختن هرچه بیشتر مبارزات عادلانه خلق قهرمان کرد بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و انعکاس مبارزات و حماسه های این خلق دلاور و جنایات رژیم ضد خلقی حاکم فیلم دیگری (*) توسط چریکهای فدایی خلق ایران با همکاری هنرمند انقلابی "ارژنگ" تهیه گردیده این فیلم به منظور انعکاس حماسه مبارزات جاری در کردستان قهرمان در چارچوبی دمکراتیک ساخته شده و منعکس کننده فعالیت عمده نیروهای مبارز در کبیر در جنبش خلق کرد می باشد. در این فیلم بر اساس روند واقعی مبارزات خلق دلاور کرد، نشان داده شده است که چگونه پس از خروج نیروهای پیشمرگ از شهرها، این جنبش انقلابی منطق بر قانونمندیهای جنگ توده ای و ولولائی در مناطق روستائی کردستان تداوم یافت. این فیلم چگونگی شرکت روستائیان کردستان و پیشمرگان قهرمان این خلق در مبارزه مسلحانه عادلانه خود و ضربات جانگاہی که بر بیکر نیروهای جمهوری اسلامی وارد ساخته اند را منعکس نموده و گسترش این جنگ انقلابی را در ابعاد توده ای بمثابة رمز موفقیت و اساسی ترین دلیل تداوم چندین ساله جنبش دلاورانه خلق قهرمان کرد، نشان میدهد. تهیه فیلم مزبور علاوه بر شناسایی هرچه بیشتر مبارزات خلق قهرمان کرد، این هدف را دنبال می کرد که با مشاهده بخشی از تجربیات مبارزه مسلحانه خلقهای دلاور ایران تجربیات هرچه عینی تری نسبت به دستاوردهای عالیترین شکل مبارزه خلقها بر علیه دشمنان طبقاتیشان، از سوی نیروهای انقلابی و عناصر مبارز چه در ایران و چه در مناطق مختلف جهان کسب گردد. مدت نمایش این فیلم ۴۸ دقیقه است.

* - فیلمی که پیش از این ساخته شده کردستان، سنگرز آزادگان، نام دارد، که در آن جنایات سنگین رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جریان تحمیل جنگ خونینی به مردم قهرمان سنج در نوروز سال ۵۹ رزم و همچنین مقاومت دلاورانه این خلق قهرمان مبارز و پیشمرگان جان برکف در مقابل نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بصورت کاملاً هنرمندانه و با نشان دادن صحنه های زنده و مستند از وقایع تکان دهنده این جنگ، انعکاس یافته است. لازم به ذکر است فیلم کردستان سنگرز آزادگان تاکنون در تهران و در مناطق مختلف کردستان ایران و عراق و همچنین در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپائی نمایش داده شده است.

تعرض انقلابی، رفقای هوادار جریکهای فدائی خلق ایران و سایر نیروها و جریانهای انقلابی شرکت کننده در این آکسیون اقدام به انتشار یک بیانیه و یک قطعنامه هم نمودند که در زیر عینا نقل می‌شود.

نیز در روزها ۸ و ۷ فوریه جاری اخبار مربوط به حمله قهرمانانه رفقا به سفارتخانه ضد خلقی جمهوری اسلامی در لاهه را همراه با عکسهای مربوطه به چاپ رساندند.
شایان ذکر است که در توضیح و تشریح اهداف این



بیانیه

هموطنان مبارز، مردم آزاده هلند

در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی و حمام خونی که در خیابان رژیم جمهوری اسلامی در ایران پاره انداخته‌اند و برای انعکاس صدای مبارزات برحق خلقهای دربندمان پیروزه زندانیان سیاسی و خانواده‌های قهرمانشان ما هواداران سازمانها، گروههای انقلابی و مترقی در خارج از کشور صبح روز سه شنبه ۷ فوریه برابر با ۱۸ بهمن با حمله به سفارت جمهوری اسلامی در لاهه سعی در افتخار جنایات این رژیم در انظار جهانیان نمودیم.
ما این عمل را با توجه به اهدافی که از این آکسیون انتظار می‌رفت مثبت ارزیابی نموده و تساهل پایان دادن به کشتار زندانیان سیاسی و تودمهای دربندمان از پا نخواهیم نشست.

جاودان باد خاطره تابناک تمامی شهدای به خون خفته خلق
درود بیکران به زندانیان سیاسی قهرمان و خانواده‌هایشان
زندانی سیاسی آزاد بسایند گردد
سرتگون باد جمهوری اسلامی ایران
پیروز باد مبارزات خلقهای ایران به رهبری طبقه کارگر

هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) - هلند
هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - هلند
هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - هلند
هواداران آرمان - تضمین - هلند
جمعی از افراد انقلابی در هلند

قطعه نامه

همه بهمان میزان، مردم ملحد و ست جهان

- نظر به اینکه طی پنج ماه گذشته پس از قطع ملاقاتهای زندانیان سیاسی با خانواده هایشان، موج فزاینده‌تری سایه‌های از اعدام زندانیان سیاسی و زندانیهای قوهی و سلطان، رژیم فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی را فراگرفته است؛

- نظر به اینکه علاوه بر هزاران اعدام و حبس بی‌گناه، چنان دهها هزار زندانی سیاسی، این بهترین فرزندان خلق‌های ایران در خطر جدی اعدام قرار دارند؛

- نظر به اینکه خاتونهای قهرمان زندانیان سیاسی تنها بخاطر تقاضای دیدار با دلبندهانشان و اعتراض به اعدامهای اخیر مورد بدترین آزار و شکنجه‌های روحی و جسمی در حین دوران حبس جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند؛

- نظر به اینکه پس از آنکه پس از جنگ که منجر به کشتار بیش از ۱۰ میلیون انسان و خسارتی بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار شد، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با بازگرداندن نیروهای سرکوبگر خود به داخل کشور و افزایش موج دستگیریهایی گسترده در سطح جامعه و وحشتناک‌ترین جو ترور و اختطاق را دامن زده است؛

- و نظر به اینکه رژیم جمهوری اسلامی با شدت گرفتن زندانها و استفاده از اتاقهای گاز برای اعدام زندانیان و ایجاد گروههای دسته جمعی گویی سبقت را از فاشیستی‌ترین رژیمهای جهان برده است؛

ما هواداران سازمانها و گروههای انقلابی و قهرمانان باحلقه به جاسوسخانه جمهوری اسلامی بر آنیم که این رژیم و جنایاتش را در نظر جوانان افشا کنیم. در این راستا وظیفه همه نیروهای انقلابی در خارج و کشور است که همین نقطه مریزند و با نیروهای ضد انقلابی همچون حزب شده و اکثریت که خود در ایجاد پدیده زندانی سیاسی و سرکوب انقلابیون نقش داشته‌اند، با برپایی آکسیونهای تخریبی علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنند. بر حقوق خلقهای در زندان، بویژه زندانیان سیاسی و خانواده‌های قهرمانانشان را در خارج منعکس کنند. تیروهای انقلابی به تجربه دریا تعاند که ضد انقلاب حاکم قدرت ستاییم. باین دیگری جز توان قهر انقلابی را ندارند، تهری که بنا به طرحیستند فقط توسط خود ها و پیروانگانشان می‌تواند اجمال شود. پس دست و یگانه در دفاع از جان زندانیان سیاسی با خیریم و تا پیروزی انقلاب به رهبری طبقه کارگر رژیم را در خارج از کشور آمان ندهیم.

سرنگونی باد رژیم جمهوری اسلامی!

پیسروز بساد، مبارزتا خلقهای ایران به رهبری طبقه کارگر در راه دستیابی به قدرت!

زنده باد انقلاب - زنده باد سوسیالیسم!

زندانی سیاسی آزاد باید گسرد!

جانوران باد خاطره تابناک تمامی شهدا این که تا پای جان اینستادگی کرده و به شهادت رسیدند!

درود بیکران به زندانیان قهرمان و خانواده هایشان!

هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (انقلاب) - هلند

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - هلند

هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - هلند

هواداران آرمان مستضعفین - هلند

جمعی از افراد انقلابی در هلند
۱۸ - بهمن ۱۳۴۷

بیاد تمامی شهدای گمنام



قد رسای دار اگر در نبود ما
ز انبوه نعش مردم بیدار خم شود

یکدم گمان میرو که ز طغیان این خروش
موجی فرو نشیند و از خشم کم شود

اخبار و

گزارشهای خبری

بازهم غارت و اخاذی

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در پی غارت دسترنج توده‌ها هر روز به شیوه‌های جدیدی دست می‌یازد. نمونه‌های زیر بیانگر این واقعیت است: براساس مصوبات مجلس فدخلقی، رژیم قصد دارد از هر مسافری که به خارج کشور مسافرت می‌کند علاوه بر پول بلیط هواپیما و سایر منسارح مربوطه ۲۰ هزار تومان نیز اخاذی نماید. همچنین مبالغی از مسافری پروازهای داخلی گرفته خواهد شد.

مورد دیگر مربوط به اخاذی مبالغی از خریداران سیگار خارجی می‌باشد. در حالی که گرانی سیگار همچون سایر کالاها و ما یحتاج زندگی به گونه‌ای بیسابقه پیسداد می‌کند. بنا بر تصمیم مجلس فدخلقی شرکت دغانیات مکلف شده است به ازای هر نخ سیگار خارجی یک تومان اضافی از خریداران دریافت نماید. واضح است که بار اصلی این افزایش قیمت بر کوزه مصرف کنندگان سیگار سنگینی خواهد کرد.

براساس تصره‌ای دیگر از قوانین و مقررات مصوبه مجلس ارتجاع، شرکت گاز مکلف است هنگام موافکداری اشعاب جدید در تهران، هزار تومان و در شهرستانها پانصد تومان مردم را سرکیشه نماید.

"تداوم خریدهای تسلیحاتی رژیم"

رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی که بازسازی و ترمیم ارتش و سایر قوای سرکوبگر را در اولویت همه‌کارها و اقدامات خویش قرار داده است، گماکان مشغول خرید جنگ افزار از کشورهای خارجی و تقویت زرادخانه‌های خود می‌باشد. بدست انتشار خبر خرید تانک و سایر تسلیحات نظامی از کشورهای رومانی و چکسلواکی توسط رژیم جمهوری اسلامی و مرافندست این رژیم با تغییر خط تولید کارخانه تراکتورسازی سازه شده دیگر وسایل کشاورزی به تولید خودروهای زرهی، اکتسون روزنامه "الاتحاد" چاپ ابوظبی خبر میدهد که رژیم مزدور جمهوری اسلامی مقادیر فراوانی تسلیحات نظامی و از جمله چندین هواپیما نظامی و کشتی‌های جنگی از بحرارستان و لهستان خریداری کرده است. شایان ذکر است که در مورد این خریدهای تسلیحاتی که فقط گویای بخش کوچکی از خریدهای میلیاردها دلار و نجومی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است تاکنون هیچ خبر و آمار و ارقامی از طرف خود رژیم منتشر نشده است.

تظاهرات در منیریه و امیریه

مطابق اخبار منتشره پس از عزل منتظری ابله ریست و اتیویدی رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی و پس از تظاهرات خونین طرفداران ولیعهد معزول و درگیری با پاسداران رژیم در شهرهای نجف آباد، سمنان و شیراز، تظاهرات مشابهی هم در منیریه و امیریه تهران با مضمون طرفداری از منتظری ابله برگزار شده است.

مطابق همین اخبار تظاهرات کننده‌گان در نزدیک میدان راه آهن تهران شروع به سوادن شعارهای مرگ بر خمینی نموده‌اند ولی پیش از درگیری با پاسداران مزدور رژیم متفرق شده‌اند.

خودکشی کارگران اخراجی،

خودکشی کارگران در شهر

خودکشی بحثابه یکی از پیامدهای نکت بار سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران هر روز بعد تازه‌ای می‌باشد. به موازات رشد بحران‌های مرگبار امپریالیستی و با سرکشن شدن این بحران‌ها سوری کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های خلق که خود شانگر وابستگی عمیق جامعه ما در شئون مختلف به سیستم جهانی امپریالیستی استوار نیست زندگی برای توده‌های تحت سلطه ما چنان دشوار و طاقت‌فرسا گردیده است که هر روز در این میان گوشه جامعه شاهد خودکشی‌های دردناک می‌باشیم. وسعت این پدیده اسفبار بجدی است که گاه جلوه‌هایی از آن در روزنامه‌های حیره‌خوار رژیم نیز منعکس می‌گردد و با مزدوران جمهوری اسلامی خود به آن اعتراف می‌نمایند. اخبار زیر در این امر است.

در شانزدهمین سمینار مسئولان وزارت صنایع رژیم جمهوری اسلامی که در اهواز تشکیل شد، علی‌رهای عطسار معاونت جنگ وزارت صنایع گفت: "حدود ۲ سال پیش که بدلیل بحران ارزی تعدادی از صنایع به تعطیلی کشیده و از این نظر عسده‌ای از کارگران اخراج شدند، ما با عده‌ای از بیکارانی که مبادرت به خودکشی و خودسوزی کردند، مواجه شدیم."

خبرخشم انگیز دیگری که ورق پاره کیهان در مسورد خودکشی یکی از کارمندان شرکت مخابرات به نقل از یکی از همکاران او درج کرده است، حاکی است که نامبرده در روز حادثه از درماندگی و فقر شکایت می‌کرده است، کیهان نوشت که وصیتنامه کارمند خودکشی کرده در جیب وی کشف شده که در آن به ۲۰۰ هزار تومان بدهی و این که همسرش یک ماه پیش از حادثه بر اثر بیماری فوت کرده اشاره شده است. خبرنگاران دهه دیگری در رابطه با خودکشی در اشهر بیکاری و فقر، مربوط به فرد زحمتکشی است که پس از سه سال انتظار برای دریافت یک واکت بار بیکان که بتواند از آن

شده است.

ضمناً مزدوران فاسد و تشبکار حاکم "حد پوشش شرعی" را "بوشیده بودن تمام بدن جز قرص صورت و دستها تا مخ" اعلام کرده اند.

تظاهرات در دروازه دولت

در تاریخ ۱۷ فروردین ماه جاری محله دروازه دولت تهران شاهد تظاهرات توده های بحان آمده از مظالم رژیم وایسته به امیرالایسم جمهوری اسلامی برعلیه گرانسوزی بی حد و حصر بود. در طی این حرکت اعتراضی مردم ستم دیده با سردادن شعارهایی در رابطه با گرانسوزی خشم و نفرت خویش را از اوضاع دهشتناکی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برزندگی همه آحاد خلق و بخصوص برزندگی سخور و نمیر توده های زحمتکش حاکم نموده است اعلام داشتند. اگر چه محور این تظاهرات بر روی مسأله گرانسوزی بود ولی اخبار واصله حاکی است که مردم بر علیه رفسنجانی مزدور نیز که اغلب به تمسخر از او بعنـسـوان "اکبر شاه" نام میبرند شعارهایی داده اند. لازم به تذکیر است که در تاریخ فوق الذکر خبر برپایی چند تظاهرات در دیگر محله های تهران نیز شنیده میشد که از چند وجوه آن ها خبری در دست نیست.



اعدام زندانیان سیاسی مبارز توسط رژیم جنایتکار

اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی در اشکال و شیائسه خد همچنان ادامه دارد. گزارشی حاکی است که در ۱۷ آبان ماه گذشته رژیم ددمنش جمهوری اسلامی گروهی از زندانیان سیاسی زندان بندند را به جوخه های اعدام سپرده است. اعدام شدگان اغلب از پیشمرگان سابق خلق کرد بودند که توسط رژیم مزدور ترکیه به رژیم جمهوری اسلامی تحویل داده شده اند. با توجه به همکاریهای نزدیک دو دولت ضد خلقی ترکیه و ایستوران در زمینه های جاسوسی و امنیتی، دولت ترکیه تاکنون مدهاتسین از هموطنان آواره و پناهنجوی مادرت ترکیه را تحویل دژخیمان جمهوری اسلامی داده است که بسیاری از آنان بعد از شکنجه های وحشیانه توسط مزدوران جنایتکار جمهوری اسلامی به جوخه های اعدام سپرده شده اند.

طی ماد جاری نیز رژیم مزدور جمهوری اسلامی در چند مورد اقدام

بمثابه ممر درآمدی استفاده نماید، هنگامیکه مجددا پاسخ منفی وزارت صنایع سنگین را نسبت به تقاضای خود شنید با سرکشیدن یک شیشه سم در مقابل درب این وزارت خانه دست مو خودکشی زد. کیهان ۲۸ فروردین از قول این فرد زحمتکش نوشت: "قتیرزاده در حالی که از شدت درد بخود می بیجد ... اظهار داشت: پنج سال پیش شصت هزار تومان با پرداخت نزول قرض کردم تا بتوانم یک عدد وانت بار بیکان را که در قرعه کشی برنده شده بودم دریافت دارم، اما تاکنون مرا که بیکار هستم سردوانده اند و از تحویل این خودرو امسـی خودداری کرده اند."

پیرامون عزل منتظری ابله

اخبار دریافتی در مورد قضیه عزل منتظری ابله از پست وایسته در چهار جوب شدت یایی تفادهای درونی رژیم حاکی از آن است که چند روز پیش از اعلام رسمی خبر حذف ولیعهد ابله جمهوری اسلامی از سوی خمینی مزدور، ایادی رژیم مطابق یک طرح قبلی تمامی عکسهای او را از ادارات دولتی پائین کشیده بودند. همچنین همزمان با اعلام رسمی خبر عزل منتظری از رادیوی حیره خوار دولت... که او را تحت انلام خوانده بوده بلافاصله دارو دسته های مزدور رژیم به خیابانها ریخته و تمامی عکسها و تماویر ولیعهد مظلوم را از دیوارها محو ساختند.

"آئین نامه مبارزه با بدحجابی" و تشدید سرکوب توده های محروم

رژیم وایسته به امیرالایسم جمهوری اسلامی در چهار جوب تشدید اقدامات سرکوبگرانه خود بر علیه توده های ستم سوز مبادرت به تنظیم آئین نامه اجرائی ضد خلقی تحت عنوان "مبارزه با بدحجابی" کرده و عنوان نموده که از راه اول اردیبهشت ماه امسال به مورد اجرا خواهد گذارد.

طبق این طرح ضد خلقی که به آشکارا بر علیه آئین ترین حقوق طبیعی زنان محروم میهنمان تنظیم شده "زنانه گس" بدون حجاب شرعی در معاصر و انظار عمومی ظاهر شوئے به تعزیر تا ۷۴ ضربه شاق محکوم خواهند شد.

مطابق ماده ۴ آئین نامه سرکوبگرانه مزدور، منظم سوز از "پوشش اسلامی برای زنان کارمند دولت"، "مانتو و شلوار مدل ساده و کشاد و بلند"، از "پارچه ضخیم" است که در ضمن رنگهای سرمه ای، قهوه ای، طوسی و مشکی ارجح است.

ضمناً در ماده ۱ این آئین نامه ضد خلقی در پی اشاره "طبقه بندی و تعریف انواع بدحجابی" از جمله "بدحجابیهای مربوط به سر و تنه و پاها"، "بیرون بودن بخشی از سوز سر به صورت نمایشی و زننده" و "آرایش صورت" با استفاده از رژلب، سایه چشم و صورت "تحریک آمیز" و همچنین استفاده از "جورابهای توری و پانما بدون شلوار" و "شلوارهای کوتاه" جز موارد بدحجابی و قابل تعزیر تلقی

به اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی در زندان دیزل آباد کرمانشاه نموده است. همچنین دوخیمان ۸۰ تن از زندانیان سیاسی را در شهر اهواز اعدام نموده و جسد این شهیدان را در یک گور دسته جمعی در حد فاصل پیچ خوابی مجتمع ملی فولاد آن شهر و کرره ذوب ریخته‌گری شماره ۲ دفن کرده‌اند.

سردشت

در اولین روزهای سال جدید بمبئی قزو در پیلانگاه بمبئی شهر سردشت متحر شده این بمبئی نهجی گارگشتی شده بود که بیشتر به نکان ها و خانه‌های اطراف خسارت وارد نمود. از اینرو مردم شهر سردشت انفجار آنرا به نیروهای فد خلقی نسبت داده و اقدام به چنین بمب گذاریها زمین سازی برای تندید سرکوب بگری و بهینت بیشتر مردم بیگناه این شهر تلقی نمودند.

در پی تلاش‌های فد خلقی وسیع رژیم جمهوری اسلامی در اجرای سیاست کوم احساری اهالی زحمتکش روستا های کردستان ، اهالی بسیاری از روستا ها مرزی در سردشت و بیانه به بیانه جنگ امپریالیستی ایران و عراق از روستا های خود کوچ داده شدند ، اکنون پس از پذیرش زیوانانه قطع نامه ۵۹۸ از طرف رژیم جمهوری اسلامی که مردم این روستا ها مکررا تقاضای بازگشت به سرکار و زندگی در روستا های خود شده اند ، عمار رژیم با آن موافقت نمی کنند ، اهالی روستا های گالسه و هروزنه از حمله روستائیان زحمتکشی هستند که بدینسان خواستار بازگشت به روستا های خود میباشند . واقعیت آنست که کوشش مذکور رژیم در تخلیه روستا های کردستان از توده های ستمدیده عمدتا بدلیل قطع رابطه بین مردم و پیشمرگان خلق گرد صورت میگیرد که بدین وسیله میگویند مانع از رسیدن کمک های مادی و معنوی مردم مبارزه کردستان به پیشمرگان مسلح خلق گردند .

بدنیال تشدید تمادهای درونی دستگاه های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی که گها حتی به زرد خورد های مسجانه نیز انجاعیده است ، اختلافات بین ارتش و سپاه فد خلقی که در امر سرکوب ، مقابله با جنبش خلقیای قهرمان ما و ستمنامه خلق داور گرد همواره چون تنی واحد برده میباشند اوج تازه ای بخود گرفته است . اخبار واصله از کردستان حاکی است که وجود این اختلافات باعث گردیده که هر یک از ارگانهای سرکوب و فرقی ، اوراق و احکام صادره از طرف دیگری را فاقد اعتبار بنامند . بطوری که فی السبل برکه رفت و آمد قرارگاه فد خلقی حمزه در نزد بستهای بازرسی قرارگاه زندان فاقد اعتبار تلقی میگردند که خود باعث ایجاد اختلافی در روند اجرای وظایف فد خلقی محوله به هر یک از این ارگان های سرکوبگر گشته است .

مهاباد

تزدیک به دو ماه است که اهالی شهرستان مهاباد با کمبود آب آشامیدنی روبرو بوده و در اکثر محلات شهر کمبود و قطع آب مستمر ادامه داشته است . روشن است که

کمبود آب سبب زود روزی که فعل گرما فرامیرسد . عسوارض نامطلوب بزندگی مردم ز مسکن داشته و باعث افزایش بیماریهای عفونی و بالا رفتن میزان مرگ و میر در میان کودکان آنان می گردد .

اخبار واصله از کردستان قهرمان ، از گرانسی سرسام آور ایزاق عمومی مردم رنجیده این غلظه خبر می دهد چنانچه بهای یک کیلو شکر در شهرهای کردستان به ۴۰۰ تومان افزایش یافته است . این امر به اوضاع و احوال زیارت زندگی زحمتکشان این استان هر چه بیشتر افزیده است .

از دیگر اقلام نیازمندیهای زندگی مردم مبارز کردستان که قسمت آن ها نسبت به ماههای گذشته رشد چشمگیری داشته است ، روغن نباتی میباشد که بهای یک قوطی ۵ کیلویی آن تا ۱۴۵۰ تومان افزایش داشته است .

پیرانشهر

بنابه اخبار منتشره رژیم غارتگر جمهوری اسلامی در ادامه اخاذیهای خود از دستخوش توده های ستمکش ماقصدهد دارد مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از کیمه و مسجانه داران پیرانشهر برای حمایت از رژیم غارتگر این ناحیه گیری را اخذ مالیات (۹۱) از مردم دگر کرده اند .

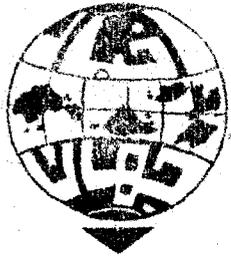
پیش از این (در دیماه گذشته) مزدوران در بخش های "اجان" ، "پیران" و "سری مرگان" شهرستان پیرانشهر به بیانه تهیه امکانات برای بخشداری از هر خانواده مبلغ صد تومان با جگری نموده اند .

در اسفند ماه گذشته نیز شورا های دست ساز رژیم در روستا های بخش پیران این شهرستان به بیانه بوج تکمیل ساختمان شرکت تعاونی ، از هر خانوار صد تومان اخذی کرده اند .

اعمال فشار بر روی توده های قهرمان کردستان جهت گرفتن سلاح رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و ایستادن در برابر پیشمرگان خلق کرد همچنان ادامه داشته و هر روز شدیدتر و شام با تشدیدهای ارتجاعی تری می گردد . در این رابطه چند ماهی است که نیروهای جبارتکار ، روستائیان مناطق پیرانشهر و سردشت را برای سلاح شدن تحت فشار قرار داده اند و لسی اهالی مبارز روستا ها علیرغم اینکه شدیداً مورد تیرید قرار گرفته اند که در صورت عدم مسلح شدن و خود را در اختیار رژیم قرار دادن ، روستا های شان ویران خواهد شد ، تسلیم خواست بلید جمهوری اسلامی مزدور و جنایتکار ستمنده و قهرمانانه در برابر آن ایستادگی می کنند .



در شهرهای کردستان و همچنین در شهر ارومیه تشدیدهای با امضای ستاد مشترک ارتش امپریالیستی بخش گردید . کمدن آن گفته شده است متولدین سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۰ از خدمت



نظام وظیفه معاف هستند. بخش این اطلاعیه با عکس العمل شدید پاسداران و کمیته جی‌های ضدخلقی روبرو شد و ایمن مزدوران وسیعاً در شهر به گشت‌زنی پرداخته و ضمن جمع‌آوری اعلامیه‌های مزبور، هرکسی را که از اعلامیه‌ای فوق در دست داشت، دستگیر و با خود به مراکز سرکوب‌سیاسه و کمیته بردند. از منبع بخش اطلاعیه‌ی مزبور گزارشی درست نیست.

اخیراً یک پناهنده ایرانی مقیم شهر دهلی هندوسمان با انداختن خویش به روی ریل راه آهن دست به خودکشی زد. این پناهنده دارای همسر و فرزند بوده است. از جمله غلغل اقدام وی به خودکشی عدم رسیدگی مسئولین اداره کمیاری عالی برای پناهندگان A.N به معضلات او از جمله مساله مهاجرت بوده است. خودکشی این پناهنده و همچنین اعتصاب غذای اخیر پناهندگان ایرانی مقیم دهلی بیانگر وضعیت وخیمی است که آوارگان با آن مواجه‌اند.

در اعتراض نسبت به کشتار و قتل عام زندنیان سیاسی توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در تاریخ ۸۸/۱۲/۱۳ تعداد زیادی از هموطنان مبارز و هم‌واداران سازمانهای انقلابی در شهرها گوسند شروز بمدت ۵ روز دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب کنندگان ضمن حمل پلاکارهایی در خیابان مرکزی این شهر تجمع کرده و به افشای جنایات رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی پرداختند. در جریان این حرکت اعتراضی که با استقبال وسیع مردم شهر روبرو شد، بیش از ۱۸۰۰ امضاء در محکومیت جنایات رژیم جمهوری اسلامی جمع‌آوری شد که رونوشت آنها به سازمان ملل، طیب سرخ جهانی، عقب‌بین الملل و وزیر امور خارجه نروژ فرستاده شد. لازم به توضیح است که اعتصاب غذای مزبور از طرف انجمن ایرانیان مقیم هاگوسند، سازمان داده شده بود.

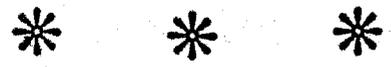
* در بی‌یگاعتصاب ۲۴ ساعته به تاریخ ۱۹ آوریل که از طرف اتحادیه‌های کارگران شیلی در سانتیاگو ترتیب داده شده بود، همچنین بدنیال انفجار ۶ دکل برق که موجب قطع جریان برق با شعاع ۲۰۰۰ کیلومتر شد، ارتش سرکوبگر شیلی یکی از اعتصاب کنندگان را به قتل رسانده و ۴ نفر را نیز مجروح ساخت. ۲۵ تن از کارگران اعتصابی نیز در ایمن یورش و حمله دستگیر شدند.

* در تاریخ ۱۹ آوریل (۲۵ فروردین) مقارن با سالگرد دستگیری و ناپدید شدن راجر گونزالس رهبر ۲۴ ساله جنبش دانشجویی در هندوراس، تظاهراتی با شرکت ۵۰۰ تن در تکوسی کالیای هندوراس برگزار شد. تظاهرات کنندگان در اعتراض به ناپدید شدن راجر گونزالس ملی تظاهرات ۱۹ آوریل سال ۱۹۸۸ توسط نیروهای امنیتی، به این اقدام دست زدند. طی تظاهرات سال قبل که در اعتراض به حضور ارتش و مبعوثان آمریکا در هندوراس صورت گرفته بود کنسولگری امریکسا در این کشور به آتش کشیده شد و ارتش امپریالیستی هندوراس علاوه بر سربیه نیست کردن راجر گونزالس ۲ دانشجوی دیگر را نیز کشته بود.

- مطابق اخبار رسیده با آغاز فصل بهار و در پی تحركات هرجه افزونتر پیشمرگان قهرمان خلق کرده‌وندیسات جانگه آنان به مراکز و پایگاه‌های ضدخلقی مستقر در کردستان نیروهای سرکوبگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، به منظور مقابله با گسترش تعرضات انقلابی فرزندان خلق کرد و تشدید سرکوب این خلق رزمنده، اهالی روستاهای کانی زرد، ورته، دوله‌تو واقع در اطراف شهرهای سردشت و پیرانشهر و همچنین چند روستای منطقه یانیه را مورد آزار و اذیت قرار داده و از جمله شیها مانع از خروج آنها از روستاهایشان شده‌اند. اخبار وابسته در این رابطه حاکی از آنست که پاسداران ضدخلقی و مزدوران محلی موسوم به جاش‌ها، با استقرار کمین‌هایی در روستاهای مزبور، راه‌های ورود و خروج روستائیان را می‌بندند تا به این ترتیب جلوی کمک‌های بیدریغ مادی و معنوی توده‌های ستمدیده را به فرزندان پیشمرگه شان بگیرند. در ضمن این عمل مزدوران باعث می‌شود که روستائیانیکه ناپسند شانه و تا دیر وقت به منظور آبیاری مزارع خود از روستاهایشان خارج شوند با مشکلات بسیاری روبرو گردند. سرکوبگران مزدور، جاش‌ها و پاسداران و ارتشیان، در وحشت از تهاجمات مسلحانه پیشمرگان قهرمان خلق کرد در فعلی که همواره شاهد حضور فعالتر آنان در صحنه جنگ انقلابی کردستان بمنظور دستیابی به آزادی و رسیدن به حق تعیین سرنوشت خود بوده‌اند، در کمین‌های ضدخلقی شان با درماندگی و وحشت تمام، شیها با دیدن هر شیبه نیاهی بطور دستپاچه حتی بدون اینکه قادر به ایست دادن باشند شروع به تیراندازی می‌نمایند.

سنندج

- دست‌انکاران رژیم اخیراً در شهر سنندج قیمت دلیتی کالاهای اساسی را هر کیلو ۲۰ ریال افزایش داده‌اند از جمله کالاهایی که قیمتشان از طرف دولت بانرخ گرانتر از قبل عنوان شده برنج، روغن، شکر و قند می‌باشد. همچنین هر جایی نسبت کوپنی از ۵ تومان به ۷ تومان رسیده است، اینها گوشه‌ای از اقدامات مربوط به قیمت‌گذاری برووی کالاهای مسورد احتیاج توده‌ها از طرف رژیم است که داعیه مبارزه با گرانی را دارد.



آزادببخش السالوادور را ضمن یک تعرض موفقیت آمیز اعدام انقلابی کردند .

انقلابیون با نصب یک بمب در سقف اتومبیل بین مقام فدخلقی دادگستری در حالیکه وی به همراه محافظ و راننده خود، پشت چراغ قرمز ایستاده بود او را به سوی اعمال خویش رساندند. محافظ و راننده رو بر تو آواراد از این تهاجم انقلابی جان سالم به در بردند. مزدور نامبرده که هنگام اعدام انقلابی ۵۳ سال داشت در سخنرانیهای خود همیشه سوگند یاد می کرد کبسه با لخره حبه آزادیبخش فارابوندومارتی را تا بود خواهد کسرد.

الزم به تذکر است که در چهار جوب تشدید عملیات انقلابی FMLN بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و جنایتکار السالوادور، یک هفته پیش از این تاریخ نیز خانه معاون رئیس جمهوری جدید السالوادور بنام فرانسیسکو مارینو به وسیله ۲ بمب منفجر شده بود.

پدولت مزدور پاکستان طی بخشنامه ای خطاب به ادارات پلیس از آنان خواسته است تا خارجیان مختلف نویسنده آنانی که اقامتشان در پاکستان غیر قانونی است، با اطلاع سفارت آن کشور، به کشور مربوطه فرستاده شوند. این موضوع را اخیرا پناهنده ای که پس از مدتها بازداشت در زندانهای پاکستان آزاد شد، بازگو کرده است. او بخاطر آشنائی با یکی از مقامات زندان توانسته بود به ایمن بخشنامه دست پیدا کند و یک فتوکپی از آن تهیه کرده و به بیرون از زندان بفرستد. یک نسخه از فتوکپی مذکور به دفتر سازمان

ارتش مزدور پرو در تاریخ چهارشنبه ۱۹ آوریل سال جاری، وحشیانه به دانشگاه سن مارکوس در لیما حمله برد و ۲۰۰ تن از دانشجویان مبارز این دانشگاه که از دیرباز یکی از مراکز تبلیغ و حمایت از مبارزه مسلحانه انقلابی جاری در پرو بر علیه دیکتاتوری امپریالیستی این کشور بوده را دستگیر کردند .

همچنین سربازان مزدور ارتش ضمن این حمله شعارهای حمایت از مبارزه مسلحانه جریکهای "راه درخشان" بر علیه رژیم مزدور حاکم بر پرو را نیز از در و دیوار دانشگاه پاک کردند .

خبر دیگری از پرو حاکیست که دو روز پیش از این تاریخ ۸۰ هزار کارگر معدنچی در این کشور اعلام کردند که از ۲۷ تا ۲۹ آوریل در اعتراض به سیاستهای رژیم مزدور حاکم دست به یک اعتصاب ۳ روزه خواهند زد .

بدنیال اعتصاب گسترده ۳۰۰ هزار کارگر بندر در شهر بندری مختلف هند در ماه آوریل، دولت فدخلقی هند مجبور شد که از سربازان ارتش این کشور برای کار در بندر استفاده کند . کارگران اعتصابی، مدت اعتصاب خویش را نامحدود اعلام کرده اند و این عمل آنها باعث فلج شدن روند کار بنادر در هند گشته است .

جریکهای انقلابی حبه آزادیبخش فارابوندومارتینی (FMLN) در السالوادور در تاریخ ۱۹ آوریل یک کمیسی از دست اندرکاران سرسپرده حکومتی در دادگستری السالوادور به نام روبرتو گارسا آواراد، دشمن قسم خورده جریکهای

منتشر شد

بازگشت به ناکجا آباد

و باز گردیم؟



نویسنده: جریه فدایی خلق لبنان

امیر پرویز پویان

سوسیالیسم و مذهب

روش حزب کارگران

نسبت به مذهب

۱۰۰۰

حزب اسلامی و سایر سران اجزای هفت گانه مورد نفیست
شدند توده های افغانی قرار دارند ، مدتی سنایر اختیار
وحشیانه و جنایتکارانه و در همه موارد دستهای
آوارگان جوانان اعتراضی و سران آوارانند عقاید خود
را ندارند ، اخیرا که شهر کابل بخاطر محاصره نظامی توسط
عمال جنایتکار آسویکا دچار قحطی شد و مردم از گرسنگی و
سرما تلف شده و برای یافتن اندک غواری ، دردهای
بسیار طولی میبستند این سانه با ختم و نفیست
توده های آواره حواجه شد ، آوارگان افغانی هیچ روی
دل خوشی از دولت جنایتکار پاکستان ندارند ، برکساری ،
گرسنگی ، نبود حداقل امکانات رفاهی ، بهداشتی ، و
فرهنگی ، ارمغان دولت پاکستان و سرکوب و کشتار وحشانه
ارمغان سران ارتجاعی مجاهدین برای توده های آواره است .

ملل توسط پناهنده تازه آزاد شده ارائه شد .
* آوارگان افغانی در شرایط فلاکت باری در پاکستان
به سر میبرند ، آنان عمدتا در کمپ های اطراف شهر پشاور
پاکستان بدون کمترین امکانات در سرمای سخت زندگی میکنند .
آوارگانی که قصد مراجعت به کشور خود را دارند توسط
مجاهدین دستگیر شده و در زندان های تروین و سلاخی پاکستان
اسیر میشوند ، آنان با این بهانه که جاسوس "خاد" میباشند
تحت آزار و اذیت وحشیانه قرار میگیرند و بسیاری از آنان
توسط باند جنایتکار کلیدین حکمت یار ، سربه نیست میشوند .
در کمپ های آوارگان و حتی در شهرهای همچون اسلام آباد که
در آن آوارگان افغانی به سر میبرند ، اختناق و وحشیانه های
حاکم است ، افراد به اصطلاح خاطی به توصیه کلیدین توسط
پلیس پاکستان دستگیر میشوند ، "حکمت یار" رئیس مسزور



منتشر شد

اثر گرانقدر رفیق کبیر امیر پرویز پویان " ضرورت مبارزه مسلحانه
و رد تئوری بقا " به زبان هلندی

و
نشریه " اطلاعات در مورد ایران " به زبان هلندی

از انتشارات سازمان دانشجویان ایرانی اروپا
هوادار جریکهای فدائی خلق ایران

Iran info

سازمان دانشجویان ایرانی در هلند
Iraanse Studenten Associatie
P.O. Box 42426, 1022 XE Amsterdam, Netherlands.
Tele 455486

EEN SCHEUT

De late nacht
riep uit
Met bebloede keel
De zwa
ligt koud
Een tak
in de duisternis van het woud
Schreeuwde
naar het licht.

Arvad Barmid



Verspreiding van Baha'is in Iran.
Kinderen bij het lijk van hun
vermoorde moeder

OVER DE NOODZAAK
VAN DE GEWAPENDE STRIJD
EN DE WEERLEGGING VAN
DE "Overlevings-theorie"



Door: Kamerad Amir Parviz Pouyan

مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا

Iraanse Volks-Bodajay (Internasjonal)

جریکهای فدائی خلق ایران

TO KEEP UP TO DATE ON THE ISSUES
RELATING TO STRUGGLE OF THE IRANIAN
PEOPLE FOR FREEDOM AND LIBERTY, READ
IRAN IN RESISTANCE.

IRAN IN RESISTANCE PROVIDES UPDATES
AND ANALYSES ON THE MANY ASPECTS OF
IRAN. THE MAINSTREAM MEDIA'S
UNWRITTEN POLICY OF SILENCE ON MANY
CRUCIAL ISSUES RELATED TO IRAN MAKES
IT MORE IMPORTANT THAN EVER FOR
FREEDOM-LOVING PEOPLE TO BE INFORMED.
WE ARE EAGLE TO HEAR FROM YOU AND
WELCOME YOUR COMMENTS OR EDITORIAL
LETTERS FOR PUBLICATION IN IRAN IN
RESISTANCE. PLEASE SEND THEM TO:

U.S.A.
P.O. BOX 4612
DENVER, COLORADO 80206

Uitgave van:
Iraanse Studenten Associatie

aanhangers van (Iraanse Volks-Bodajay (Internasjonal)

P.O. Box 4612
1000 DE Bilt, Den Haag
Netherlands

Tele 455486



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
قهومانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
برافرازیم و در راهی که ما خون آنها سرخ شده است،
به پیش رویم!"
(ما توتسه دون)

شهدای فروردین ماه

جریکهای فدائی خلق ایران

رفقا:			
جواد سلامی	۵۰/۱/۲۶	حمید اکرامی	۵۴/۱/۳۳
بیژن جزنی	۵۱/۱/۳۰	محمد رضا کامیابی	۵۵/۱/۱۸
حسن ضیاء ظریفی	۵۱/۱/۳۰	علی میرابیون	۵۵/۱/۲۹
محمد جویا نژاد	۵۱/۱/۳۰	یدالله سلیمی	۵۶/۱/۴
احمد جلیل افشار	۵۱/۱/۳۰	پریدخت (غزال) آیتی	۵۶/۱/۹
عزیز سمردی	۵۱/۱/۳۰	سیمین بنجه غامی	۵۶/۱/۱۰
معموف (سعید) کلانتری	۵۱/۱/۳۰	عباس هوشمند	۵۶/۱/۱۰
عباس سورکی	۵۱/۱/۳۰	جمشید هدایتی (کاک اسماعیل)	۶۶/۱/۲۷
محمد معصوم خانی	۵۴/۱/۲۷	سلیمان میربلوک (کاک قادر)	۶۶/۱/۲۷



روزشماره فروردین ماه

۱۳۶۹/۱/۲۷ قیام شیخ محمد خیابانی
در آذربایجان
۵۰/۱/۱۷ حمله به کلانتری قلمک (در
تهران) توسط جریکهای فدائی خلق ایران
۱/۲۲ ترور املیا نازایا تا ۱۹۱۹
۱۳۲۷/۱/۲۳ اعتصاب تاکیرانسان

تهران

۱/۲۸ پیروزی انقلابیون کابوسوج

۱۹۷۵

۵۹/۱/۲۹ یورش به سفنج (جنگ)

یکماهه) و آغاز یورش گسترده نوم به
کرستان



گنجینه های مالی

سودسند:

- احمد - استکلم ۲۰۰ کرون
- میز کتاب - استکلم ۱۱۸۷ کرون
- پویان - استکلم ۵۷ کرون
- حمیداعرف - استکلم ۲۰ کرون
- فرج الله نیک نژاد - استکلم ۲۰۰ کرون
- مختار نیک نژاد - استکلم ۲۰۰ کرون
- قادر و آرزو نیک نام اسپی - تیسروند ۱۰۰ کرون
- مبین جهانگیری - گوتنبرگ ۹۰ کرون
- مهرنور ابراهیمی - گوتنبرگ ۱۱۰ کرون
- صفائر فرمانی - گوتنبرگ ۱۲۰ کرون
- باایمان به پیروزی راهمان - گوتنبرگ ۱۱۰ کرون
- عباس المین عذاتی - گوتنبرگ ۲۰۰ کرون

- ۱/۱۰ روز اشغال فلسطین - روز زمین ۱۹۷۶
- ۱۳۲۶/۱/۱۰ شهادت قاضی محمد صبر قاضی و سیف قاضی از رهبران جنبش سالهای ۲۵-۲۲ کرستان
- ۱۳۰۰/۱/۱۲ قیام محمدتقی خان بیجان
- ۵۰/۱/۱۴ اعدام انقلابی سید
- فریب توسط جریکهای فدائی خلق ایران
- ۱۳۳۰/۱/۱۶ درگذشت پروین اعتصامی
- ۱/۲۰ قتل عام صدها تن فلسطینی در نبراسن ۱۹۴۸

- ۱۱/۱/۴ شهادت رفیق محمد حرمتی پور از رهبران چغنا (آرخا) و چهار تن از همزمانش
- ۵۸/۱/۵ حمله به مردم سفنج (نور خونین)
- ۵۸/۱/۶ حمله به خلق ترکمن (جنگ اول گنبد)
- ۵۹/۱/۷ قتل عام اهالی بیدفاع روستای قهلاخان در کرستان
- ۱/۸ تولد ماکهم گورکی ۱۸۶۸

هر چه برافراشته تر بان پرچم خونین جریکهای فدائی خلق

پیام فدائی



جریک فدائی خلق رفیق شهید
سلیمان میربلوک (کاکا قباد)



جریک فدائی خلق رفیق شهید
جمشید هدا بیگی (کاکا اسماعیل)



جمهوری اسلامی مسبب اصلی بی‌خانمانی اهالی سیل‌زده سیستان

سیل شدید و مرکب‌اری زندگی و هستی هزاران تن از توده‌های محروم و تحت‌تأمین سیستان در استان سیستان رادر کام‌خویش فروردین سیلاب مهیب دهم‌هزاره‌ها را تا ماسا در کام خود بلعیده است. ده‌ها هزار هکتار از زمین‌های زراعی ده‌هزاران زحمتکش در زیر امواج آب مدفون شده و تعداد بسیار زیادی از دام‌های دامداران محروم این‌خله تلف گشته‌اند، صرف‌نظر از این بسیاری از توده‌های رنج‌دیده و عشاير محروم نیز جان خود را از دست داده‌اند و آبهائی نیز که توانسته‌اند خود را نجات دهند بی‌خانمان و در بدر شده و در حال حاضر فاقد کمترین امکانات اولیه زندگی هستند. مساحا سیل اخیر همراه با خسارت و ضایعات مربوط به آن اولین و آخرین رویداد مصیبت بار در میهن ما نیست. ظرف سال‌های اخیر در بسیاری از نقاط دیگر ایران نظیر استانهای گومان و یزد و خوزستان نیز گاه و بیگاه سیل مرگبار زندگی و هستی توده‌های محروم رادر خود بلعیده است. در این میان آنچه قابل تأکید است برخورد رژیم فداخلقی جمهوری اسلامی در این زمینه می‌باشد. این رژیم در حالیکه تاکنون جهت مقابله و پیشگیری از مخاطرات ناشی از این بلاها کمترین کام جسدی بر نداشته و مسئولیتی در قبال تأمین و جبران خسارات مالی و جانی وارده به توده‌های بلا دیده متقبل نشده است، سیاست خود را بر در مینا استوار ساخته است، نخست آنکه در انظار توده‌ها علست اصلی مصیبت‌های ناشی از سیل و زلزله را تماما به آسمانها و به اصطلاح به قضا و قدرهای الهی حواله میدهد و بدین نحو بار مسئولیت ضایعات و خسارات ناشی از آنرا از دوش خود برداشته و با آنسرا کم‌رنگ جلوه می‌دهد و دوم آنکه این

در صفحه ۲۵

گرامی باد یاد شهدای نوزدهای خونین در کردستان

در صفحه ۳۳

با کمکهای مالی خود
جریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید

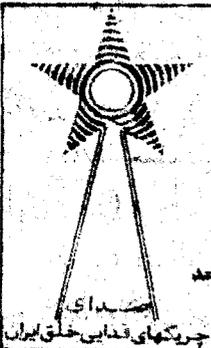
برای تماس با جریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:

فرانسه

انگلستان

F. S
B. P. 181
75623 PARIS
CEDEX 18
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND



ساعات پخش:

۹ شب و

۵، ۶ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

در شب ۷۵ متر

جریکهای فدایی خلق ایران

برقرار باد جمهوری و کمونیسم خلق به رهبری علی‌اکبر گل‌رنگ